

# آموزش ابتدایی

## رشد

۵

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزشی

دوره‌ی شانزدهم / بهمن ماه ۱۳۹۱ / شماره‌ی پی‌درپی ۱۳۰

ماه‌نامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: مرتضی مجدفر

شورای برنامه‌ریزی:

شکوه تقدسیان

فاطمه رضانی

لیلا سلیقه‌دار

یدالله رهبری نژاد

ابراهیم اصلانی

مدیر داخلی: اصغر ندیری

طراح گرافیک: فریبا بندی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۷۵)

نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه:

www.roshdmag.ir

پیام‌نگار:

ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

• کد مدیر مسئول: ۱۰۲

• کد دفتر مجله: ۱۰۹

• کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۵۰۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

**به جای یادداشت سردبیر ۲:** تنها معلمان رشد یافته، تحول می‌آفرینند / یدالله رهبری نژاد

**آموزش ۴:** ۴۰ اصل و چند نکته / دکتر عظیم محبی

**تعلیم و تربیت ۷:** قلدری در کودکان / مترجم: مرجان حاجی مرادی

**با آموزگاران بزرگ ۸:** مبانی معرفتی تربیت تفکر / بازنوشته‌ای از دکتر علی محمد کاردان

**کتاب‌خانه‌ی مدرسه ۱۱:** تقویت مهارت املانویسی با بازخورد توصیفی / بهمن قره‌داغی

**تعلیم و تربیت ۱۲:** ارتباط میان یادگیری ریاضیات و ربع‌های مغزی / اعظم لطفی

**یک کتاب در یک مجله ۱۴:** ۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس‌های درس / مترجم: نگار مجدفر

آموزش ابتدایی  
رشد

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۵

بهمن ۹۱

پروژه  
تجربیان

۱۷ تا ۳۲

**میراث ما ۳۳:** نمایشگاهی از ۵۰ سال تلاش هنری / حمید دهقان

**مبانی پژوهش‌های دانش‌آموزی ۳۴:** خشت‌های پایه / ابراهیم اصلانی

**یک نکته از این معنی ۳۷:** یک جرعه آفتاب / سعیده اصلاحی

**گزارش ۳۸:** هم علم، هم ثروت! / ابراهیم اصلانی

**فلسفه برای کودکان ۴۱:** دو داستان فلسفی / زری آقاجانی

**تعلیم و تربیت ۴۴:** یادگیری سریع / مترجم: نسرین امامی‌زاده

**با همراهان ۴۶:** پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان / شورای برنامه‌ریزی مجله

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم .....

♦ مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ♦ مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ♦ مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و بر روی CD یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ♦ نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ♦ محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ♦ مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ♦ کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ♦ مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ♦ معرفی نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس رنگی، عنوان و آثار وی پیوست شود. ♦ مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب مقاله‌های رسیده مختار است. ♦ نوشته‌های دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ♦ آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

# تنها معلمان رشد یافته تحول می‌آفرینند

یدالله رهبری نژاد

عضو شورای برنامه‌ریزی مجله

## اشاره

بهمن ماه، یادآور پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) است. یکی از ویژگی‌هایی که همواره در تاریخ سی‌وسه‌ساله‌ی انقلاب اسلامی ما خودنمایی کرده و در رأس برنامه‌های فرهنگی - تربیتی درخششی و صف‌ناپذیر داشته است، تأکید بر تحول، نوخواهی، نوجویی و تغییر است و این همان نکته‌ای است که به سیاست و برنامه‌ی عملیاتی اول و آخر این روزهای آموزش و پرورش کشورمان تبدیل شده است. به مناسبت فرارسیدن بهمن، ماه پیروزی انقلاب اسلامی، یادداشت آغازین این شماره به وجهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی و بازنمایی جنبه‌هایی از ابعاد تعلیم و تربیتی آن اختصاص یافته که به وسیله‌ی یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله نوشته شده است.

ماه بهمن در حافظه‌ی تاریخی ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و هر سال با نزدیک شدن به آن، حس و حال خاصی پیدا می‌کنیم و باعث می‌شود تا جلوه‌های متنوع و خاطرات شیرین بهمن ماه سال ۱۳۵۷ در مقابل چشمان ما متجلی شود.

اینک سی‌وسه سال از آن واقعه‌ی بزرگ می‌گذرد و در این مدت قلم‌ها در وصف آن و سخن‌ها در عظمت آن، بسیار نوشته و گفته‌اند. همچنین در این زمینه فیلم‌های زیادی اکران شده است و این رویداد را از ابعاد و منظرهای مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. علاوه بر این به منظور آگاه‌سازی نسل جدید با پیشینه‌ی تاریخی کشور و اهداف و ثمرات انقلاب اسلامی در قالب محتوای آموزشی، به دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی آموزش داده شده است.

در این مجال اندک امکان پرداختن به



همه‌ی ابعاد انقلاب میسر نیست لکن آن را از دید تعلیم و تربیت مورد واکاوی بیشتری قرار می‌دهیم.

با قدری تأمل در اندیشه‌ی بنیادی و مبانی فکری که منشأ پیدایش انقلاب اسلامی شد، می‌توان دریافت که ماهیت آن به‌طور عمده فرهنگی و عقیدتی است. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است و به واسطه‌ی فرهنگی بودن آن، رابطه‌ی بسیار عمیق و وسیعی با تعلیم و تربیت دارد و انتظار هم این بود که نظام تعلیم و تربیت کشور متناسب با آن تحول اساسی، تغییر یافته و سازوکار لازم برای تحقق آرمان‌های انقلاب را مهیا سازد.

شاید بتوان تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را که هرچند با تأخیری چندساله به منصفه‌ی ظهور رسیده است، ادامه‌ی منطقی آن رویداد بزرگ تلقی کرد، زیرا همان‌طور که ذکرش گذشت هر حرکت نظام‌مند و هدف‌دار بدون توجه به شرایط و بسترهای مناسب و هموار، به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. به عبارت دیگر از جمله لوازم تحقق اهداف انقلاب اسلامی، بازسازی ارکان و مؤلفه‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت کشور است، چرا که برای رویارویی مناسب و مؤثر با مسائل و چالش‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بستری مناسب‌تر و کارسازتر از نظام تعلیم و تربیت نیست و به‌همین دلیل همواره به‌عنوان پیش‌نیاز دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود. به همین منظور در برنامه‌ریزی‌های توسعه در میان ملل مختلف این مقوله از عناصر نظام حکومتی به شکلی ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد.

حال اگر از میان مجموعه نهادهای اجتماعی موجود در کشور، نهاد تعلیم و تربیت اولویت بیشتری در کمک به تحقق اهداف انقلاب دارد، نگاه متوازن به همه‌ی مؤلفه‌ها و ارکان متشکله‌ی آن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است و در بازسازی آن باید عرصه‌های مختلف هدف‌گزینی، انتخاب محتوا، روش‌های تدریس، صلاحیت‌های حرفه‌ای کارگزاران و معماران نظام تعلیم و تربیت یعنی معلمان مدنظر قرار گیرد. عطف توجه به نکات زیر می‌تواند ما را در اقدامات تحول‌آفرین آینده کمک کند:

✓ بازسازی نظام تعلیم و تربیت، هم‌سو کردن آن با روند توسعه،

همانند آن‌چه که در کشورهای توسعه‌یافته بعد از جنگ جهانی دوم و در گام نخست بازسازی جامعه به شکل جدی مورد توجه قرار گرفت، ضرورتی جدی است و در این مسیر معطوف ساختن اهداف نظام تعلیم و تربیت به نیازهای اساسی جامعه، مسئولیتی اجتناب‌ناپذیر است.

✓ ابتدای محتوای درسی دانش‌آموزان بر آخرین یافته‌های علوم، فنون و تکنولوژی، متناسب با نیازهای فردای جامعه از جمله اصولی است که اثرات تخریبی عدول از آن جبران‌ناپذیر خواهد بود.

✓ فاصله گرفتن از الگوها و روش‌های تدریس سنتی سنگ بنای یک اقدام نوگرایانه در عرصه‌ی تعلیم و تربیت است، تا جایی که **اگر معلمان یک نظام تعلیم و تربیت شهامت ترک نگرش‌ها و تعلقات مربوط به روش‌های سنتی خود را نداشته باشند هرگز امکان ورود به اقیانوس بی‌کران علم را پیدا نخواهند کرد و قادر نخواهند بود تحول‌آفرین و منشأ انقلاب و دگرگونی در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت باشند.** به قول تولستوی: «برای کشف اقیانوس‌ها باید شهامت ترک ساحل امن و آرام خود را داشته باشی. چون دنیای ما دنیای تغییر است، نه دنیای تقدیر.»

بنابراین معلمان رشدیافته و آنانی که فرایند «شدن» را تجربه کرده‌اند، قادر خواهند بود متریان خود را به انسان‌های تغییرپذیر و تحول‌آفرین مبدل سازند.

بدیهی است که این امر مستلزم دوری جستن از الگوهای سنتی و افزایش قابلیت‌ها و صلاحیت‌های معلمان در این زمینه‌هاست. در غیر این صورت کامل‌ترین و مترقی‌ترین برنامه‌های درسی نیز در عمل به تغییرات معنادار در عرصه‌ی تعلیم و تربیت منجر نخواهد شد.

به عبارت دیگر اگر معلمان ما به پیشرفته‌ترین و جدیدترین رویکردهای آموزشی تجهیز نشوند امید به پیشرفت، تغییر و دگرگونی در ابعاد مختلف علمی، تکنولوژیکی و... خیالی بیش نخواهد بود.

تحقق چنین انتظاری مستلزم برنامه‌ریزی‌های اساسی به‌منظور ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان است و مقدار موفقیت جامعه، معادل میزان سرمایه‌گذاری‌هایی است که در این زمینه مصروف می‌گردد و درجه این اهمیت تا بدان حد است که می‌توان گفت بقای جامعه به اجرای این وظیفه‌ی خطیر بستگی دارد.

# ۴۰ اصل و چند نکته

## ویژگی‌ها و اصول فرایند یاددهی - یادگیری در اسناد تحولی جدید

### اشاره

آیا با خود اندیشیده‌اید که به کارگیری کدام یک از ویژگی‌های تدریس، یادگیری دانش‌آموزان را معنی‌دار و پایدار می‌کند؟ اگر قرار باشد به‌عنوان یک معلم فکور و پژوهشگر، ویژگی‌های تدریس خود را فهرست نمایید، کدام ویژگی‌ها را مد نظر قرار می‌دهید؟ برای برشمردن ویژگی‌ها و اصول تدریس اثربخش در فرایند یاددهی - یادگیری باید به این سؤال پاسخ دهیم که اساساً دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های فکری، فطری، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی‌شان چه گونه بهتر یاد می‌گیرند؟ آیا آن‌ها صرفاً با ارائه‌ی مطالب به‌صورت مستقیم یاد می‌گیرند، یا این که زمینه‌های یادگیری را در وجود خود دارند و ما باید زمینه‌ها را شکوفا و هدایت کنیم؟

با تأمل در فرایند تحول شناختی دانش‌آموزان درمی‌یابیم که آن‌ها اساساً بر مبنای تحول تدریجی فکر خود، تمایل نشان می‌دهند که با محیط ارتباط برقرار کنند و تا خود کشف نکنند، قانع نمی‌شوند. لذا یکی از ویژگی‌های مورد توجه در فرایند یاددهی - یادگیری محور تفکر به‌همراه جلوه‌های مختلف آن است (حل مسئله، تفکر منطقی، حل خلاقانه‌ی مسئله یا تفکر خلاق، تفکر سیستمی، تجربه و تحقیق، ارزیابی، قضاوت، پژوهیدن و...) بنابراین، تعدادی از اصول به تفکر و ابعاد آن مربوط می‌شود. علاوه بر تفکر گرایش‌های فطری، نیازها، علایق و سبک‌های یادگیری محیط‌های متنوع و ده‌ها مورد دیگر نیز در این فرایند تأثیرگذارند و می‌تواند هر یک از آن‌ها به‌عنوان یک اصل در این فرایند مطرح شود. لذا در مجموع با تحلیل ابعاد مختلف دانش‌آموزان به‌عنوان عنصر یادگیرنده، نقش آموزشی و تربیتی معلم، نقش محیط متنوع و عوامل دیگر، ۴۰ ویژگی و اصل به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری در نظر گرفته شده است. این مقاله را که بخش دوم از یادداشت‌های مؤلف در زمینه‌ی ارتقای کیفیت تدریس و ارزش‌یابی مبتنی بر اسناد تحولی وزارت آموزش و پرورش است، در ادامه می‌خوانید.

### ویژگی‌ها و اصول

۷. اصل تقویت مهارت‌های شناختی (درک و فهم، تجزیه و تحلیل، استدلال، از طریق مشاهده، تمرین و...)
۸. اصل تقویت مهارت‌های فراشناختی (برنامه‌ریزی، هدایت، کنترل و...)
۹. اصل کمک به کیفیت مهارت‌های ارتباطی بین دانش‌آموزان (گوش دادن، گفت‌وگو و...)
۱۰. اصل تعامل و کار گروهی برای هم‌افزایی و یادگیری خلاق و افزایش همکاری (زمینه‌سازی برای گفت‌وگو، مباحثه و کارهای گروهی در کلاس و...)
۱۱. اصل متناسب‌سازی فرایند تدریس با توانایی‌های دانش‌آموزان (ذهنی، جسمی، نیازها، علایق و سبک‌های یادگیری)
۱۲. اصل توجه به تفاوت‌های فردی (مقایسه هر فرد با خودش)

۱. اصل فعال‌سازی تفکر دانش‌آموزان (از طریق طرح سؤال‌های مناسب و...)
۲. اصل به کارگیری مهارت‌های پژوهشی از سوی دانش‌آموزان (زمینه‌سازی برای کاوشگری و جست‌وجوگری دانش‌آموزان)
۳. اصل فعالیت، کار، تمرین و عمل مستمر دانش‌آموزان (از فعالیت تمرینی تا واقعی و فعالیت‌های مناسب دانش‌آموز)
۴. اصل تقویت خودباوری و ایمان به خدا (باور به خود و در عین حال توجه به قدرت خداوند)
۵. اصل کمک به دانش‌آموزان در خودپالایی نفس برای درک حقایق، عزت نفس، اعتماد به نفس و خیرخواهی (این اصل بیانگر رشد اخلاقی دانش‌آموزان است)
۶. اصل تقویت نگرش دانش‌آموزان به توکل و امید به هدایت



۱۳. هوش ریاضی، کلامی، موسیقی، جنبشی، درون فردی، میان فردی (و...):  
تشخیصی؛

۱۴. اصل توجه به پیش دانسته‌ها و ارزش‌یابی مناسب آن (ارزش‌یابی تشخیصی)؛

۱۵. اصل افزایش انگیزه‌ی درونی (انگیزه به‌عنوان عامل اصلی یادگیری)؛

۱۶. اصل برقراری ارتباط با بافت و موقعیت‌های اجتماعی و طبیعی دانش‌آموزان (یادگیری مبتنی بر موقعیت)؛

۱۷. اصل بهره‌گیری از محیط متنوع در یادگیری (گردش علمی، حیات مدرسه، مسجد و...):

۱۸. اصل ایجاد موقعیت برای چالش فکری (طرح سؤال‌های مناسب و ایجاد زمینه برای کارهای آزمایشگاهی و ساخت وسایل و...):

۱۹. اصل بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی (استفاده از وسایل ساده تا وسایل نوین مانند رایانه در کلاس)؛

۲۰. اصل بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی (مطالب ارائه شده در کلاس دقیق و علمی باشد)؛

۲۱. اصل ارتباط دادن مطالب با واقعیت‌های زندگی (مدرسه‌ی زندگی و زمینه‌سازی برای بیان مثال‌ها و نمونه‌ی واقعی از زندگی)؛

۲۲. اصل توجه به کنج‌کاوی و خلاقیت دانش‌آموزان مبتنی بر فطرت (توجه به این‌که زمینه‌ی حقیقت‌جویی و خلاقیت فطری است)؛

۲۳. اصل گسترش تفکر انتقادی (نقاد) در دانش‌آموزان (زمینه‌سازی برای نقد و ارزیابی مسائل در کلاس)؛

۲۴. اصل تولید مفهوم (مفهوم‌سازی) و تولید دانش از سوی دانش‌آموزان (اساساً دانش و یادگیری ساختنی است)؛

۲۵. اصل کمک به رشد تفکر سیستمی در دانش‌آموزان (نگرش سیستمی در جامعه‌ی امروزی بسیار مهم است لذا زمینه‌ی آن باید از کلاس‌ها شروع شود)؛

۲۶. اصل شادی و هیجان‌ات مثبت در فضای کلاس (هوش هیجانی و این‌که تفکر مثبت و شادی زمینه‌ی یادگیری را بهتر فراهم می‌کند)؛

۲۷. اصل اخلاقی و نقش الگویی معلم (معلم در همه‌ی ابعاد باید الگو باشد)؛

۲۸. اصل هدایت‌گری و تسهیل‌گری معلم (معلم ارائه‌دهنده‌ی صرف نیست بلکه زمینه‌ی یادگیری را فراهم می‌آورد)؛

۲۹. اصل تکوین و تعالی هویت دانش‌آموزان (هویت اسلامی، انقلابی و ملی و این‌که تربیت هویت در ابعاد مختلف مدنظر است)؛

۳۰. اصل چالش خلاق و تضاد مثبت در کیفیت یادگیری (اختلاف سلیقه و برداشت در یک زمینه عادی است)؛

۳۱. اصل بهره‌گیری از تنوع روش، به‌ویژه روش‌های فعال و خلاق (مانند بارش فکری و...):

۳۲. اصل تقویت مهارت تصمیم‌گیری و به‌طور کلی مهارت‌های زندگی (توانایی تصمیم‌گیری مهم است؛ بنابراین، دانش‌آموزان باید در

۳۳. اصل شکوفایی استعدادها و انواع هوش‌های دانش‌آموزان

۳۴. اصل شکوفایی استعدادها و انواع هوش‌های دانش‌آموزان

۳۵. اصل شکوفایی استعدادها و انواع هوش‌های دانش‌آموزان

۳۶. اصل شکوفایی استعدادها و انواع هوش‌های دانش‌آموزان



و... دست یابند.

## ۲. چه‌گونه‌ی مدیریت این اصول در فرایند یاددهی-یادگیری

در فرایند تدریس، به‌جای ارائه‌ی مطالب به‌صورت مستقیم، باید زمینه‌ی فعال‌سازی تفکر فراهم گردد. این زمینه‌سازی از طریق طرح سؤال، نشان دادن فیلم، خواندن یک داستان، خواندن یک شعر، انجام دادن آزمایش و... فراهم می‌شود.

هم‌زمان با آماده‌سازی تفکر، دانش‌آموزان از نظر عاطفی نیز عملاً خود را با فرایند کلاس همراه می‌کنند و از پیوند و آمادگی تفکر و عواطف، انگیزه‌ی یادگیری نیز افزایش می‌یابند.

به دنبال درگیر شدن فکر دانش‌آموزان با موضوع درس، هدایت می‌شود تا از طریق مهارت‌های پژوهش به کاوشگری بپردازند (مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات، بحث و گفت‌وگو، آزمایش، فرضیه و...).

### پیشنهاد می‌شود در این مرحله آن‌ها را به‌سوی تعامل و انجام دادن فعالیت‌ها به‌صورت گروهی هدایت کنیم.

ارزش‌یابی از طریق مشاهده، پرسیدن به همراه تشویق و افزایش انگیزه در خودباوری و... در این مراحل تا انتهای تدریس ادامه دارد. پس از فعالیت‌ها آن‌ها باید بتوانند نظرات و برداشت‌های خود را به‌صورت فردی یا گروهی در کلاس مطرح کنند. در ادامه، معلم با توضیح بیشتر، نکات اصلی را مطرح و پیوند آن‌ها را با زمینه‌های اجتماعی، طبیعی و ماورای طبیعی برقرار می‌کند.

در انتها نیز با ارزیابی دقیق‌تر از یادگیری زمینه را برای تولید دانش فراهم می‌آورد و متناسب با شرایط و موضوع، تکالیف مناسب را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد.

کلاس آن را تمرین کنند)؛

۳۵. اصل تشویق (تحسین به موقع و مناسب)؛

۳۶. اصل ارزش‌یابی فرایندی (نحوه‌ی یادگیری به‌طور مستمر بررسی می‌شود)؛

۳۷. اصل تکالیف تمرینی، تثبیتی و توسعه‌ای (انواع تکالیف مانند مشق داده تا پژوهش و ساختن چیزها)؛

۳۸. اصل خودیادگیری، پالایش اطلاعات و مدیریت دانش (کمک به این‌که خودشان مدیر یادگیری خود شوند)؛

۳۹. اصل خودارزیابی در یادگیری و تقویت حس محاسبه و مراقبه‌ی خود (تمرین خودارزیابی برای تمرین خودارزیابی در مقابل خداوند)؛

۴۰. اصل ارتباط آموزش با موقعیت‌های اصیل و واقعی (دیدن اجسام و... در محیط طبیعی).

## تجزیه و تحلیل اصول ذکر شده

### ۱. اهمیت تفکر در یادگیری

شناخت از طریق حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب) حاصل می‌شود و در این میان تفکر و تعقل نقشی اساسی در شناخت حقیقت هستی و... دارد (سند برنامه‌ی درسی ملی، ۱۳۹۱: ص ۱۸).

براین اساس می‌توان بیان داشت آن‌چه از طریق عمل ذهنی روی اطلاعات دریافت شده و اندوخته‌های قبلی برای تبدیل مجهول به معلوم و دست‌یابی به نتیجه صورت می‌گیرد، تفکر است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا و سنجش و قضاوت یافته‌ها براساس معیار، تعقل نامیده می‌شود. ترکیب تفکر و تعقل در عرصه‌ی نظر و عمل حکمت است (همان).

صلاحیت‌ها و مهارت‌های مورد تأکید در پرورش تفکر و تعقل عبارت‌اند از:

تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلاقیت، تفکر سیستمی، پرسشگری، کاوشگری، هدایت مشاهدات، تحلیل قضاوت براساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت براساس نظام معیار، تأمل در خود، خودارزیابی (همان).

زمینه‌ی تفکر به‌صورت عام در همه‌ی افراد انسان وجود دارد و یک جنبه از فطرت انسان است که آموزش و پرورش عهده‌دار شکوفایی، صحت و سقم و سهولت بخشیدن به آن است. لذا در دوره‌ی ابتدایی انتظار می‌رود که دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری و در قالب دروس مختلف به توانایی استنباط، استدلال، پژوهش، خلق روش‌های جدید، نقد و بررسی، قضاوت در مورد عملکرد یادگیری خود و دیگران

# قلدری در کودکان

مترجم: مرجان حاجی مرادی، اصفهان

\* بروز قلدری در دختران و پسران متفاوت است. شکل قلدری در پسران بیشتر فیزیکی و همراه با تهدید، ترساندن و تمسخر دیگران است ولی دختران معمولاً از روش‌های غیرمستقیم و حيله‌گرانه‌تری استفاده می‌کنند؛ مانند شایعه‌پراکنی و بدگویی که موجب طرد قربانی از جمع هم‌کلاسی‌ها می‌شود.

\* کودک قلدر معمولاً در خانواده‌ای منفعل یا بسیار خشن با روش‌های انضباطی شدید زندگی می‌کند.

\* ۹۰ درصد پسرهایی که در دوران راهنمایی تحصیلی به عنوان قلدر شناخته می‌شوند، احتمالاً تا قبل از ۲۴ سالگی مرتکب یک تخلف مجرمانه خواهند شد.

\* کودکان قلدر معمولاً به تنهایی عمل نمی‌کنند. دوستان این گونه کودکان نیز اغلب به رفتارهای خشونت‌آمیز تمایل دارند. حمایت و پشتیبانی این کودکان موجب تقویت رفتار قلدرانه خواهد شد.

\* مؤثرترین مانع قلدری، واکنش دانش‌آموزان دیگر است. باید به دانش‌آموزان دیگر آموزش داده شود که تماشا کردن قلدری بدون انجام دادن اقدامی در برابر آن، به معنی هم‌دستی با قلدر است. اصولاً اکثر دانش‌آموزان با قلدری مخالف‌اند، بنابراین می‌توان به آن‌ها کمک کرد تا با اعتراض به قلدری، نظر خود را در رفتارشان منعکس کنند و به این ترتیب مانع بروز رفتار قلدرمآبانه در محیط مدرسه شوند.

اگر یک کودک قلدر فرزند شما را آزار می‌دهد، از فرزندتان نخواهید که در مقابل او بایستد. این نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه معمولاً مشکلات بیشتری به وجود می‌آورد. در عوض، با فرزندتان درباره‌ی روش‌هایی که مانع آسیب‌دیدگی او می‌شود، صحبت کنید، روش‌هایی مانند: توجه نکردن به قلدر و دور شدن از وی، پنهان کردن عصبانیت و ترس از حضور قلدر و کمک گرفتن از مسئولان مدرسه.

از اولیای مدرسه بخواهید که موضوع را پی‌گیری کنند، در مدارسی که به مسئله‌ی قلدری توجه می‌شود و در این مورد قوانین و سیاست‌های بازدارنده‌ای وجود دارد، این پدیده کمتر رخ می‌دهد. سعی کنید در این زمینه فرزندتان را از جنبه‌ی احساسی حمایت کنید؛ زیرا در این صورت او درمی‌یابد در تجربه‌ی خود تنها نیست. این امر باعث آرامش و افزایش اعتمادبه‌نفس او می‌شود.

در برخورد با قلدری، دانستن چند واقعیت لازم است:

امروزه بسیاری از خانواده‌ها نسبت به رفتار قلدرانه‌ی کودکان نگران هستند. برخی دیگر از خانواده‌ها نیز از مشکلات تعاملی کودک با مدرسه و اجتماع در اثر رفتار قلدرمآبانه رنج می‌برند.

آیا می‌دانید که قلدری به چه رفتارهایی در کودکان اطلاق می‌شود؟ قلدری نامی مصطلح برای رفتارهایی است که با هدف آسیب رساندن به فرد قربانی و تحقیر کردن او انجام می‌شود. قلدری به صورت‌های گوناگونی مانند قلدری کلامی و قلدری فیزیکی دیده می‌شود. از مصادیق قلدری فیزیکی کتک زدن، هل دادن و لگزدن است و قلدری کلامی نیز به شکل‌هایی مانند تحقیر و مسخره کردن بروز می‌یابد.

نوع دیگری از قلدری که بیشتر در دختران شایع است، به شکل غیر کلامی و هیجانی است. در این وضعیت، فرد قلدر به شکل غیرمستقیم به فرد قربانی حمله می‌کند؛ یعنی بر ضد او شایعه‌پراکنی می‌کند و موجب طرد وی از جمع دیگر دانش‌آموزان می‌شود.



منبع  
1. Bullying. Title I Parent Support. Mishigan.  
US. WWW.kalamazoopublicschools.com/  
Family Link/May 2012

# مبانی معرفتی تربیت تفکر

بازنوشته‌ای از زنده‌یاد دکتر علی محمد کاردان درباره‌ی پرورش تفکر

## اشاره

مرحوم دکتر علی محمد کاردان از نخستین استادانی بود که آزمون ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور را به صورت متمرکز و با روش جدید سازمان داد و اجرا کرد.

بنیان‌گذاری رشته‌ی «روان‌شناسی و علوم تربیتی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران و تلاش در گسترش رشته‌های مختلف علوم تربیتی در سطح کارشناسی ارشد، تأسیس نخستین دوره‌ی دکتری علوم تربیتی (تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش) در سال ۱۳۵۳ در دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه تهران و ترجمه‌ی کتاب‌های مهم در روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی و روش تحقیق از جمله کارهای وی بوده است.

دکتر کاردان از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ ریاست اداره‌ی کل دانشگاه تهران و از ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶ نیز ریاست نخستین دانشکده‌ی علوم تربیتی را که در دانشگاه تهران ایجاد شده بود، بر عهده داشت.

استاد کاردان علاوه بر تدریس در دوره‌های مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران و تربیت مدرسی، از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۶ سرپرست مؤسسه‌ی روان‌شناسی دانشگاه تهران بود.

از میان تألیفات دکتر کاردان، کتاب «تاریخ روان‌شناسی» در سال ۱۳۶۸ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال و ترجمه‌ی کتاب «روان‌شناسی و تربیت» در سال ۱۳۸۰ از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شایسته‌ی دریافت لوح تقدیر شد. او در مقطعی از دوران تحصیل حتی در پمپ بنزین هم کار کرده است. در روزهای تعطیل هم کار می‌کرده و نیز همان‌جا کتاب می‌خوانده است.

دکتر همیشه می‌گفت: «من یک معلم هستم، یک آموزگار.» حتی نمی‌گفت: «من استادم» و بیان می‌کرد: «من چیزی نمی‌دانم؛ باید آن قدر جلو بروم تا بفهمم.»

کلمه‌ی «استاد» یا «چهره‌ی ماندگار» روی سنگ مزارش نوشته نشده است. بر سنگ قبرش همان شعری که همیشه می‌خواند، حک شده است: «شد آموزگاری از آن پیشه‌ام / که بهبود خلق است اندیشه‌ام.»

در صفحه‌ی با «آموزگاران بزرگ» این شماره، بازنوشته‌ای از «مبانی معرفتی تربیت تفکر» را که برگرفته و تلخیص شده از کتاب «برنامه‌ی درسی و پرورش تفکر» دکتر کاردان (انتشارات انجمن اولیا و مربیان و دانشگاه تربیت معلم تهران؛ ۱۳۸۰) است، خدمت شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم. مطالعه‌ی این کتاب تلخیص شده، به‌ویژه این روزها که سند ملی آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی در حال اجرایی شدن است و در هر دو تفکر و فلسفیدن به وسیله‌ی دانش‌آموزان به شکل بارزی مورد توجه قرار گرفته، و نیز هم‌زمان با آغاز تدریس برنامه‌ی درسی تفکر و پژوهش در پایه‌ی ششم ضروری است. از خانم فرزانه شهرتاش، که بازنویسی این مقاله را با بهره‌گیری مستقیم از کتاب زنده‌یاد دکتر علی محمد کاردان عهده‌دار بوده است، تشکر می‌کنیم.

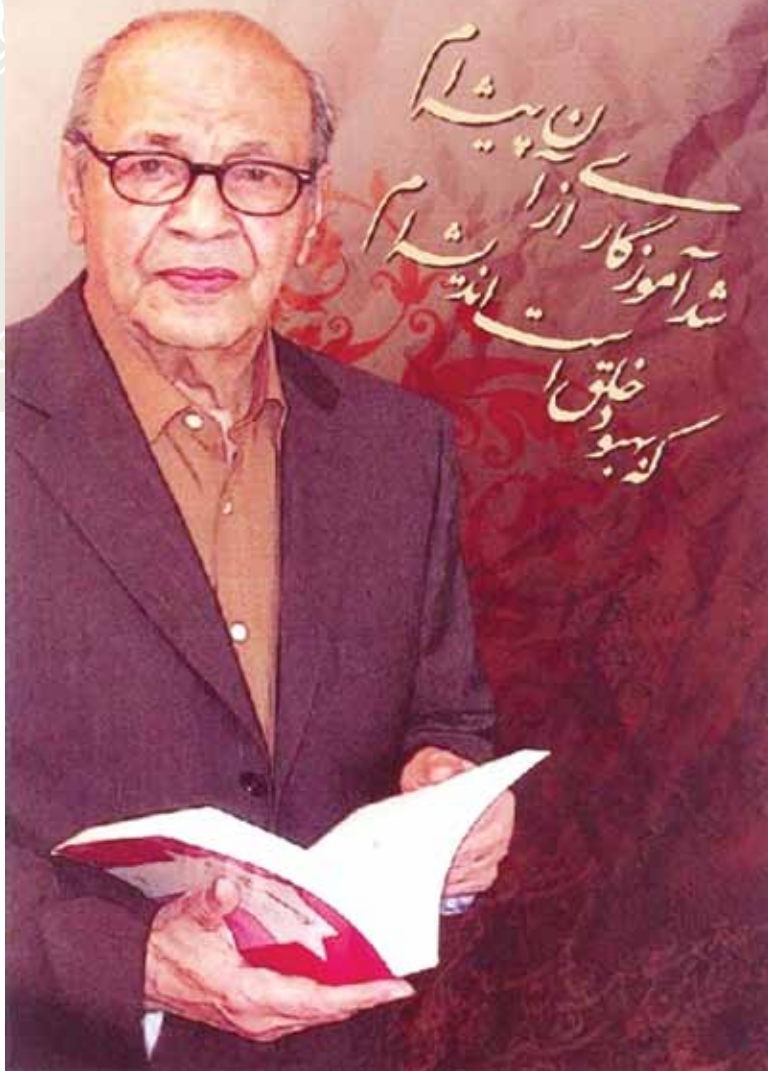
فایده‌ای ندارد؛ چون در واقع تفکر همان طور که اغلب بحث شده است، چیزی والاتر از اعمال غریزی و عادی است. به عبارت دیگر، تنها وقتی انسان به فکر می‌افتد که در مقابل مسئله‌ای قرار می‌گیرد. یعنی اگر مسئله‌ای

می‌شود و سوم جنبه‌ی عمل و حرکت و جنبشی است که از این برخورد ایجاد می‌شود. تفکر نه در خلأ صورت می‌گیرد و نه بدون جنبه‌ی هیجانی و رغبت و خواستها ایجاد می‌شود. اگر تفکر برای تفکر باشد نیز

## تفکر و تربیت تفکر

تربیت تفکر در روان‌شناسی اغلب با دو یا سه چیز ارتباط دارد. به قول بلوم یکی از آن‌ها، جنبه‌ی شناخت معرفت است، دیگری نگرش نسبت به موضوعی است که مطرح





نباشد، انسان غالباً غریزی و به‌طور عادی حرکت می‌کند. برای مثال، فرض کنید که در مقابل در بسته‌ای قرار می‌گیرید و ناگاه متوجه می‌شوید که کلیدتان نیست یا آن را اشتباهی آورده‌اید. ساعت هم یک بعد از نیمه‌شب را نشان می‌دهد و می‌خواهید وارد منزل شوید. به فکر می‌افتید که چه باید کرد اما اگر حالت عادی باشد، کلید را به قفل می‌اندازید و در را باز می‌کنید. به همین دلیل است که از **دیوبی** گرفته تا **پیاز**، همگی معتقدند که فکر زمانی ایجاد می‌شود که انسان در مقابل مسئله یا به گفته‌ی پیاز «وضع تازه‌ای» قرار گیرد و یا به گفته‌ی دیوبی می‌خواهد مسئله‌ای را حل کند. اگر چنین باشد، مسئله‌ی «تربیت تفکر» به‌معنای آن است که ما اطلاعات و حالات یا نگرش‌ها و خواسته‌هایی ایجاد کنیم که وقتی در مقابل مسئله‌ی پیش‌بینی نشده یا پیش‌بینی‌ناپذیری قرار می‌گیریم، دست‌پاچه نشویم و بتوانیم آن را حل کنیم.

و اما تفکر به معنای عام کلمه کاری است که هرکسی انجام می‌دهد. چه عامی و چه عالم، همه در حال تفکرند اما این که کدام تفکر مورد نظر است، به نظر من آن تفکر مقصود است که ما می‌خواهیم و می‌توانیم آن را آموزش دهیم و ایجاد کنیم، آن تفکر علمی است؛ تفکری که در هر حال حلال مشکلاتی بالاتر از مشکلات عادی و روزمره است. یعنی در هر حال زمینه‌ی دانش به‌طور کلی مطرح می‌شود.

بنابراین، اگر ما می‌پرسیم: «مبانی معرفتی تربیت چیست؟»، این پرسش به این معناست که ما تفکر را در زمینه‌ای به نام معرفت یا شناخت در نظر می‌آوریم. حال باید ببینیم که این شناخت چیست و چه‌گونه حاصل می‌شود؟ خلاصه این که انسان چه‌گونه امور را می‌شناسد و درباره‌ی چنین مطالبی می‌اندیشد. آیا به این معنی است که مطالبی در اختیارش باشد و بعد در مورد آن اندیشه کند؟ به نظر می‌رسد بتوان دو منبع در این باب قائل شد. اگر ما مثل افلاطون بر این باور باشیم که معرفت در روز ازل و در عالم بالا به ما داده

شده است و در ما هست و فقط باید آن را به یاد آوریم، پس «شناخت» عبارت خواهد بود از «یادآوری» و وقتی چنین باشد، کشف کردنی است نه کسب کردنی. اما در عالم فعلی که ما افلاطون نیستیم و بیشتر با فلسفه‌های واقع‌گرا سروکار داریم، وقتی می‌گوییم معرفت، یعنی:

شده است و در ما هست و فقط باید آن را به یاد آوریم، پس «شناخت» عبارت خواهد بود از «یادآوری» و وقتی چنین باشد، کشف کردنی است نه کسب کردنی. اما در عالم فعلی که ما افلاطون نیستیم و بیشتر با فلسفه‌های واقع‌گرا سروکار داریم، وقتی می‌گوییم معرفت، یعنی:

- معرفت به طبیعت؛
- معرفت به خود؛
- معرفت به خدا.

یعنی ما در مقابل مثلی از حقایق قرار داریم که اضلاع آن را باید شناخت و قصد آموزش هم این است که از دانی به عالی، یعنی از شناخت طبیعت به شناخت خود و سرانجام به معرفت‌الله برسیم.

معرفت را به نوع دیگری نیز می‌توان طبقه‌بندی کرد:

- معرفت هنری؛
- معرفت علمی؛
- معرفت فلسفی.

۱. **فهم:** بتوانیم مطالب تازه را بفهمیم. در واقع، فهم یکی از جلوه‌های تفکر است.
۲. **کشف حقایق:** اصولاً انسان موجودی است که به دنبال کشف حقایق است.
۳. **حل مسئله:** انسان موجودی است دارای قدرت ابداع یا به تعبیر روان‌شناسی جدید، خلاق. هدف دیگر تفکر، حل مسئله است.

در واقع، در صورتی که شخص مطلبی را درست بفهمد، می‌تواند به کشف نکات تازه‌ای نائل گردد و طرح تازه‌ای را ابداع کند. در برنامه‌ریزی درسی هم مسلماً یکی



از هدف‌ها این است که بدانیم چه دانشی را باید گنجاند که ما را به این مقصود برساند؛ یعنی شایسته‌ترین دانش‌ها چیست؟ تشخیص در این‌جا مستلزم شناخت انواع معرفت است. معرفت را به شیوه‌ی دیگری نیز طبقه‌بندی کرده‌اند:

#### • معرفت استنادی (نقلی)؛

یعنی از معارفی که بشر در طی قرون مختلف و در فرهنگ‌های مختلف به دست آورده است، استفاده می‌کند.

#### • معرفت عقلی؛

#### • معرفت تجربی؛

#### • معرفت الهامی (وحی).

این‌که ما کدام نوع از معرفت را باید در تفکر به کار بندیم، به موضوع و زمینه‌ای بستگی دارد که در آن قدم برمی‌داریم.

در جهان کنونی، علم به معنای تجربی و عقلی کلمه بیش از همه دارای اهمیت است. در حقیقت، علم عینی از طریق تجربه به دست می‌آید. البته تجربه می‌تواند مقدمه‌ای برای معرفت عقلی باشد و از مفاهیم عقلی هم می‌توان به تدریج اوج گرفت و همان‌طور که **کانت** نشان داده است، به مقولات رسید. بدین‌سان، حرکات اندیشه از پایین به بالاست. در آموزش و به‌ویژه در دوره‌های نخست باید از معرفت تجربی آغاز کرد. در واقع، باید نسل جدید را عادت داد که امور را از طریق تجربه بشناسد و چون تجربه به‌تنهایی ما را به یک نوع علم سطحی سوق می‌دهد، لازم است کار دیگری را یاد دهیم و آن ترکیب تجربیات است که فرد را به ساختن معانی کلی و قضاوت صحیح و بالاخره استدلالی رهنمون می‌شود.

به عبارت دیگر، می‌توانیم از کندوکاو علمی با کودکان شروع کنیم و کار خود را

که با کندوکاو فلسفی - که ترکیبی از منطق و استدلال است - تکمیل کنیم.

امروزه تفکر از زبان جدا نیست؛ زیرا در تفکر، انسان با نمادها سروکار دارد و زبان نمادهایی است که در آن مفاهیم و تفهیم به کار می‌روند. بنابراین در تفکر، قالب‌های زبانی دارای اهمیت‌اند. در حقیقت، تفکر منطقی از دانش زبان و ساختار زبان جدا نیست. به بیان دیگر، منطق و زبان و دانش از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و این سه با هم ارتباط دارند. منتها باید دانست چه منطقی ضروری است. در این‌جا منظور از منطق، همان منطق علمی است و آن عبارت از روش‌هایی است که محقق به کار می‌برد تا از مبانی به هدفی برسد که همانا کشف واقعیت است.

برای بهره‌گیری بیشتر از جایگاه زبان و دستاوردهای آن به‌تازگی از روش کندوکاو مشترک<sup>۱</sup> یا کندوکاو گروهی استفاده می‌شود؛ یعنی، بحث و گفت‌وگوی میان هم‌سالان را برای دستیابی به مهارت‌های استدلال و به کارگیری منطق در کنار کندوکاو، اعم از کندوکاو علمی یا کندوکاو فلسفی مدنظر قرار می‌دهند.

### به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت که شرایط آموزش تفکر در مدارس عبارت‌اند از:

#### ۱. شاگرد باید از حافظه دور شود؛

یعنی چیزی را حفظ نکند بلکه فهم عمیق داشته باشد. بعد بتواند این فهم را گسترش دهد و خلاق باشد؛ یعنی دارای هوش واگرا باشد.

#### ۲. اگر بخواهیم انسان متفکر بار

بیاوریم، نمی‌توانیم معرفت را از جنبه‌های به اصطلاح غیر معرفتی (اخلاقی، ارادی و خلاصه خواسته‌های انسانی) جدا کنیم؛

بنابراین، برای ایجاد نگرشی که سبب شود انسان متفکر بار بیاید، باید حالت‌ها و نگرش‌هایی را در فرد به‌وجود آورد. نخست او باید بتواند به اندیشه‌های هدفمند ولی آزاد بپردازد. منظور این است که باید گذاشت فکر فوران و خلاقیت کند (فوران اندیشه که از آن به «بارش فکری» نیز یاد می‌کنند). بعد این فوران اندیشه را می‌توان «کانالیزه» کرد؛ یعنی در یک مسیر منطقی قرار داد و با تفکر نقاد آن را هم‌گرا کرد. این فرایند غالباً به کمک زبان و منطق صورت می‌گیرد؛ زیرا منطق اصولاً وسیله‌ای است برای درست فکر کردن و نتیجه‌ی تفکر درست، فهم درست است. مرحله‌ی بعد مشاهده‌ی دقیق است؛ زیرا کسی که واقعاً خواهان معرفت مبتنی بر تفکر باشد، باید بتواند درست نگاه کند. اگر غربی‌ها از ما جلوترند برای این است که به کودکان خود از کودکستان یاد می‌دهند که دقیق نگاه کنند. عادت به خواندن و نگاه کردن در ما ضعیف است، چه رسد به نگاه کردن در طبیعت. باید به کودکان نگاه کردن، یعنی به دقت دیدن را یاد داد.

#### ۳. از جزم‌اندیشی یا به قول **دکارت**

«شک دستوری» احتراز کنیم؛ این‌که انسان فکر نکند چیزی که می‌داند یا دیگران به او می‌گویند، این است و جز این نیست.

اگر شما بخواهید شاگردی را به این حالت درآورید، باید خودتان نیز همین‌طور باشید. معلمان ما اغلب فکر می‌کنند اگر بگویند «ما نمی‌دانیم» یا «مطالعه می‌کنیم، فردا به شما می‌گوییم»، کسر شأن است و به‌همین دلیل به شاگرد عملاً یاد می‌دهند که بگوید همه چیز را می‌دانم. در حالی که به‌قول **بزرگمهر** «همه چیز را همگان دانند و همگان از مادر نزاده‌اند.»



## تقویت مهارت املانویسی بازخورد توصیفی

**مؤلف:** بهمن قرهداغی  
**ناشر:** انتشارات لوتوس (۱۳۹۱-۷۷۰۶۶۱۵۲-۰۲۱)  
**سال نشر:** ۱۳۹۱، چاپ اول  
**قیمت:** ۵۸۰۰ تومان، ۲۰۹ صفحه

درست نوشتن کلمات و واژه‌ها از دغدغه‌های دانش‌آموزان و اولیای خانه و مدرسه است. شاید بعضی افراد به‌زودی بتوانند بر این امر مسلط شوند اما عده‌ای هستند که درست‌نویسی تا آخر عمر برایشان به‌صورت یک مشکل باقی می‌ماند. این جمله بدان معنی نیست که دسته‌ی دوم ناامید از حل مسئله‌شان دیگر برای حل مشکل خود تکاپویی نکنند. بنابراین، کوشش‌هایی که در زمینه‌ی آموزش زبان در نظام آموزشی انجام می‌گیرد، در جهت پرورش ارکان چهارگانه‌ی زبان‌آموزی و شامل شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن است. از عوامل مهمی که سبب می‌شود دانش‌آموز با هر سطحی از هوش و توان، در مسیر یادگیری قرار گیرد، معلمی است که صلاحیت‌های این حرفه را دارد. آن چه گفته‌ام، در اهمیت املانویسی و املانویسی بود و این که بهمن قرهداغی در تقویت مهارت املانویسی به‌بازخورد توصیفی پرداخته و آن را در کتابی به همین نام منعکس کرده است. وی کتاب را با هدف تغییر و بازسازی نگرش و عمل معلم در آموزش املانویسی، در سه بخش و به شرح زیر گردآوری و تألیف کرده است:

۱. املانویسی و آموزش روش‌های املانویسی؛
  ۲. بازخورد توصیفی، چرا؟ چه وقت؟ چگونه؟
  ۳. مشکل املایی را چگونه بشناسیم؟ چگونه برطرف کنیم؟
- قرهداغی نمونه‌ای از بازخوردهای توصیفی مناسب در ارتباط با دقت در املانویسی را چنین مثال زده است:
- واژه‌های زیادی را درست نوشته‌ای. می‌توانی همه‌ی آن‌ها را بشماری.
  - ... نشانه‌ی «ت» چند نقطه دارد و با نشانه‌های «ث» و «پ» و «ب» چه فرقی دارد؟ چند واژه در کتاب فارسی پیدا کن که با این نشانه‌ها نوشته می‌شوند.
- بهمن قرهداغی، از کارشناسان خبره‌ی حوزه‌ی معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش است که پیش از این مطالبی از وی در رشد آموزش ابتدایی نیز به چاپ رسیده است. با این نویسنده می‌توانید از طریق وب‌نوشت <http://akt1388.persianblog.ir> در ارتباط باشید.

### ۴. باید مفهوم‌سازی را بیاموزیم؛

بدین معنا که فرد بتواند مشاهدات خود را به‌صورت اموری کلی درآورد و این مستلزم دو عمل است: تجربه و تعمیم. البته تعمیم دادن اگر با دقت همراه نباشد، به سیستم‌های نادرست می‌انجامد. در حقیقت، غالب پیش‌داوری‌های ما نتیجه‌ی تعمیم‌های نابجاست. اگر مفهوم‌سازی درست انجام گیرد، می‌توان امیدوار بود که قضاوت و استدلال درست صورت گیرد و آن زمانی ممکن است که ما دانش‌آموز را به‌صورت عملی و نظری برای تفکر صحیح آماده کنیم، به‌طوری که تناقض نگوید یا قیاس مع‌الفارق را درک کند. به عقیده‌ی من دانش‌آموزان بر همین قیاس تا آخر تحصیل خود، حتی در دانشگاه‌ها چیزی را که آموزش نمی‌بینند یا درست نمی‌آموزند، منطبق است، خواه منطقی و خواه **ارسطو** و خواه منطقی جدید که آموختن هر دوی آن‌ها نیاز به کار دارد. این منطقی باید در ضمن تدریس به‌تدریج درونی شود؛ به شرط این که خود استاد یا خود مؤلف «منطقی» باشد و منطقی بودن یعنی خروج از خود. کسی می‌تواند منطقی باشد و واقعیت را ببیند که از خودبینی و خودگرایی بیرون بیاید که نوعی اجتماعی شدن است و اجتماعی شدن مقدمه‌ی انسان شدن است. البته اجتماعی شدن یا اجتماعی کردن لازم است ولی کافی نیست؛ زیرا فرد باید اجتماعی شود تا انسان شود. گفت‌وگوی تمدن‌ها که امروز در جهان مطرح است، مستلزم تعالی فرد از تفکر اجتماعی (ملی) به سطح انسانی (جهانی) است.

### ۵. انعطاف‌پذیر باشیم؛ در واقع،

افرادی می‌توانند معرفت حقیقی را به دست بیاورند که از خشکی و تجرد، به

هر قیمت که باشد پرهیزند. برای مثال، بدانند که دنیا متحول است. بچه‌ای که مقابل من ایستاده، ممکن است حقیقتی را ببیند که من ندیده‌ام و باید هر دقیقه بتوانم در دانسته‌های خود تجدیدنظر کنم و این حالت مستلزم انعطاف‌پذیری است.

### ۶. برای گوش دادن به سخن

**دیگران آمادگی داشته باشیم؛** ما غالباً به حرف‌ها گوش نمی‌دهیم و در صدد جواب دادن هستیم. گوش مهم‌تر از چشم است؛ به همین دلیل، گوش دادن مقدمه‌ای برای کشف حقایق و معرفت واقعی است. به‌خصوص در روابط انسانی که مسئله‌ی اساسی است و به قول سعدی «علم بی‌عمل، چون درخت بی‌بر است».

### ۷. هم‌فکری کنیم؛ در جهان کنونی

معرفت بدون تعامل و بدون همکاری و هم‌فکری ممکن نیست. بنابراین، باید به دانش‌آموز یاد دهیم که بتواند و یاد بگیرد، هم رهبر باشد و هم رهرو. این ارتباط متقابل و احترامی که افراد برای یکدیگر قائل‌اند، از لوازم معرفت علمی است که ما را به تفکر صحیح می‌رساند.

### ۸. آموزش تفکر، آزادی و آزادی

**است؛** در حقیقت، آن چه زمینه‌ساز تفکر به معنای سازنده‌ی کلمه و ابداع و خلاقیت است، آزادی است. آزاداندیشی و فراهم آوردن آزادی برای شاگرد، تا جایی که بتواند فکر کند، یکی از این شرایط آموزش است. فکر در بند و اسیر، فکر نیست. فکر زمانی فکر می‌شود و به نتیجه می‌رسد که در آزادی صورت گیرد و آزادکننده باشد. بنابراین، باید شاگردان خود را آزاد و آزاده بار آورد.

پی‌نوشت  
1. Community of Inquiry

# ارتباط میان یادگیری ریاضیات و ربع‌های مغزی

بر اساس یافته‌های پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

اعظم لطفی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، مدیر از منطقه‌ی نه تهران

کلیدواژه‌ها: تفاوت‌های فردی، سبک یادگیری، ربع‌های مغزی، هوش‌های چندگانه



**ندهرمان**، پدر تکنولوژی مغز، نظریه‌ی یادگیری که ربع‌های مغزی را مطرح کرده، معتقد است که افراد از ترجیحات تفکری گوناگونی برخوردارند و هدف از آموزش باید استفاده از تمامی ویژگی‌های مغزی باشد. هم‌گرایی پژوهش‌گران دربارہ‌ی موضوع واحدی چون یادگیری سبب شد نظریه‌ی یادگیری نوینی به‌نام یادگیری مبتنی بر مغز در میان انواع نظریه‌های مربوط به یادگیری جلوه‌گر شود. ندهرمان نیز تأکید می‌کند که «هر شخص ترکیب بی‌همتایی از تمایلات تفکری و سبک‌های یادگیری است.» آگاهی از این که مغز چه‌گونه یاد می‌گیرد، می‌تواند تأثیر مهمی بر آموزش بگذارد. تنها با درک این که مغز چه‌گونه اطلاعات و مهارت‌ها را کسب و ذخیره می‌کند، می‌توانیم محدودیت‌های ظرفیت مغز را برای یادگیری بشناسیم. ندهرمان با تحقیق و در تجارب زندگی خود به این نتیجه رسید که مغز نه فقط از جنبه‌ی فیزیکی بلکه از جنبه‌ی عملکردی نیز تخصص یافته است.

حالت‌های مغز را می‌توان به چهار بخش مجزا تقسیم کرد که هر یک از آن‌ها زبان، ارزش‌ها و روش‌های دانستن خود را دارد. هر شخصی، آمیزه‌ای بی‌همتا از تمایلات متفاوت تفکری یا فکری است و این تمایلات منجر به بروز رفتارهای متفاوت خواهد شد.

را بررسی و آزمایش می‌کنند. مشخصه‌ی اصلی کلاس‌های درس ریاضی این است که بر تفکر کودکان تأکید می‌کند، نه بر پاسخ‌های صحیح. کودکان به صورت کتبی، از سازوکار دوجانبه‌ی کنترل، فرصت‌های لازم را برای طرح کردن ایده‌ها ایجاد می‌کنند تا تفکر ریاضی‌شان به صورتی صحیح و انعطاف‌پذیر ظهور کند. بنابراین، مهم است بدانیم که هر دانش‌آموزی در شکل دادن به دانش ریاضی‌اش، روش خاص خود را دارد. تفاوت‌های فردی در نگرش‌ها، توانایی‌ها و ویژگی‌های شخصیتی شاگردان سبب می‌شود که یادگیرندگان با سرعت‌های متفاوتی بیاموزند. هم‌چنین ریاضیات در کودکان ابتدایی، به‌ویژه باعث توسعه‌ی تفکر منطقی می‌شود و از جاذبه‌های زیبایی‌شناسانه نیز برخوردار است. چنان‌چه ریاضی درست عرضه شود، کودکان از آن لذت می‌برند؛ زیرا از لحاظ ذهنی (زیباشناسی و فکر) اکتان می‌شوند. جاذبه‌ی ریاضی بر مبنای واکنش ذهنی و زیبایی‌شناسی آن استوار است.

باتوجه به آن‌چه بیان شد، باید در شیوه‌ی آموزشی ریاضی تحول ایجاد شود و آموزش ریاضی با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی ناشی از سبک‌های یادگیری، هوش‌های چندگانه، سبک‌های تفکر، یادگیری مبتنی بر مغز (چهار ربع مغزی) صورت پذیرد.

هدف اساسی هر نظام آموزشی این است که مهارت‌های لازم را در افراد ایجاد یا تقویت کند تا بتوانند به‌عنوان اعضای مفید، نقش مؤثری در جامعه داشته باشند. باتوجه به ویژگی‌های جامعه‌ی امروز، ریاضیات در ایجاد این‌گونه مهارت‌ها سهم به‌سزایی دارد؛ چراکه با مشاهده، سنجش، محاسبه، تحلیل، استنباط، قیاس، اثبات و پیش‌بینی سروکار دارد و به‌عنوان یک نظام ارتباطی به ما کمک می‌کند تا فهم دقیق و درستی از اطلاعات، الگوها و استدلال به‌دست آوریم.

در نگرش جدید آموزش، مدرسه در خدمت دانش‌آموزان است نه دانش‌آموزان در خدمت مدرسه. توجه کردن به تفاوت‌های فردی در یادگیری با در نظر گرفتن رغبت‌ها و پرورش عواطف و استعدادها در درجه‌ی اول، مهم‌تر از دانشی است که فرد باید بگیرد. باتوجه به این که دانش‌آموزان حاضر در یک کلاس درس علایق و استعدادهای متفاوتی دارند، توجه به ساختار شخصیت و استعدادها، توانایی‌های ذاتی و آموخته‌های قبلی آنان موجب شکل‌گیری سبک‌های مختلف یادگیری می‌شود. سبک یادگیری ریاضی در دانش‌آموزان ابتدایی از طریق بازسازی دانش در ذهن آنان شکل می‌گیرد. آن‌ها با استفاده از دانش قبلی خود، میان موضوعات درسی ارتباط برقرار می‌سازند و این ارتباط‌ها

ندهرمان در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که افراد از دو قسمت مغز به یک شیوه و با یک فراوانی استفاده نمی کنند بلکه هر کس در صدد گسترش این بهره‌مندی هاست. در این الگو مغز مانند دایره‌ای مجسم شده است که به چهار ربع تقسیم می‌شود. ندهرمان این ربع‌ها را به ترتیب الفبایی نام‌گذاری می‌کرد تا ارتباط بین آن‌ها را نشان دهد. قسمت بالایی ربع (قشر مخ) با A نشان داده شده است و قسمت‌های B و C و D در جهت خلاف حرکت عقربه‌های ساعت به دنبال آن قرار می‌گیرند. هر کدام از این ربع‌ها، گروه‌های بسیار متمایزی از توانایی‌های تفکری یا روش‌های یادگیری و دانستن را شامل می‌شود. بر این اساس، ندهرمان تأکید می‌کند که هر شخص ترکیب بی‌همتایی از تمایلات تفکری و سبک‌های یادگیری است.

هر کدام از چهار ساختار مغز، نظام تفکری مخصوص به خود را دارند. جالب است بدانیم که در اکثر انسان‌ها (در حدود ۶۰ درصد) دو تا از این چهار ساختار تسلط دارد؛ یعنی، اکثر افراد تمایل دارند که دو تا از این ساختارها را بیشتر به کار گیرند، ۲۰ درصد تسلط سه تایی و هفت درصد، تسلط چهارگانه دارند. حال می‌خواهیم بدانیم که ویژگی تفکری هر کدام از این چهار ساختار چه گونه است؟

تفکر ربع A از (نیم کره چپ) واقعی، منطقی، انتقادی، تحلیلی، فنی و کمی است. افرادی که بیشتر از نیم کره چپشان استفاده می‌کنند، ترجیحاتی برای موضوعاتی خاص در مدرسه و در حرفه‌های مشخص دارند. قلمروهای درسی مورد پسند آن‌ها حساب، جبر، حساب‌داری و فناوری است. به طور کلی مهندسان، دانشمندان رایانه، تکنسین‌ها، بانک‌داران و فیزیک‌دانان تفکر ربع A را ترجیح می‌دهند (حائری‌زاده، ۱۳۸۸).

تفکر ربع B (لیمبیک چپ) محافظه‌کار، ساختار یافته، با توالی، با جزئیات و طرح‌ریزی شده منظم و با پشتکار است. طراحان، مدیران اجرایی و دفترداران، نمایانگر تمایل تفکری ربع

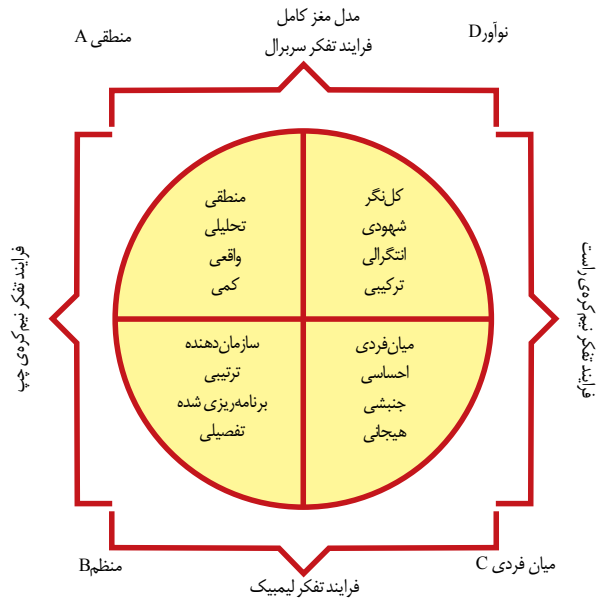
B هستند. این افراد درباره‌ی «ما همواره این کار را به این صورت انجام داده‌ایم» یا «قانون و نظم» و یا «بی‌خطر بازی کن» صحبت می‌کنند. آن‌ها را نکته‌گیر، مشکل‌پسند و یا سخت‌کوش می‌نامند.

تفکر ربع C (لیمبیک راست) میان‌فردی، عاطفی، حسی و نمادین است. این ربع با آگاهی از احساسات، هیجانات فیزیکی، ارزش‌ها، موسیقی و ارتباطات سر و کار دارد. فرهنگ ربع C انسان‌گرایانه، هم‌پارانه و معنوی است. معلمان، پرستاران، مددکاران اجتماعی و موسیقی‌دانان این ربع را ترجیح می‌دهند.

تفکر ربع D (نیم کره راست) بصری، کل‌نگر، استعاری، خلاق، تخیلی، شهودی، نوگرا، مفهومی و فضایی است. افرادی با تفکر ربع D موضوعات هنری مانند نقاشی و مجسمه‌سازی، هندسه، طراحی، شعر و

معماری را می‌پسندند. باتوجه به نظریات یادگیری بر مبنای ساختار و کارکرد مغز و با در نظر گرفتن گروه‌های سنی، می‌توان یادگیری را تسهیل کرد و ریاضی را براساس نظریه‌ی «ندهرمان» آموزش داد و در دوره‌های مختلف تحصیلی، کاربردی و متحول ساخت.

طبق نظریه‌ی سبک‌های یادگیری، افراد اطلاعات خود را به روش‌های متفاوتی درک و پردازش خواهند کرد. براساس این نظریه، میزان یادگیری افراد بیش از هوش، به سبک خاص یادگیری آن‌ها بستگی دارد. بنابراین مربیان باید روش‌های آموزشی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که انواع سبک‌های یادگیری را پوشش دهند. به همین دلیل، باید استعدادهای کودکان را شناسایی و در زمینه‌هایی که آمادگی بیشتری دارند، هدایت کرد تا استعدادهایشان شکوفا شود.



مدل مغز کامل، برگرفته از مغز خلاق هرمان ۱۹۹۲

#### منابع

۱. حائری‌زاده، محمدحسین؛ تفکر خلاق و حل خلاقانه‌ی مسئله، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
۲. کرامتی، محمدرضا؛ آموزش ریاضی به کودک دبستانی؛ تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۲.
۳. صفوی، امان‌الله؛ آموزش ریاضی به کودکان دبستانی با روش کشورهای پیشرفته. تهران، انتشارات رشد.
۴. دزمنوند، پروموز و دیگران؛ آموزش ریاضی به کودکان دبستانی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۷.
۵. سیدعباس‌زاده، میرمحمد غنایی چمن‌آباد، علی؛ خلاقیت، تسلط ربع‌های مغزی و اثربخشی، دومین کنفرانس علمی خلاقیت‌شناسی، ۱۳۸۹.
۶. آقازاده، محرم؛ تکنولوژی تسلط مغزی، ۱۳۸۹.
۷. صیادی، فریده؛ «نگاهی به شیوه‌های فراگیری بهینه‌ی ریاضیات»، روزنامه‌ی همشهری، ۱۳۸۹.
8. Herrman Ned. Measurement of Brain Dominance. An early Version of this paper was delivered to the international congress on cerebral Dominances. 1988.
9. Herrman N. (1999). The theory behind the HBDI and whole Brain Technology.

# انوار روش

برای منحصر به فرد ساختن  
کلاس های درس

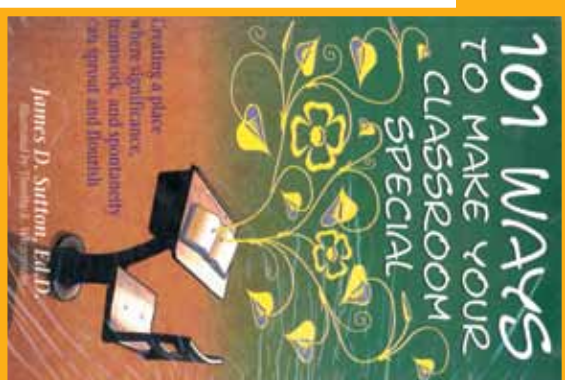
نویسنده: دکتر جیمز دی. ساتن

مترجم: نگار محذفر



انتشاره

در چهار بخش قبلی این سلسله‌مطالب، علاوه بر پیش‌گفتار، سرآغاز و ورودیه‌های کتاب، با ۱۹ روش مدنظر مؤلف برای منحصر به فرد ساختن کلاس‌های درس آشنا شدید. در این شماره نه روش دیگر توضیح داده می‌شود.



## ۳۰. دوستان ناهار

این پیشنهاد در بی راهکار جایگاه پذیرزیرک و مادرزیرک ایجاد شده است. پذیرزیرک و مادرزیرک‌های هر کلاس را تشویق کنید تا با نوبه‌هاشان در غذاخوری مدرسه یک وعده‌ی غذایی میل کنند. اگر به فکر برگزاری برنامه‌ی مسلووه در مدرسه‌ی خود هستید، از افراد تأثیرگذار در جامعه‌ی محلی و ناخبرها دعوت کنید تا در مدرسه حضور یابند و با گروهی از دانش‌آموزان ناهار میل کنند. بهتر است از قبل سه دانش‌آموزان، زمان ملاقات با میهمانان یا همان مشووران دعوت شده به مدرسه را اعلام کنید تا آن‌ها بدانند که چه زمانی با مشووران ناهار خواهند خورد. من با دانش‌آموزان به این شکل ناهار صرف کرده‌ام و همیشه نتایج خوبی گرفته‌ام. این روش، راه مناسبی برای بهبود زندگی افراد درگیر است. علاوه بر این، باعث می‌شود روابط دوستانه‌تر شود.

## ۳۱. طبقه‌ها و داستان‌ها

کودکان در تمام سنین داستان را دوست دارند و از شنیدن طبقه‌ها یا داستان‌های خوب لذت می‌برند. درواقع ثابت شده است هنگامی که نکات مهم در قالب یک داستان بیان می‌شوند، بهتر در حافظه می‌ماند. معمولاً معلم می‌توانند طبقه یا داستانی را بیان کنند، اما من ترجیح می‌دهم که این وظیفه را به دانش‌آموزان محول کنم. من به آن‌ها اجازه می‌دهم تا از همکلاسی‌ها و اعضای خانواده‌ی خود کمک بگیرند. اما در هر شکل موظفانند روز بعد چیزی برای ارائه در کلاس آماده کنند.

این فعالیت بیاباگر این است که شما، به‌عنوان معلم از خندیدن نیز لذت می‌برید. نیازی نیست همه چیز کاملاً

### ۲۳. پرسشنامه‌ی والدین

نظران دربارہ‌ی پرسشنامه‌ی والدین چیست؟ در این پرسشنامه می‌توانید از والدین دانش‌آموزانتان سوالایی دربارہ‌ی فرزندتان بپرسید. همچنین می‌توانید نکات کوچکی که مورد علاقه‌ی آن‌هاست، در آن ذکر کنید. علاقه بر این می‌توانید از استقامت‌ها یا سرگرمی و ویژگی‌های والدین در آن تحریر دارید و مایل به انجام آن در مدرسه یا کلاس هستید، سؤال کنید.

#### فرزند من:

- \* در ..... واقعا خوب است.
- \* دوست دارد دربارہ‌ی ..... صحبت کنید.
- \* به هنگام ..... به شدت عصبانی می‌شود.
- \* دروس ..... مدرسه را دوست دارد.
- \* در مورد ..... کمی خجالتی است.
- \* دوست دارد شما در مورد ..... بدانید.
- \* ..... برایش دشوار است.
- \* هنگام ..... تمام تلاشش را می‌کند.
- \* ..... را واقعا دوست دارد.
- \* در مورد ..... خیلی مغرور است.
- \* هنگام ..... خیلی کمک می‌کند.

نام دانش‌آموز:

نام پدر یا مادر (یکی از این دو نفر):

تاریخ:

نمونه‌ای از پرسشنامه برای پدران و مادران

#### ۲۴. معرفی نامه

ایده‌ی مطرح شده در این جا ایده‌ی جالب توجهی است که البته برای هر شرایطی مناسب نیست، از والدین بخواهید تا معرفی نامه‌ای از فرزندشان برای شما بنویسند. در زیر، مثالی آورده‌ام:

رسمی برگزار شود. خودانگیزگی خصیمه‌ی باز بشر است و شوخی، جزوی اساسی از خودانگیزگی است.

نیازی به توضیح نیست که این فعالیت کوچک، دربارہ‌ی آستانه‌ی تحمل است و این مقوله را به کودکان آموزش می‌دهد. دانش‌آموزی که لطیفه‌ی همکلاسی‌اش را خنده‌دار نمی‌پندارد، در یافتن لطیفه‌ی خنده‌دار به مشکل برخورد خواهد کرد.

### ۲۲. سرگرمی‌ها و علائق

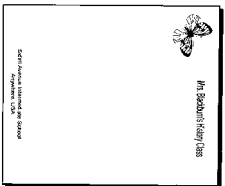
این روش فوق‌العاده‌ای برای بازایی روش «وانگیزیک» است. در ابتدای سال تحصیلی، به دانش‌آموزانتان پرسشنامه‌ی بندهید و از آن‌ها دربارہ‌ی علائق، سرگرمی‌ها، فعالیت‌ها یا غذای مورد علاقه و مواردی از این قبیل سؤال کنید. در این جا، نمونه‌ای از این پرسش نامه آورده شده است.

#### علائق من

- مجموعه برای تهیه ککسیون:
- قهرمان:
- حیوان خانگی:
- موضوع در مدرسه:
- کارهایی که با خانواده انجام می‌دهم:
- سرگرمی:
- برنامه‌های رادیویی:
- غذا:
- موسیقی:
- رنگ:
- تعطیلات:
- کتاب:
- برنامه‌های تلویزیون:
- ورزش:
- نام:
- تاریخ:

نمونه‌ای از پرسشنامه برای دانش‌آموز

قدیمی قلم و کاغذ، دفتر یادداشتی طراحی کنید که به اندازه‌ی یک چهارم ورق کاغذ معمولی باشد. بهتر است یک صفحه کاغذ را از وسط تا بزنید و سپس یک تالی دیگر و آن را از خطوط ایجاد شده بربند. آخرین صفحه‌ی هر دفتر یادداشت را از مقوا درست کنید تا محکم باشد. چند صفحه‌ی سفید میان صفحات بگذارید تا بتوان به راحتی آن را ورق زد. آن‌ها را با چسب مایع بچسبانید و وسیله‌ی سنگینی روششان قرار دهید تا محکم بچسبند. در این جا یک نمونه آورده شده است که اندازه‌ی آن تقریباً نزدیک به اندازه‌ی واقعی است (اندازه‌ی اصلی، حدود ۱۰/۵ در ۱۳/۵ سانتی‌متر است).



خلاق باشید! می‌توانید دفترچه را با تغییر فصل یا مناسبت‌ها عوض کنید. اگر می‌خواهید بازایافت را آموزش دهید، این صفحات را روی قسمت سفید کاغذهای باطله درست کنید. همچنین، اگر از روش یادگیری گروهی استفاده می‌کنید، به یاد داشته باشید که دفترچه را مطابق هر گروه طراحی کنید.

### ۲۸. گواهی قدردانی

در این جا، نوع دیگری از «روانگویی» را معرفی می‌کنم. هر کسی دوست دارد که از او قدردانی شود. یک گواهی ساده قدردانی درست کنید که به وسیله‌ی آن کودک بداند که شما متوجه رفتار خوب او بوده‌اید. برای مثال او به دانش‌آموز تازه‌وارد کمک کرده تا با محیط مدرسه بیشتر آشنا شود؛ یا کیبوتر و جست‌و‌دهی را که در اطراف مدرسه نمی‌توانسته به پرواز درآید، به دفتر مدرسه برده یا به هم کلاسی اش که متوجه یکی از تکالیف خود نشده بود، کمک کرده است.

گاهی بهتر است این نامه‌ها را درون پاکتی بگذاریم تا خصوصی جلوه کنند. زیرا برخی دانش‌آموزان از علمی شدن رفتار خویشان خجالت‌زده می‌شوند.

قدردانی از بچه‌ها ایده‌ی جدیدی نیست اما اصل مطلب، چه‌گونه‌ی پاسخ دانش‌آموزان به آن است.

پی‌نوشت

۱. من اجرای این ایانه را در مدرسه‌ی ابتدایی اسپاردا در سن‌آنتونیو نگوااس دیدم. مدیر این مدرسه، ملوآ تاکین نام داشت.

**اولیای محترم:**  
باعث خوش حالی است که در سال تحصیلی جدید، معلم سارا هستم و مشتاقانه منتظر حضور او در کلاس خود هستم. ممکن است یک نامه‌ی معرفی درباره‌ی سارا برانیم بنویسید؟  
باتشکر،  
**معلم سارا**

اگرچه این نامه‌ی کوتاه تا حدی مبهم می‌نماید اما به‌طور حتم باعث می‌شود اولیا بسیار خلاق شوند و آن‌چه در آن‌که به نظرشان مهم‌تر است، با شما در میان بگذارند. همچنین، از آن‌جایی که در تمام خانواده‌ها گاهی مشاجره‌ای دیده می‌شود، این فعالیت معمولاً اولیا را تشویق می‌کند تا روی مشخصه‌ی مثبت دختر یا پسرشان دقت بیشتری کنند.

### ۲۵. گردآوری عکس‌های کودکی

از تمام اولیا بخواهید بدون این که کودکشان متوجه شود عکسی از بچگی وی به شما بدهند. عکس بچگی تمام دانش‌آموزان را روی تابلو بچسبانید و آن‌ها را شماره‌گذاری کنید. ببینید کدام یک از دانش‌آموزان می‌توانند چهره‌های بیشتری را حدس بزنند. مسابقه‌ای ترتیب دهید و برای کسی که بهتر بتواند عکس‌ها را تشخیص دهد، جایزه‌ای در نظر بگیرید.

### ۲۶. دست‌ها، دور تا دور مدرسه

ایده‌ی مطرح شده در این قسمت، تأثیر فوق‌العاده‌ای بر خانه و مدرسه دارد و انجام دادن آن نیز ساده است. به دانش‌آموزان مقوا بدهید تا به خانه ببرند و از تک‌تک آن‌ها بخواهید طرح دست‌های همه‌ی افراد خانواده را روی کاغذ بکشند. سپس آن‌ها را اوربوری کنید و همراه خود به مدرسه بیاورید. «دست‌ها» را از در ورودی مدرسه دور تا دور راه‌روی بچسبانید تا توباره به در ورودی برسند.

من به شخصه تأثیر چشم‌گیر این کار را دیدم. روشی فوق‌العاده است برای نشان دادن پیام: «هر کسی سهمی دارد» حتی برخی از دانش‌آموزان پنجه‌ی حیوانات خانگی‌شان را نیز کشیده و به مدرسه آورده بودند. خلاقانه است!

### ۲۷. دفتر چهره‌های کلاسی

در این قسمت، یک فعالیت آسان مطرح می‌شود که می‌تواند تبدیل به موفقیت بزرگی شود. یک دفتر یادداشت کلاسی طراحی کنید و آن را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. با استفاده از رایانه یا به همان روش



# تجرباتی

تحول بنیادین و نقش تکمیلی معلمان ۱۸ / دکتر لیلا سلیقه‌دار  
خیاط‌ها، نجارها، بناها و... آماده! ۲۱ / فریبا کوشکی  
روش‌های ارزش‌یابی فرایند تفکر ۲۲ / سیدعلی عبداللهی حسینی، علی لطفی  
همه‌ی «گرمی»های عالم ۲۴ / پروین نعمتی  
داستان‌های مهرگان: آدم‌های کوچک ۲۴ / شهین صادقی  
توصیه‌ی عاطفه به معلمان ۲۵ / زهره محبوب دنیوی  
کتاب آموزگار: بچه‌های رنگارنگ ۲۶ / محمدحسن رادمنش  
آزمونی زیبا برای درس انشا ۲۶ / احمد رمضانپور  
از این به بعد کالای ایرانی می‌خریم ۲۸ / اعظم عامری  
من دانش‌آموز شاگردانم هستم! ۲۹ / اصغر ندیری  
آموزش وزن به دانش‌آموزان ۳۱ / سهیلا حامدی (جنگ)  
پاستل یا پاستیل؟ ۳۱ / راشین شحیب‌زاده  
معلم این است! ۳۲ / کبری محمودی

تجرباتی  
۵  
آموزش ابتدایی

دوره‌ی ۱۶ - شماره‌ی ۵

بهمن ۹۱



گپ و گفتی با آموزگاران، یک سال پس از  
تغییرات کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی

بخش دوم و پایانی

به کوشش: دکتر لیلا سلیقه‌دار

عضو شورای برنامه‌ریزی مجله

# تحول بنیادین و نقش تکمیلی معلمان

شاید شما هم جزو آن دسته از افرادی باشید که هنوز هم با شنیدن نام شخصیت‌های نقش‌آفرین در کتاب‌های گذشته‌ی دوره‌ی ابتدایی به وجد می‌آیید و دلتان تنگ می‌شود. حتماً مانند هر معلم دیگری تنها نگاه احساسی به تغییر و تحولات نداشتید و باور دارید که تحول در علوم گوناگون و نیز ارتقای شیوه‌های آموزشی، شامل کتاب‌های درسی هم می‌شود و باید به آن‌ها توجه کرد. در این میان، کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی بیش از سایر کتاب‌ها در پذیرش تغییرات پیش‌تاز بوده‌اند. بر همین مبنای گپ و گفتی با گروهی از معلمان مرتبط با پایه‌ی اول ابتدایی انجام داده‌ایم که در ادامه بخش دوم و پایانی آن را می‌خوانید. مشتاقیم شما هم مانند یک شرکت‌کننده‌ی حاضر در این گفت‌وگو نظر خود را در این زمینه برای ما بفرستید. در این زمینه به مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر همین شماره توجه کنید.

در شماره‌ی قبل به شماری از نظرات مثبت و منفی درباره‌ی تغییرات کتاب درسی پایه‌ی اول به‌ویژه درس «ریاضی» پرداختیم. از آن‌جا که دایره‌ی این تغییرات به درس «بخوانیم و بنویسیم» هم کشانده شده است، بخشی از نظرات به آن اختصاص پیدا کرد. **احمدی** که کمی دیرتر به جمع ملحق شده از جمله حاضرانی است که با خط تحریری کتاب مشکل دارد و آموزش آن را به دانش‌آموزان کلاس اول مناسب نمی‌داند. او می‌گوید: «نگارش این شکل به ویژه در برخی دروس برای دانش‌آموزان کار ساده‌ای نیست و به نظر من به مقدماتی احتیاج دارد. شاید لازم باشد این کار به سال‌های بالاتر منتقل شود.»

**صفوی** هم با وی موافق است. اما **غفوری** راه‌حل را تمرین بیشتر می‌داند. احمدی یکسان نبودن خط در این کتاب و کتاب‌های درسی را علت دیگری برای سخت‌تر شدن خط تحریری برای دانش‌آموزان می‌داند اما این عقیده برای غفوری قابل قبول نیست. به باور او لازم است دانش‌آموزان خط‌های مختلف را ببینند و با آن‌ها آشنا شوند.

**پژوهی** در ارائه‌ی پیشنهاد و یافتن راه‌حل پیشی می‌گیرد و می‌گوید: «به نظرم در چنین مواردی استفاده از کاغذ پوستی می‌تواند مؤثر باشد. در هر حال، اگر با دانش‌آموزانی روبه‌رو شویم که بسیار بدخط باشند و باوجود تلاش‌های ما خط آن‌ها تغییر نکند، مشکل را باید در مسائل درونی و روان‌شناختی آن‌ها جست‌وجو کنیم.»

## مهمانان این گفت‌وگو:

**عصمت‌السادات صفوی**، آموزگار پایه‌ی اول و کارشناس آموزش ابتدایی با ۲۳ سال سابقه، سرگروه پایه‌ی اول ابتدایی در آموزش و پرورش منطقه‌ی ۱۵ شهر تهران

**معصومه نصرآبادی**، مدیر دبستان بیت‌الهدی واقع در منطقه‌ی ۱۵ آموزش و پرورش تهران، دارای ۲۴ سال سابقه و تجربه‌ی تدریس و کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

**مژگان غفوری محسنی**، کارشناس آموزش ابتدایی با ۲۶ سال سابقه‌ی تدریس، آموزگار پایه‌ی اول دبستان امام سجاده (ع)

**سمیه قربانعلی زاده پژوهی**، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی در دبستان هاجر منطقه‌ی نه شهر تهران، با ۱۴ سال سابقه‌ی آموزش

**زهرا شیخ‌عباسی**، آموزگار پایه‌ی اول دبستان دکتر شهیدی (شاهد) منطقه‌ی ۱۶ با ۱۲ سال سابقه‌ی تدریس

**کتایون احمدی**، آموزگار پایه‌ی اول دبستان دخترانه‌ی حافظ واقع در منطقه‌ی ۱۵ آموزش و پرورش تهران، با ۲۲ سال سابقه.



معلمان شرکت کننده در میزگرد

## طرح فرش و ریاضی

از خانه‌های خواسته شده می‌پرند و خانه‌ی مورد نظر را نشان می‌دهند. با این وصف، فقط در جلو رفتن در محور موفق بودم و دانش‌آموزان برای بازگشت در محور مشکل داشتند.»

پژوهی تجربه‌ی خود را این طور شرح می‌دهد: «من بچه‌ها را به حیاط می‌برم و از بازی «لی‌لی» استفاده می‌کنم. به نظرم این کار تأثیر بهتری دارد.»

تجربه‌ی صفوی هم به این تجارب و خلاقیت‌ها اضافه می‌شود: «ما قطار الفبا داریم. این قطار دور تا دور کلاس چسبانده شده و روی آن حروف الفبا آمده است. در کنار هر حرف، شکل صدای آن از طریق تصویری که با دهان نشان داده شده، آمده است. این تجربه‌ی خوبی بوده که در این سال‌ها برای یادگیری الفبا مؤثر واقع شده است، بنابراین، از همین روش برای آموزش اعداد هم استفاده کردیم. برای این کار قطار اعدادی درست کردیم که در آن از یک تا ۲۰ آمده است و آن را دور تا دور کلاس روی دیوار نصب کردیم. حالا به یک فلش بزرگ هم احتیاج داشتیم تا دانش‌آموزان با استفاده از آن بتوانند خانه‌ی مورد نظر را نشان دهند. به این ترتیب، حرکت از خانه‌ها را با کمک قطار اعداد انجام می‌دهیم که به نظرم تجربه‌ی موفقی هم بوده است.»

این سؤال برای همکاران ایجاد شد که آیا نشان دادن اعداد به این

اما احمدی هنوز از طرح فرش کتاب ریاضی بیرون نیامده و اشاره به خطر تحریری هم نتوانسته است ذهن وی را از کتاب ریاضی جدا کند. او می‌گوید: «به نظرم خوب بود طرح فرش در کتاب ریاضی هم مرحله به مرحله جلو می‌رفت.» غفوری پاسخ می‌دهد: «این کار صورت گرفته است و در واقع الگویی‌ها و تقارن‌ها همان مراحل قبل از طرح فرش هستند.» احمدی این مورد را کافی نمی‌داند و می‌گوید بهتر است نمونه‌ی دیگر و ساده‌تری از طرح فرش، پیش از این صفحه تکرار شود. کسی با این عقیده مخالف نیست اما همه با ذکر نظرهایشان آن را کامل می‌کنند. غفوری توضیح می‌دهد: «اگر بنا باشد این تکرار صورت بگیرد، لازم است از مطالب دیگر کاسته شود؛ چون همه با شلوغی کتاب مشکل دارند.»

پژوهی هم ادامه می‌دهد: «کتاب ریاضی بچه‌ها با نه ماه تحصیلی و تعطیلی‌ها و... هم خوانی ندارد. این در حالی است که حجم کتاب علوم زیاد شده است و باید به دیگر دروس هم رسیدگی شود. به نظر من جا دارد که کتاب ریاضی حتی تا ۳۰ صفحه کمتر شود.»

او به خاطره‌ی جالبی از روند جمع اهداف در کتاب‌های درسی اشاره می‌کند: «روزی داشتیم درس می‌دادم و بچه‌های کلاس چهارم هم در حیاط بودند. چند نفر از آن‌ها که زیر پنجره‌ی کلاس من ایستاده بودند، مرا نگاه کردند و بعد هم به دانش‌آموزانم نگاه انداختند. با نگاه

آن‌ها توجه ما هم جلب شد. یکی از آن‌ها که در کلاس اول شاگرد من بود، با تعجب پرسید: «مگر شما کلاس سوم درس می‌دهید؟ چیزهایی را که می‌گویید ما در کلاس سوم یاد گرفته‌ایم. این برای من بسیار جالب و سؤال برانگیز بود که چرا باید آن قدر در اهداف مندرج در کتاب‌های درسی جلو برویم که مطالب مربوط به پایه‌های بالاتر را به دانش‌آموزان یاد بدهیم.»

## تجربه‌های محور اعدادی

احمدی با استفاده از این خاطره به تجربه‌ی خود درباره‌ی محور اعداد اشاره می‌کند: «من برای آموزش محور اعداد از کاشی‌های کف کلاس استفاده می‌کنم. دانش‌آموزان در نقش کانگورو





هر چیزی را که همراه خود دارند، روی میز بگذارند و با استفاده از آن‌ها تمرین کنند. گاهی هم به هر کدام یک شماره می‌دهم و آن‌ها با استفاده از آن به تمرین مسائل جمع و تفریق اقدام می‌کنند.»  
احمدی هم به شماره‌های دانش‌آموزان در صف اشاره می‌کند و توجه به آن را در یادگیری یکی ده‌تایی مؤثر می‌داند.

پژوهی که مانند دیگران به نقش بازی در یادگیری دانش‌آموزان بسیار معتقد است، اضافه می‌کند: «من برای آموزش مفهوم و طبقه یک خاله‌بازی تمام عیار در مدرسه راه می‌اندازم. ابتدا از نه جعبه‌ی موز برای ساختن یک کمد با قفسه‌های مختلف استفاده می‌کنم. سپس از دانش‌آموزانم می‌خواهم تا اسباب‌بازی و عروسک مورد علاقه‌ی خود را به مدرسه بیاورند و درون قفسه‌های کمد قرار دهند. بعد آن‌ها در بازی خود از یکدیگر می‌خواهند که مثلاً یکی برود و عروسکی را که در طبقه‌ی دوم در ردیف سمت چپ است، بیاورد. این بازی در یادگیری این مفاهیم بسیار مؤثر است. در درس علوم هم به محیط باز می‌رویم. امسال دانش‌آموزی داشتیم که وقتی از او خواستیم با دقت به اطراف خود نگاه کند، از من پرسید چرا بدنه‌ی این درخت شبیه بیسکویت است و همین، موضوع تحقیقی شد که در روزهای بعد انجام داد.»

از مثالی که غفوری مطرح می‌کند، حدس می‌زنیم که به درس ریاضی بسیار علاقه‌مند است. او می‌گوید: «من برای الگویابی در درس ریاضی نواری را پایین دفتر تکلیف دانش‌آموزانم می‌چسبانم و الگویی را ارائه می‌دهم که آن‌ها باید آن را تکمیل کنند. بعد که پیش می‌رویم، دانش‌آموزان خودشان الگو می‌کشند و خودشان هم آن را تکمیل می‌کنند. گاهی نیز برای این کار از کلاه‌های رنگی و جدولی که در حیاط مدرسه می‌کشیم، استفاده می‌کنم. این در قالب بازی و فعالیت انجام می‌شود و برای دانش‌آموزان جالب است.

از دیگر برنامه‌هایی که به عددخوانی دانش‌آموزان و انجام دادن جمع و تفریق کمک می‌کند، استفاده از کارت‌هایی است که دارای شانزده خانه‌ی چهار در چهار هستند و به صورت تصادفی در آن‌ها اعدادی نوشته شده است. حالا جمع یا تفریقی را مطرح می‌کنم. اگر عدد حاصل را داشته باشد، آن را در خانه مورد نظر قرار می‌دهند. هر کس زودتر

شکل برای دانش‌آموزان مشکل‌آفرین نبوده است؟ صفوی پاسخ می‌دهد: «این کار آمادگی بیشتری را در آنان ایجاد می‌کند. برای مثال، وقتی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که عددی را بنویسند که یکان آن ۸ باشد، با این که چنین چیزی در کتاب هم نیامده است، آن‌ها قادر به انجام دادن این کار هستند.»  
پژوهشی به یاد دفتر شطرنجی دانش‌آموزان خود می‌افتد و می‌گوید: «من این کار را در دفتر شطرنجی انجام می‌دهم و دانش‌آموزان خانه‌ها را در دفتر خود رنگ می‌زنند و محور را روی آن یاد می‌گیرند. به نظرم این تجربه هم خوب بوده است.»

## خاله‌بازی و ریاضی

در این میان، صفوی که گویی نکته‌ی مهمی را به یاد آورده است، می‌گوید: «یکی از دلایل مؤثر بودن شیوه‌هایی که من اشاره کردم این است که برای والدین، هم زمان با هر طرح، جلسه‌ی آموزشی برگزار می‌کنیم. برای نمونه، جلسات تا حالا در مورد فارسی بوده و حالا هم درباره‌ی ریاضی است. هنگامی که می‌خواهیم روش کار با کارت اعداد را به دانش‌آموزان بگوییم، پیش از آن برای والدین جلسات آموزشی برگزار می‌کنیم. در این شرایط نتایج بهتری از کار خود می‌گیریم. هم‌چنین با توجه به کتاب ریاضی، اهداف مورد نظر و تجربه‌ی من، باید همه‌ی آن‌چه در حل مسئله مورد نظر است، در یک جلسه توضیح داده شود. به این شکل مهارت دانش‌آموزانم نیز تقویت می‌شود. البته در این راه استثناهایی وجود دارد اما در کل، نتیجه‌بخش‌تر است.»  
شیخ‌عباسی در مورد مسائل جمع و تفریق تجربه‌ی دیگری دارد و توضیح می‌دهد: «من در این‌گونه مسائل از دانش‌آموزانم می‌خواهم





## خیاط‌ها، نجارها، بناها و... آماده!

چند نمونه از موضوعات آزمون عملکردی درباره‌ی آموزش مفهوم محیط

ردیف یا ستونی از کارت‌ش تکمیل شود، برنده است.»

### فریبا کوشکی

آموزگار دبستان شاهد، سبزوار

دانش‌آموزان در گروه‌های مختلف و با ایفای شغل‌های متفاوت به درک مفهوم محیط می‌رسند. دانش‌آموزان را در گروه‌های مختلفی چون گروه خیاط‌ها، گروه نجارها، گروه بناها و نرده‌سازها و... قرار می‌دهیم. بعد به هر گروه با توجه به نوع شغل داده شده، پروژه‌ی کاری داده می‌شود. آن‌ها باید به صورت گروهی به حل موضوع و مسئله بپردازند.

برای مثال؛ با دادن یک رومیزی مربع یا مستطیل شکل به گروه خیاط‌ها، به آن‌ها گفته می‌شود که می‌خواهیم دور این رومیزی را توردوزی کنیم. حساب کنید که چند متر تور باید خریداری کنیم. همچنین اگر به ازای هر متر توری که می‌دوزید ۵۰۰ تومان مزد بگیرید، در پایان کار از مشتری چه مقدار پول باید دریافت کنید؟

به گروه نجارها یک میز ساده‌ی چوبی داده شده و به آن‌ها گفته می‌شود که می‌خواهیم دور این میز را نوارهای ظریف رنگی بزنیم. محاسبه کنید که به چند متر نوار رنگی نیاز داریم. همچنین اگر در مقابل هر متر نوازی که کار می‌کنید ۱۰۰۰ تومان مزد بگیرید، در پایان کار چند تومان مزد دریافت خواهید کرد؟

به گروه بناها گفته می‌شود که می‌خواهیم دور باغچه‌ی مدرسه را سنگ‌چینی یا نرده‌گذاری کنیم. حساب کنید که به چه مقدار سنگ یا نرده نیاز داریم. همچنین اگر در مقابل هر متر سنگ‌چینی یا نرده‌گذاری ۲۰۰۰ تومان مزد بگیرید، شما چند تومان خواهد بود؟

گروه‌ها با اختیار داشتن متر برای اندازه‌گیری، مداد و برگه‌ی یادداشت شروع به کار می‌کنند با همکاری گروهی به تحلیل و بررسی موضوع می‌پردازند. معلم نیز به عنوان ناظر کار یا کارفرما در صورت نیاز گروه‌ها را راهنمایی و هدایت می‌کند.



### توصیه به کلاس دومی‌ها و پایه‌های بالاتر

با بیان بیشتر تجارب موفق دوستان، احساس می‌کنیم که به دنیایی از خلاقیت وارد شده‌ایم که انتهایی ندارد. در این میان **مجدفیر**، سردبیر مجله، که از ابتدا در میزگرد حضور داشت و ساکت نشسته بود، از سند برنامه‌ی درسی ملی و ضرورت آشنایی معلمان با این سند صحبت می‌کند. او می‌گوید: «بر همین اساس، ویژه‌نامه‌ای با عنوان «هم‌سو با تحول» به‌وسیله‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به چاپ رسیده است که در آن با مؤلفان کتاب‌های جدیدالتألیف به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. با این همه عده‌ای از آموزگاران از این سند و نیز سند تحول مطلع نیستند و تمام نگرانی‌های آموزگاران پایه‌ی اول حالا به پایه‌ی دوم رسیده است. حاضران چه توصیه‌ای برای این معلمان و در سال‌های بعد برای سایر معلمان دارند؟»

احمدی آماده و مشتاق برای کمک به آموزگاران کلاس دوم این‌طور پاسخ می‌دهد: «ما تلاش کردیم که آن‌چه را در کتاب تغییر کرده بود، در طی سال به معلمان پایه‌ی دوم منتقل کنیم. اگر در مدرسه‌های این کار صورت نگرفته است، هنوز هم دیر نیست. اولاً معلمان دوم، آموزگاران پایه‌ی سوم را در جریان تغییرات کتاب خود قرار می‌دهند و از طرف دیگر، بین معلمان پایه‌ی اول و دوم جلساتی برگزار می‌شود تا تبادل تجربه و اطلاعات صورت گیرد.»

شیخ عباسی بر نگرش آموزگاران تأکید دارد و می‌گوید: «تغییر ذهنیت بسیار لازم است. من فقط می‌گویم مثبت‌اندیش باش و با وجود این که به هر حال قبول تغییر سخت است، باید با تلاش و مثبت‌نگری نسبت به نتیجه‌ی آن، زمینه‌ی موفقیت بیشتر را فراهم کرد.»

پژوهی بر موضوع اطلاعات معلم تأکید می‌کند و لازمه‌ی موفقیت را داشتن مطالعات علمی و اطلاعات صحیح معلمان می‌داند.

غفوری هم به «آغاز از خود» تکیه دارد و می‌گوید: «به نظر من لازم است همه‌ی معلمان، کتاب‌های سال قبل از پایه‌ی تدریس خود را به دقت ببینند، در کلاس‌های مرتبط با کتاب‌های پایه‌ی خود شرکت کنند و منتظر کتاب راهنما هم نباشند. با استفاده از منابع گوناگون که اغلب هم در اینترنت در دسترس‌اند، از تغییرات ایجاد شده، دلایل و ضرورت‌ها و نحوه‌ی آموزش آن‌ها مطلع شوند.»

تمام آن‌چه در توصیه به معلمان پایه‌های بالاتر به ویژه پایه‌ی دوم مطرح شد، با دعای خیر و باور به داشتن نتیجه‌ی بهتر از دیروز همراه بود. برای تمام عزیزان شرکت‌کننده در گفت‌وگو و همکارانمان در کلاس‌های درس آرزوی موفقیت روزافزون و منطبق با اسناد تحول‌آفرین در آموزش و پرورش، از جمله سند تحول بنیادین و سند برنامه‌ی درسی ملی را داریم.

تصویرگر: مه‌سوم‌سوی

# روش‌های ارزش‌یابی فرایند تفکر

سیدعلی عبداللهی حسینی - علی لطفی

مدرس‌ان دانشگاه فرهنگیان، مازندران

سرمایه‌گذاری روی سنجش آن‌ها، به منظور ارزش‌یابی آن‌چه در کلاس درس انجام می‌شود، بی‌فایده خواهد بود، در این مقاله سعی داریم راه‌های ارزش‌یابی کردن تفکر و ثبت سوابق را به معلمان عزیز معرفی کنیم. به امید روزی که معلمان محترم بتوانند با استفاده از روش‌های زیر فرایند تفکر دانش‌آموزان را ارزش‌یابی کنند.

در ادامه با هم وارد کلاس پنجمی می‌شویم که معلم آن می‌خواهد با استفاده از روش‌های زیر، فرایند تفکر دانش‌آموزان در درس «زمین ناآرام» از کتاب «علوم تجربی»، صفحات ۵۶ و ۵۷ را ارزش‌یابی و ثبت کند

## ۱. دانش‌آموزان را در ارزش‌یابی و تعیین هدف‌ها دخالت دهید.

الف) از دانش‌آموزان بخواهید اولویت‌های تفکر خود را تشخیص دهند و درباره‌ی راه‌های بالا بردن توان تفکر خود با دیگران بحث کنند. - موقعی که مشغول انجام دادن فعالیت در گروه هستیم، دلم می‌خواهد بدانم بقیه‌ی دانش‌آموزان هم گروهی‌ام به چه چیزی فکر می‌کنند و چه برداشتی از زمین ناآرام دارند. البته من قدری درباره‌ی خود مطمئن نیستم اما باید اعتماد به نفسم را رشد دهم تا بتوانم با توانمندی بیشتر به فکر کردن درباره‌ی زمین ناآرام بپردازم.

ب) از تأمل دانش‌آموزان درباره‌ی نحوه‌ی تفکر خود به‌عنوان پایه‌ای برای تعیین راه‌کارها استفاده کنید. مثلاً دانش‌آموزان ممکن است دریابند که خودشان در موقع رویارویی با تکلیف، از تفکر تأملی یا فراشناخت<sup>۱</sup> استفاده می‌کنند. در این صورت، معلم ممکن است از آنان بخواهد در زمان ارائه‌ی ایده‌ها، رویکرد تفکر منطقی<sup>۲</sup> یا خلاقانه<sup>۳</sup> را به کار ببرند. برای مثال:

- عزیزم! با توجه به متن صفحه‌ی ۵۷ و راهنمای نقشه‌ی «برایم بگو»، چه چیزهایی درباره‌ی زمین‌لرزه یاد گرفتی؟ دانش‌آموز هم مطالب یاد گرفته شده را بیان می‌کند (تفکر تأملی یا فراشناخت).

- در این صورت، معلم از دانش‌آموز می‌خواهد که از تفکر منطقی و نقادانه استفاده کند؛ مثلاً اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی دانش‌آموزان درباره‌ی زمین‌لرزه را ترکیب کند.

- یا در این صورت معلم می‌خواهد که دانش‌آموزان از تفکر خلاقانه استفاده کنند؛ مثلاً چه می‌شد اگر در هیچ جای کره‌ی زمین زلزله نمی‌آمد؟

پ) از پرسش‌های مفید درباره‌ی ارزش‌یابی از خود و دیگران نمودارهای کلاسی تهیه کنید.

موفقیت جنبش مهارت‌های قرن بیست و یکم نیازمند توجه جدی به برنامه‌ی درسی، کیفیت معلم و سنجش است. برای اینکه تلاش‌های قرن بیست و یکم اثربخش باشد، باید این سه مؤلفه به‌طور هماهنگ اجرا شود، در غیر این صورت، اصلاحاتی که انجام می‌گیرد، سطحی و غیرمولد خواهد بود.

امروزه حامیان جنبش مهارت‌های قرن بیست و یکم در سراسر جهان طرفدار روش‌های دانش‌آموز محور هستند (روتراهام و ویلینگهام، ۱۳۹۰: ۶). پس طبیعی است که آموزش «فکر کردن» هم بیش از گذشته مورد تأیید است. امروزه معلمان بیشتری از خود می‌پرسند: «چه‌گونه می‌توانیم به دانش‌آموزان یاد بدهیم که مستقل، خلاق، پرسشگر و ژرفاندیش باشند؟» در واقع، اگر بخواهیم دانش‌آموزان ما مبدل به فراگیرندگان موفق و مادام‌العمری شوند که بتوانند با موفقیت مشکلات خود را در محیط مدرسه و خارج از آن حل کنند، باید مهارت‌های گوناگون اندیشیدن را یاد بگیرند.

اگر چنین اعتقاداتی پذیرفته شوند، در کلاس درس هم زمینه‌های لازم برای وادار کردن دانش‌آموزان به تفکر، فراهم خواهد آمد. قبل از اینکه برنامه‌ای را برای آموزش تفکر کارآمدتر تدارک ببینیم، باید برداشت خود را از این که فکر کردن یعنی چه، روشن کنیم. برای این منظور هم باید اقسام مختلف تفکر را که می‌خواهیم در ذهن دانش‌آموزان جا بدهیم، به‌درستی بشناسیم (دانشفر، ۱۳۹۰: ۹).

ارزش‌یابی کردن تفکر اغلب مشکل به نظر می‌آید. هنگامی که درباره‌ی اقسام تفکری که می‌خواهیم دانش‌آموزان فراگیرند، درک بهتری پیدا کنیم و انجام دادن این کارها را هم در برنامه‌ی خود قرار دهیم، ارزش‌یابی ما هم آسان‌تر می‌شود. ارزش‌یابی از تفکر زمانی کارآمد می‌شود که بدانیم به چه چیزی توجه داریم.

به‌عنوان معلم، اغلب تفکر دانش‌آموزان را بدون اینکه حتی آن را درک کرده باشیم، ارزیابی می‌کنیم و اغلب آن‌چه را هم که می‌سنجیم، نتیجه‌ی تفکر است. در ارزش‌یابی از تفکر، باید دانش‌آموزان را نیز در این کار دخالت داد. به این ترتیب، ارزش‌یابی تفکر زمانی ممکن‌تر می‌شود که ما:

- دقیقاً بدانیم دنبال چه هستیم؛  
- رویکردهایی را به کار بگیریم که باعث می‌شوند فرایند تفکر دانش‌آموز قابل مشاهده شود؛  
- خود دانش‌آموز را هم در این فرایند شرکت می‌دهیم (همان: ۵۱).  
با توجه به این مقدمه‌ای که بیان کردیم و با تأکید به این مسئله که سرمایه‌گذاری سنگین روی برنامه‌ی درسی و نیروی انسانی، بدون



می‌توان این فعالیت را با طرح چنین سؤالاتی انجام داد:  
 - آیا درباره‌ی این موارد فکر کرده‌اید؟  
 - درباره‌ی زمین‌لرزه چه می‌دانید؟  
 - برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی زمین‌لرزه به چه منابعی نیاز دارید؟  
 - اگر قرار باشد مصاحبه‌ای صورت پذیرد، بهترین کسی که می‌تواند شما را راهنمایی کند، کیست؟

## ۲. استفاده از دفترچه‌ی یادداشت روزانه

تهیه‌ی یادداشت‌هایی که با دقت نوشته شده باشند، وسیله‌ی خوبی برای ارزش‌یابی مداوم از طرز تفکر دانش‌آموز است. یادداشت‌ها شکل و انواع مختلفی دارند و با هدف‌های متفاوتی هم تهیه می‌شوند. مثلاً معلم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد که دفترچه‌ی یادداشت را به منظورهای زیر تهیه کنند:

- ثبت جزئیات یک آزمایش؛
- نوشتن فعالیت‌های علمی و عملی؛
- طراحی جدول، منحنی‌ها، نقاشی، عکس و...؛
- شیوه‌ی تفکر؛
- بیان گزارش فعالیت‌ها یا ثبت نظرات و پیش‌نهادها
- ... (رستگار، ۱۳۸۱: ۳۱).

### الف) یادداشت‌های سازمان‌یافته و باز

در این قسمت می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا به سادگی در مورد آموخته‌های خود چیزهایی بنویسند. مانند نوشته‌ی زیر:

امروز معلم از ما خواست تا به اتفاق اعضای گروه، متن ص ۵۷ کتاب درسی علوم را مطالعه کنیم و درباره‌ی آن با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازیم اما علی‌رضا این فعالیت را انجام نداد. به نظرم می‌رسد چون از زمین‌لرزه خاطره‌ی خوبی نداشت ولی از آن‌جا که کار کردن در یک فعالیت گروهی باید با علاقه و مشارکت جدی همه‌ی اعضای گروه باشد، با او صحبت کردم و او را دل‌داری دادم. زیرا برایم خیلی مهم بود، به همین دلیل از معلم وقت بیشتری برای انجام دادن این فعالیت درخواست کردم.

### ب) تعداد موارد یادداشت‌شدنی را دو یا سه برابر کنید.

برای انجام دادن این مورد می‌توان از دانش‌آموزان خواست که افکار خود را در چند مرحله مانند نمونه‌های زیر ثبت کنند:  
 • آن‌چه انجام دادم.

- امروز در گروه متن کتاب درسی در خصوص آتش‌فشان و زمین‌لرزه را مطالعه کردم و پاسخ سؤالات معلم را پس از گفت‌وگو دادم. چرا انجام دادم؟

- این صفحه را با مشارکت اعضای گروه انجام دادم تا با مشاهده‌ی نقشه و مطالعه‌ی آن، با شهرهای زلزله‌خیز ایران و برخی علل خرابی‌های

ناشی از زلزله آشنا شوم.

• آن‌چه یاد گرفتم.

- امروز در گروه به این نتیجه رسیدیم که کشور ما سرزمینی زلزله‌خیز است و هرچه شدت زلزله بیشتر و استحکام زمین و ساختمان کم‌تر باشد، میزان خرابی‌ها بیشتر است.

### ج) یادداشت‌های گفت‌وگو مانند

معمولاً این قبیل یادداشت‌ها بین معلم و شاگرد نوشته می‌شوند اما می‌توانند بین دو دانش‌آموز هم صورت گیرند.

برای اجرای این فعالیت، می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا نوع تفکرات و احساسات خود را روی کاغذ بیاورند. مانند نمونه‌های زیر:

- امروز نتوانستم با استفاده از راهنمای نقشه، اطلاعات روی نقشه را تفسیر کنم.

- شاید بهتر باشد در جلسه‌ی بعدی از معلم خواهش کنم جایم را عوض کند.

- امروز نتوانستم صحبت‌هایی را که در گروه با دوستان داشتم، به‌عنوان نماینده‌ی گروه برای بقیه‌ی کلاس مطرح کنم.

### پی‌نوشت

۱. به هر نوع فکر هدف‌داری اشاره می‌کند که در آن، فراگیرنده، فعالانه و به‌طور مداوم و با دقت ایده‌ها را به‌منظور رسیدن به درک عمیق‌تر، در نظر می‌گیرد.
۲. تفکری است که دانش‌آموز به کمک آن، داده‌ها و اطلاعات را تحلیل می‌کند، می‌آزماید و نقد می‌کند.
۳. تفکری است که دانش‌آموز به کمک آن فرضیه‌ها را به چالش می‌کشد و در حال‌های جانشین‌شده‌ای می‌یابد.

### منابع

۱. آندروجسی، روترهام و دانیل ویلینگهام؛ مهارت‌های قرن بیست و یکم: چالش‌های پیش رو، مترجم: فریده قاسمی. تهران، مجله‌ی الکترونیکی. چشم‌انداز آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، ۱۳۹۰.
۲. ویلسون، جینی و مورداک، کت؛ آموزش و ارزش‌یابی مهارت‌های زندگی و فکر کردن، مترجم: حسین دانشفر، تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۹۰.
۳. رستگار، طاهره و دیگران؛ کتاب معلم علوم تجربی پنجم، تهران، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی، ۱۳۸۱.

# آدم‌های کوچک

اشاره

نخستین بخش از داستان‌های مهرگان را در شماره‌ی قبل خواندید. به گفته‌ی مؤلف، ماجرای این داستان‌های آموزشی واقعی است که با اندکی تغییر ملاحظه می‌کنید. با این توضیح مختصر، داستان دیگری از این مجموعه را در پی می‌آوریم.

با احتساب چند روز تعطیلی قبل از عید نوروز و بعد از آن، تعطیلات حدود بیست روز طول کشید. پس از بازگشت بچه‌ها به کلاس درس، از آن‌ها خواستیم که اگر مایل‌اند خاطرات ایام نوروز خود را تعریف کنند. چند نفر از بچه‌ها دست بلند کردند و داوطلب این کار شدند. هنگامی که بچه‌ها به بیان خاطره‌ی خود می‌پرداختند، چند سؤال هم درباره‌ی نوع وسیله‌ی سفر، رعایت نکات ایمنی کودکان در سفر، جاهای دیدنی،



تصویرگر: ایدامهندس

## همه‌ی «کرمی»‌های عالم!

لیکنده‌های کلاسی

پروین نعمتی

آموزگار دبستان ستایش دو، ملارد

روز اول مهر بود. به حیاط مدرسه خیره شده بودم و سعی داشتم هرچه زودتر دانش‌آموزانم را بشناسم و اسامی آن‌ها را یاد بگیرم. متوجه شدم یکی از دانش‌آموزان به شدت گریه می‌کند. به حیاط رفتم، خود را به او رساندم و گفتم: «چی شده عزیزم؟ چرا داری گریه می‌کنی؟» او در حالی که مانتوی مرا می‌کشید و اشک‌هایش را با آن پاک می‌کرد، گفت: «خانم اجازه! اون کرمی منو زد. اون یکی کرمی هم خندید و مسخره‌مون کرد و اون یکی کرمی هم از کرمی اول که منو زده بود، طرف‌داری کرد.»

من که هنوز در فکر دانش‌آموزان جدیدم بودم، برای یک لحظه به فکر فرو رفتم: «وای! امسال من چندتا کرمی در کلاس دارم؟ حالا چه طوری اسم این همه کرمی را حفظ کنم؟» از دانش‌آموز گریان پرسیدم: «خوب پسر! یک لحظه آرام باش و بگو ببینم اسم خودت چیه؟» گفت: «خانم اجازه، علی کرمی!» و من تازه فهمیدم که ماجرا از چه قرار است. طفلکی این دانش‌آموز فکر می‌کرد چون فامیلی خودش کرمی است، پس تمام بچه‌های مدرسه هم کرمی هستند!





تصویرگر: نیدا اعتماد

### شهین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

سوگاتی و... از آن‌ها پرسیده می‌شد (سعی می‌شد سوالات هدفمند و با موضوع درسی تطابق داشته باشد). نوبت به **مهرگان** که رسید، او شروع کرد به تعریف کردن: «بله خانم اجازه! امسال همراه خانواده با هواپیما به اصفهان رفتیم ولی وقتی سوار هواپیما شدیم، در آسمان کوچک نشدیم!» با بهمت و حیرت پرسیدم: «مگر قرار بود که شما کوچک بشوید؟» او با قیافه‌ای جدی گفت: «بله خانم باید کوچک می‌شدیم!» همه تعجب کردند! پرسیدم: «چطور چنین چیزی به فکرت رسیده است؟» با اعتماد به نفس گفت: «خوب خانم عزیز! وقتی هواپیما را در آسمان می‌بینم، کوچک است. پس آدم‌های داخل آن هم باید کوچک شده باشند.» نفسی به راحتی کشیدم و گفتم: «هان! که این طور...» در این هنگام همه‌ی بچه‌ها با صدای بلند خندیدند؛ در حالی که مهرگان با حیرت به آنان می‌نگریست.

### زهره محبوب دنیوی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و آموزگار دبستان نبوت، ساوه

## توصیه‌ی عاطفه به معلمان

سخن‌های زیاده

بعد از تدریس درس «اجتماعی»، تصمیم گرفتم همان جلسه و نیز آغاز جلسه‌ی بعد از بچه‌ها ارزش‌یابی کنم. اگرچه درس اجتماعی در این پایه ارزش‌یابی چندانی ندارد و رعایت صرف هنجارها و قوانین از طرف دانش‌آموز ملاک ارزش‌یابی است، ولی برای آگاهی از میزان آموخته‌های شاگردان، ارزش‌یابی شفاهی توصیه شده است. آن جلسه از بچه‌ها سؤال‌هایی پرسیدم. جلسه‌ی بعد نیز تعدادی از آنان سوالاتی پرسیدم و دیدم که اکثر بچه‌های کلاس در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند تا این که نوبت به یکی از شاگردان متوسط کلاس به نام **عاطفه** رسید. در یکی از درس‌های اجتماعی سؤال با این عنوان مطرح شده بود که: «**سخن رهبر انقلاب درباره‌ی دانش‌آموزان چه بود؟**» و جواب کتاب که همان سخن رهبر انقلاب است، چنین آمده است: «دانش‌آموزان آینده‌ی کشور هستند. آن‌ها باید خود درس بخوانند تا در آینده افراد مفیدی برای جامعه باشند.»

سؤال مذکور از عاطفه پرسیده شد، در حالی که از سوی وی جوابی شنیده نشده برای گرفتن جواب او را به بیان وظایف خودش به‌عنوان یک دانش‌آموز هدایت کردم. با وجود راهنمایی بنده و تأکید زیاد برای گرفتن جواب مناسب از طرف عاطفه، وی در نهایت اطمینان و خون‌سردی چنین پاسخ داد:

### رهبر انقلاب گفته‌اند: «معلمان نباید زیاد سخت بگیرند.»

از این جواب عاطفه بکه خوردم و متعجب شدم که این جواب را بر عدم آمادگی‌اش برای پاسخ‌دهی حمل کنم یا به پای زیرکی‌اش بگذارم. به هر حال جواب وی تلنگری شد برای بنده.

# بچه‌های رنگارنگ

بچه‌های رنگارنگ

مؤلف: محمدحسن رادمنش و دیگران

ناشر: مؤلف (بصیرت‌افزا) - (۰۹۱۳۳۵۲۷۱۹۷)

نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۳۹۱

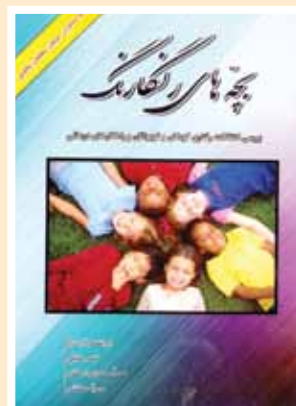
قیمت: ۶۸۰۰ تومان

تاکنون در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی مطالب متنوعی درباره‌ی اختلالات رفتاری یا گفتاری خوانده‌اید. کتاب «بچه‌های رنگارنگ» نیز از نوشته‌هایی است که مؤلفان آن در دو فصل به بررسی اختلالات کودکان و همچنین ارائه‌ی راهکارهای درمانی آن‌ها پرداخته‌اند.

اما اختلال چیست و به‌طور کلی چه رفتاری را اختلال می‌گویند؟ راهبردهای روان‌شناسی و تربیتی در تعلیم و تربیت بهتر کودکان و نوجوانان چیست؟

با مطالعه‌ی کتاب به پاسخ بسیاری از سؤال‌های خود خواهید رسید.

محمدحسن رادمنش و همکاران او در تألیف این کتاب - **افسر خلیلی، ابوالفضل آزادنیا و سمیه سلطانی** - همگی از فرهنگیان استان یزد هستند



# آزمونی زیبا برای درس انشا

همه‌ی آموزگاران بخوانند؛ شش‌می‌ها به کار بگیرند

## اشاره

درس انشا یکی از مهم‌ترین و در عین حال مغفول‌ترین درس‌های نظام آموزشی است. از طریق این درس علاوه بر تقویت ذوق ادبی و حسن زیباشناسی دانش‌آموزان، می‌توان زاویه‌ی دید آنان را نسبت به پیرامون و محیط زندگی‌شان

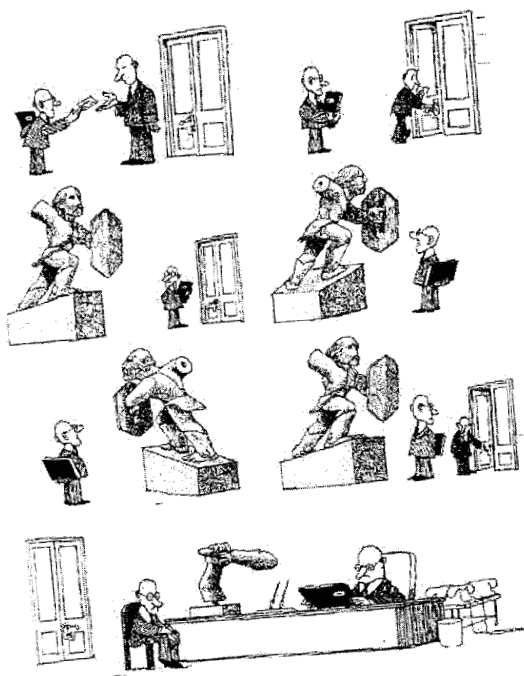
گسترش داد. در برنامه‌ی درسی ملی به ارتباط دانش‌آموزان با چهار «خ» (خدا، خلقت و طبیعت، خود و خلق خدا) توجه شده است و شاید انشا یکی از درس‌هایی باشد که بتواند زمینه‌ها و ابزار لازم برای تحقق این گزاره را فراهم آورد. در برنامه‌های ادبیات فارسی سال ششم ابتدایی، درس انشا و نگارش از جمله درس‌هایی است که به آن بسیار عنایت شده است. برای همراهی با این جریان و برای آن که آموزگاران ششم، از کارهای ابتکاری سایر معلمان خبردار شوند و دیگر آموزگاران هم از کارهای خوب الگوبرداری کنند، آزمون انشای مدرسه راهنمایی خاتم تهران، برای سال اول راهنمایی (که اکنون تقریباً همان ششم است) در نوبت اول سال قبل را که معلم مربوطه آقای **رمضانپور** طراحی کرده است، در ادامه می‌آوریم. سؤالات این آزمون علاوه بر این که مهارت نوشتن را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد، مهارت خوب و عمیق دیدن و درست شنیدن را نیز در کنار پرورش خلاقیت مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین، نکته‌ی مهمی در سربرگ این آزمون به چشم می‌خورد که آن نیز ابتکاری است: «زمان آزمون ۷۰ دقیقه / حداقل زمان حضور ۶۰ دقیقه»؛ یعنی معلم این کلاس، حداقل زمان لازم برای پاسخ‌گویی کامل به پرسش‌های خود را ۶۰ دقیقه می‌داند.

البته همکاران محترم باید در نظر داشته باشند که اجرای آزمون با همین سؤالات برای دانش‌آموزان آن‌ها، ممکن است مناسب نباشد و لازم است با الگوگیری از پرسش‌ها، در هنگام استفاده، انعطاف‌پذیری و هماهنگی پرسش‌های طرح شده با دانش‌آموزان و شرایط مدرسه‌ی خود را در نظر بگیرند.



حرکات انگشت پسرک تغییر داد، بعد خسته شد و رفت داخل لاکش و دیگر بیرون نیامد تا پسرک با یک دنیا بیهودگی تنها بماند...»

۵. داستانی را که در تصویر زیر مشاهده می کنید، تعریف کنید.



۶. روی تابلوی اعلانات مدرسه، در راهروی منتهی به کلاس های اول و دوم چه جمله ای درباره ی بهار نوشته شده است؟
۷. مدرسه چند سرویس بهداشتی، چند گلدان در پاگرد، چند تابلوی اعلانات و چند نورافکن دارد؟
۸. در داستان سنگول و منگول و حبه انگور، به عنوان وکیل مدافع، گرگ ناقلا را تبرئه کنید!
۹. فکر می کنی چرا باید بنویسی؟
۱۰. صداهایی را که در ده دقیقه ی پایانی امتحان می شنوی، بنویس.

## حال با توضیحاتی که داده شد، سوالات این آزمون را در پی می آوریم.

۱. خودتان را طوری با جزئیات تعریف کنید که در کنار دیگر دانش آموزان مدرسه ی خاتم، حتی برای یک فرد غریبه هم با یک نگاه قابل شناسایی باشید!
۲. داستان یا نوشته ی کوتاهی با تأثیر گرفتن از تصویر زیر بنویسید.



۳. با دقت در جزئیات ظاهری مراقب جلسه ی خود، مشاهداتتان را بنویسید و در انتها نام مراقب را ذکر کنید.
۴. داستان زیر رابه دل خواه ادامه دهید و به پایان برسانید.  
«علفها بلند شده بودند و تا پای کوه ادامه پیدا می کردند آفتاب کم کم غروب می کرد و پسرک هر لحظه بیشتر مطمئن می شد که راهش را در میان علفها گم کرده است. حالا به جایی رسیده بود که رشد علفها کمتر شده بود. همان جا روی کچلی زمین نشست، زانوهایش را بغل کرد و با خودش فکر کرد که چقدر خوب می شد اگر هیچ وقت راهش را پیدا نمی کرد. روی زمین دنبال چیزی گشت که تا صبح سرگرمش کند. یک حلزون به یک تکه علف چسبیده بود. حلزون را روی انگشتش نشاند. حلزون چند باری مسیرش را به واسطه ی

# از این به بعد

## کالای ایرانی می‌خریم

اعظم عامری

آموزگار دبستان راه دانش، شاهرود

به خاطر خشکی پوست دست‌هایم، پس از شستن آن‌ها باید از کرم استفاده می‌کردم. یک روز وقتی در کیفم به دنبال کرم می‌گشتم، یکی از دانش‌آموزانم گفت: «خانم اگر کرم نیاورده‌اید، ما کرم داریم. تازه، کرم ما بهتره چون خارجی!»

گفتم: «اگر خارجی من استفاده نمی‌کنم.» پرسید: «چرا خانم؟» در حالی که به نوشته‌ی روی یکی از تابلوهای کلاس اشاره می‌کردم (تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی) گفتم: «همه این عبارت را بخوانند.» کمی درباره‌ی آن توضیح دادم و بحث و گفت‌وگوها شروع شد. صحبت در مورد کیفیت و قیمت، هم‌چنین درباره‌ی فایده‌ی خرید و استفاده‌ی کالای ایرانی و نتیجه‌ی خرید اجناس خارجی صحبت کردم.

در حالی که بحث‌ها ادامه داشت، گفتم: «خرید بعضی کالاها می‌تواند به نفع دشمنان مسلمانان باشد.» همه تعجب کرده بودند. پس از مختصر توضیحی که دادم زنگ خورد. روز بعد دیدم بچه‌ها وسایلی

مانند کرم و لوازم‌التحریر و اسباب‌بازی‌های ایرانی

به کلاس آورده‌اند. آن‌ها می‌گفتند: «ما

سعی می‌کنیم از این به بعد کالای

ایرانی بخریم؛ چون نمی‌خواهیم

به دشمنان مسلمانان کمک

کنیم.»



تصویرگر: مهین موسوی



اکرم باقری شاد



پروین نوروزاده

# من دانش آموز شاگردانم هستم!

گفت و گو با دو آموزگار پر تجربه و مؤلف از ناحیه‌ی سه کرج

اصغر ندیری

عکس: رضا بهرامی

## اشاره

در مدرسه‌های کشور آموزگاران نوآور و فعال بسیاری حضور دارند که دارای کوله‌باری از تجربه هستند و بی چشم‌داشت، آموخته‌ها و دانسته‌های خویش را به دانش‌آموزان و دیگر همکاران انتقال می‌دهند. این بار به دبستان پرتو دانش از ناحیه‌ی سه کرج رفته‌ایم و با دو آموزگار با سابقه و تلاش‌گر به صحبت پرداخته‌ایم. یکی از این تلاشگران خانم پروین نوروزاده، ۳۴ سال سابقه‌ی تدریس دارد و در قسمت‌های مختلف آموزشی کار کرده و تجربه اندوخته است. او می‌گوید: «اما هیچ جایی بهتر از کلاس درس نیست. من دانش‌آموز شاگردانم هستم.» آموزگار دیگر خانم اکرم باقری شاد است که از سال ۱۳۵۹ وارد عرصه‌ی تعلیم و تربیت شده است و به کار خود عشق می‌ورزد. از شما مخاطبان گرامی دعوت می‌کنیم نخست به گفت و گو با نوروزاده و سپس به سخنان باقری شاد توجه فرمایید.

## ○ خانم نوروزاده کار را از چه سالی شروع کردید و ادامه دادید؟

من لیسانس آموزش ابتدایی هستم و فعالیت را از سال ۱۳۵۷ و در استان خوزستان شروع کردم. شش سال اول خدمت را از سال ۱۳۵۸ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در روستای جنگیه در اطراف اهواز گذراندم. در واقع ادامه‌ی کار من هم سخت و هم راحت بود. راحت و شیرین از این نظر که در روستا تدریس می‌کردم و سخت از این نظر که زمان جنگ بود و فرزندانم در اهواز می‌ماندند. به هر حال، از ۱۳۷۷ به دلیل انتقال همسرم به تهران من هم به استان البرز منتقل شدم.

## ○ فعالیت‌ها و برنامه‌های کاری شما چه بوده است؟

من معلم راهنما بودم و هم‌چنین در گروه‌های آموزشی شهرستان‌های استان تهران و نیز پیش‌دبستانی خدمت کرده‌ام. به همین دلیل ایده‌هایی به مریبان می‌دادم و آن‌ها نیز اجرا می‌کردند. به اعتقاد من مریب‌ها توانایی خاصی دارند و در اثر این فعالیت‌ها نیروهای برتر شناسایی می‌شوند. در زمینه‌ی

شعر و قصه و نمایش خلاق فعالیت‌هایی را تنظیم کرده‌ام. کارها و تجربه‌هایم را نخست یا با فرزندان خودم اجرا می‌کردم یا از نتیجه‌ی کارهای دیگر برای آن‌ها اجراهایی داشتم. به این ترتیب آن‌ها را نیز وارد کار و فعالیت می‌کردم. در پی این حرکت‌ها بود که مسئولیت گروه نمایش خلاق به من داده شد. بچه‌ها منبع خلاقیت هستند و در حقیقت به نوعی الهام‌بخش من بوده‌اند.

## ○ در این جا کتاب‌هایی را می‌بینم که نوشته‌ی شماست. درباره‌ی آن‌ها توضیح دهید.

کتاب «نمایش خلاق» حاوی موضوعاتی به زبان شعر است. در واقع، آن‌ها اتفاقاتی هستند که برای من افتاده‌اند و سپس توانسته‌ام آن‌ها را ثبت کنم.

کتاب «کار مری» در ارتباط با واحدهای کاری مثل «مسجد»، «ایران» و «بازار» و غیره برای پیش‌دبستان است. کتاب «مبانی علمی برای پیش‌دبستان» در زمینه‌ی نمایش خلاق، نقاشی و کاردستی است. این کتاب اهمیت دوره‌ی پیش‌دبستان و ارتباط آن با

## ○ نگاه شما درباره‌ی ارزش‌یابی توصیفی چیست؟

در ارزش‌یابی کمی یا نمره‌ای دانش‌آموزان دچار اضطراب ناشی از کم یا زیاد شدن نمره هستند. مثلاً در خانه به دانش‌آموز گفته می‌شود اگر نمرات کم شد به خانه نیا. با تغییر نوع ارزش‌یابی، احساس اضطراب دانش‌آموزان کم می‌شود. البته اگر ارزش‌یابی توصیفی پشتوانه‌ی اجرایی محکم داشته باشد، دارای آینده‌ی خوبی خواهد بود. از شائبه‌هایی که وجود دارد، احتمال بی‌سواد بار آمدن دانش‌آموزان است، اما در مجموع اضطراب آن‌ها را کم می‌کند.

## ○ چه خاطره‌ای از تدریس در مناطق جنگی دارید؟

در خوزستان مناطق دوزبانه کم نیست. دانش‌آموزانی داشتم که فارسی نمی‌دانستند. دانش‌آموزی بود که در حد «من بخوانم» فارسی را حرف می‌زد. روزی اجازه گرفت. در حالی که کتاب را به صورتش چسبانده بود، خواند: «بود... اردک!» با شنیدن صدای

او متوجه شدم که کتاب را برعکس گرفته است و از خودش چیزهایی می گوید. کتاب را برگرداندم. عصبانی نشدم و نگفتم: «حالا پس از چند ماه، چرا نمی توانی بخوانی؟» با حوصله کتاب را به دستش دادم و پشت سرش ایستادم تا درست بخواند و پیش هم سالانش شرمندة نشود. بچه ها می خواستند به او بخندند اما اجازه ندادم. به آهستگی درس را زمزمه کردم و او هم با من تکرار کرد.

### ○ در کنار تألیف کتاب های جدید، چه موارد دیگری شما را به ادامه ی کار امیدوار تر می کند؟

امید من به خود بچه هاست. سطح سواد خانواده هم مهم است. به ویژه مادر نقش اساسی تری دارد؛ زیرا زمان بیشتری را با فرزند می گذراند.

گاه می بینیم فصل های درسی کتاب های پایه ی اول تناسب ندارند. این احساس به من دست می دهد که شاید مؤلفان بچه ها را به اندازه ی آموزگاران نمی شناسند.

من در تدریس خود به بچه ها فرصت تفکر می دهم و می گذارم راه حل های دیگری را نیز بیابند.

### ○ دانش آموزان به کدام کتاب پایه ی اول علاقه نشان می دهند؟ چرا؟

به کتاب علوم؛ چون طبیعت در آن نقش

دارد. با دیدن تصاویر، بچه ها کنجکاو می شوند. باید دانش آموزان را به طبیعت علاقه مند کرد و از تشویق آن ها غافل نشد. در این درس، همواره متن را مستقیماً برای بچه ها نخوانده ام بلکه با استفاده از محتوا و عکس ها، پیام را به دانش آموزان رسانده ام. در این راه از اطلاعات پایه ی آن ها نیز بهره می برم.

### ○ آموزگاران در پایه ی اول ابتدایی، کدام درس را بهتر از بقیه تدریس می کرد؟

آموزگارم در کلاس اول ابتدایی، ریاضی را به شیوه ای مناسب و همه فهم و دوست داشتنی تدریس می کرد. او درس را طوری تشریح می کرد که انگار دارای روح است. حالا من این علاقه را به دانش آموزان منتقل می کنم.

### ○ در کارهای شما آثار خوش نویسی هم دیده می شود. آیا خوش نویسی هستید؟

این در من زمینه ی ارثی دارد. البته همسر من نیز به خوش نویسی می پردازد و این انگیزه ای است تا من هم تمرین کنم. این موضوع باعث شده است که در کلاس به خط بچه ها توجه کنم. به دنبال آن وضع نوشتن بچه ها نیز بهتر شده است. آن ها خط زمینه را شناخته اند و تنها پس از گذشت پنج ماه از

آغاز سال تحصیلی می دانند کدام حرف بالاتر از خط کرسی و کدام حرف در وسط یا زیر خط کرسی نوشته می شود. ضمناً دانش آموزانی را هم که استعدادی در خوش نویسی دارند، شناسایی و به انجمن خوش نویسان معرفی می کنم.

### ○ در میان آثار شما برنامه ی هفتگی تصویری به چشم می خورد. دانش آموزان از آن چه استفاده ای می کنند؟

این برنامه نوآوری خودم است. برای این که بچه های پایه ی اول از ابتدا خواندن و نوشتن نمی دانند، برنامه ی درسی آن ها را با شکل می نویسم. به این ترتیب از روز اول آن ها یاد می گیرند کارهایشان را شخصاً انجام دهند و کمتر به خانواده وابسته شوند. این برنامه در املا، ورزش، هنر، حساب و فارسی کاربرد دارد. در تنظیم برنامه به مناسبت های ماه توجه دارم و درس هایی را که ساعت های بیشتری دارد، به روزهایی می اندازم که تعطیلی کمتری به آن ها می خورد.

### ○ جمله ی پایانی شما چیست؟

درباره ی «معلمی» می گویم که رشد ادامه دار است. در این سال ها از دانش آموزان خود بسیار یاد گرفته ام. من دانش آموز شاگردانم هستم.

○ همان طور که در بخش اشاره ذکر شد اکرم باقری شاد نیز از آموزگاران فعال و پرسابقه است. او تنها عامل دوام معلم و صلابت در کارش را علاقه و عشق می داند. با دقت در این که این آموزگار سال های بسیاری را در پایه ی پنجم تدریس کرده است، از وی می پرسیم: «آیا پایه ی ششم و تقسیم بندی جدید ۳-۳-۶ را می شناسید؟»

دوره ی حضوری آشنایی با این نظام و مطالب کتاب ها و نحوه ی تدریس را گذرانده ام. خودم نیز مطالعاتی بالاتر از پایه ی پنجم ابتدایی داشته ام و آشنایی یافته ام.

### ○ آیا اصولاً پایه ی ششم دوره های شبیه ابتدایی است؟

به نظر من دوره های است که دروس تخصصی مانند حرفه و فن یا زبان خارجی ندارد. فکر می کنم مطالب پایه ی پنجم سلسله وار در آن پیشرفته تر می شود. مثلاً دانش آموز اگر در پایه ی پنجم، تقسیم اعشار را خوانده است، این جا کسر اعشاری را هم می خواند. حرفه و فن ندارد اما در علوم مطالبی هست که به آن سمت می رود و به این ترتیب، مهارت های زندگی مطرح می شود.

### ○ آن گونه که مشخص است، شما آماده اید تا در پایه ی ششم تدریس کنید. اصولاً نظر شما درباره ی ۳-۳-۶ چیست؟

جواب شما را به گونه ای دیگر می دهم. در واقع در آموزش های ما نقایصی وجود دارد. در طول سال های خدمت خود دیده ام که اهداف نهفته ی درس ها به دلیل تعجیل در تدریس، آشکار نمی شود. گاهی معلم به سرعت درس می دهد و به سرعت از دانش آموزان می پرسد: «خب، بچه ها پس نتیجه چه شد؟» آموزگار باید با فراغ خاطر وارد دوره های ضمن خدمت شود و ابزارسازی و حل مسئله را بیاموزد.

اگر این موضوعات رعایت شود فکر می کنم ساختار آموزشی ۳-۳-۶ به موفقیت های مدنظر خود برسد.

# آموزش وزن به دانش آموزان

سپهילה حامدی (جنگ)

آموزگار دبستان حضرت صدیقه کبری(س)  
بندر امام خمینی(ره) خوزستان



## هدف: آموزش گرم و کیلوگرم

**وسایل مورد نیاز:** چند وزنه‌ی مقوایی به رنگ‌های مختلف از بزرگ تا کوچک (کیلوگرم، صدگرم، ده‌گرم، یک گرم)، یک ممیز مقوایی به رنگ قرمز.

به دانش آموزی یک وزنه‌ی «یکان» - که نشان‌دهنده‌ی کیلوگرم است - و به دانش آموز دیگر مقوای ممیز قرمز رنگی می‌دهیم. سپس دانش آموز دیگری را صدا می‌زنیم و به او دو وزنه‌ی صدگرمی - که نشان‌دهنده‌ی «دهم» است - می‌دهیم. به دانش آموز دیگری هم چهار وزنه‌ی ده‌گرمی - که نشان‌دهنده‌ی «صدم» است - می‌دهیم. به پنجمین دانش آموز سه وزنه‌ی یک‌گرمی می‌دهیم که نشان‌دهنده‌ی «هزارم» است. از بچه‌ها می‌خواهیم بگویند به ترتیب چند وزنه‌ی یکان در دست دوستانشان وجود دارد. بعد به یکی از دانش‌آموزان می‌گوییم که این عدد را با گچ سفید روی زمین بنویسد. سپس دانش‌آموز بعدی که نمایش بازی می‌کند، همراه شعر خود را معرفی می‌کند (پشت هر مقوا شعری نوشته شده است). به همین ترتیب دانش‌آموزان هر کدام شعر خود را می‌خوانند و از بچه‌ها می‌خواهیم که بگویند چند وزنه‌ی صدگرمی، ده‌گرمی، یک‌گرمی در دست دوستانشان وجود دارد. هم‌چنین دانش‌آموز ادامه‌ی عدد را روی زمین می‌نویسد و معلم بچه‌ها را راهنمایی می‌کند که عدد  $1/243$  یک کیلوگرم و دوپست و چهل و سه هزارم گرم خوانده می‌شود. در ادامه، معلم وزنه‌ها را کم و زیاد می‌کند و مثال‌های دیگری می‌زند. به این ترتیب، معلم این درس را به صورت بازی تدریس می‌کند.

### \* توضیح دفتر مجله: از ارائه‌ی

شعر همراه با این تجربه، به دلیل آن که فاقد وزن و قافیه بود، خودداری شد. شعر ارسالی همکار محترم فقط دارای ریتم بود و طبیعی است چنین شعرهایی به دلیل آن که فقط می‌توانند به وسیله‌ی خود ابداع‌کننده‌ی ریتم به کار بروند، قابلیت تعمیم ندارند.

## پاستل یا پاستیل؟

### راشین شحیب‌زاده

آموزگار دبستان میلاد، بندر ماه‌شهر خوزستان

به بچه‌ها گفتم فردا با خودشان پاستیل بیاورند، چون می‌خواهیم کار جدیدی انجام دهیم. فردا از بچه‌ها خواستم وسایل کارشان را روی میز بگذارند و برگه‌ی سفیدی نیز به همه‌ی آن‌ها دادم، اما با تعجب دیدم که روی میز بعضی از بچه‌ها به جای پاستل نقاشی، پاستیل خوراکی قرار داده شده است. وقتی خود بچه‌ها به روی میزهای هم‌دیگر نگاه کردند، ناگهان ولوله‌ای در کلاس راه افتاد که آمیزه‌ای از خنده و تعجب بود!



# معلم این است!

کبری محمودی

مادر یک دانش‌آموز دوره‌ی ابتدایی

سخن بگویند نه با زبان منفی، گله، شکایت، غرولند و تهدید. وی مثال آورد که اگر در خانه به دانش‌آموز املا می‌گویید و او غلط می‌نویسد، غلط‌هایش را پررنگ نکنید که هم من ببینم و هم خودش. کلمه‌ی غلط را به فرزندتان نشان دهید؛ از او بخواهید اشکال آن را بیابد و دوباره کلمه‌ی صحیح را بنویسد. به او نگوید غلط نوشته‌ای، بلکه بگوید این کلمه به فلان شکل درست است.

وقتی بچه سرگرم بازی و لذت‌بردن است، صدای شادی و خنده‌اش را با گفتن این جملات که: «مگر تو درس نداری!، مشق‌هایت را نوشته‌ای؟ کاش یک ذره هم موقع درس خواندن این طوری می‌خندیدی» قطع نکنید. یک‌باره او را سرزنش نکنید؛ طوری که ناخودآگاه گمان کند بازی در تضاد با درس است و موفقیت در گرو تمرین دیکته و ریاضی. وقتی در حال نقاشی کشیدن است، او را سرزنش نکنید که یک کم هم ریاضی کار کن! کمترین برخورد صحیح این است که مثلاً از او بخواهید شکل اعداد را بکشد، با نقاشی جمع و تفریق اعداد را نشان دهد و از این قبیل تمرین‌ها.

تمام تابستان همواره نگرانی‌ام این بود که چه‌طور از آموزگار کلاس ۳۵ نفری مدرسه‌ی دولتی بخواهم به پسر من توجه کند، او را ببیند و بشنود، به شخصیتش احترام بگذارد و در یک کلام، تفاوت‌های فردی‌اش را در نظر بگیرد. حالا که چهار پنج ماهی از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد، خوش حال و خرسندم از این که این جریان برعکس شده است. معلم فرزندم، آموزگاری که هر روز و هر سال با تعداد فراوانی از دانش‌آموزان هم‌سن و سال پسر من برخورد دارد، از من می‌خواهد با دانش‌آموز هشت نه ساله طوری برخورد کنم که مبادا روی او تأثیر منفی بگذارد. می‌خواهد جملات مثبت را به کار گیرم و هشیار باشم که مبادا با جملات منفی، شخصیت و اعتمادبه‌نفس او را خدشه‌دار کنم.

روز اول مهر، وقتی پسرم از مدرسه به خانه آمد، از او پرسیدم: «معلمت چه‌طور است؟ امروز چه کار کردی؟ دوستانت چه‌طور بودند؟» در برابر این همه سؤال، کودک هشت ساله‌ی من فقط یک جواب داشت: «خوب بود. مامان، معلم ما خیلی با منطقی است.» از این ترکیب‌بندی او برای «با منطقی»، هم خوشم آمد و هم خنده‌ام گرفت. حرفش آن قدر برایم جالب و مهم بود که بلافاصله پرسیدم: «چه‌طور مگر؟ چه کار کرده؟»

پسر بچه‌های هشت نه ساله را که می‌شناسید. معمولاً حوصله‌ی توضیح دادن ندارند. بنابراین پسرم گفت: «نمی‌دانم. از حرف‌هایش معلوم بود که خیلی با منطقی است.» و رفت تا به بازی‌اش برسد.

به تجربه می‌دانستم که چون امروز روز اول مدرسه بوده، معلم حتماً روش و طرز کار خود را برای بچه‌ها توضیح داده است، اما این برایم جالب بود که آموزگاری برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی قوانین کلاسی و طرز کارش را چنان توضیح داده که دانش‌آموز به خوبی هم قوانین و هم آموزگار را پذیرفته تا جایی که خانم آموزگار خیلی هم منطقی به نظر آمده است.

این پیش‌زمینه‌را از معلمش داشتم تا این که به اولین جلسه‌ی ملاقات جمعی والدین با آموزگار هر پایه دعوت شدم. با آموزگار میان‌سال‌ی روبه‌رو شدم که اتفاقاً حوصله‌ی بچه‌ها را بیشتر داشت تا حوصله‌ی پدر و مادرها را. انتظار داشتم قوانین کلاسی‌اش را مثل بعضی معلمان برای اولیا هم شرح دهد تا آن‌ها نیز یک‌بار دیگر قوانین را برای بچه‌هایشان توضیح دهند که به قولی محکم‌کاری شده باشد اما

برخلاف این انتظار معلم از اولیا خواست که در کار کلاس و تدریس دخالت نکنند، بلکه فقط بچه‌ها را حمایت کنند. به ما تذکر داد که به بچه‌ها در خانه تدریس نکنیم و این مقوله‌ی تخصصی را به عهده‌ی معلم بگذاریم. از این‌ها مهم‌تر، مدام به پدر و مادرها یادآوری می‌کرد که با زبان مثبت با بچه‌ها





# نمایشگاهی از ۵۰ سال تلاش هنری

حمید دهقان

مروری بر آثار هنری استاد کلارا آبکار در کاخ موزهی سعدآباد تهران

## اشاره

در این شماره از صفحه‌ی میراث ما، موزه‌ای معرفی شده است که تمام آثار آن مربوط به یکی از زنان نام‌آور ایرانی در عرصه‌ی هنر نگارگری (مینیاتور) است. حمید دهقان این بار ما را به تماشای موزه‌ی آبکار در کاخ موزه‌ی سعدآباد تهران مهمان کرده است.

در روز ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۷۳ هم‌زمان با روز جهانی موزه (۱۸ ماه مه ۱۹۹۴ میلادی) در مجموعه‌ی فرهنگی، تاریخی سعدآباد و در ساختمان سابق لیلا پهلوی، موزه‌ی فاخری گشایش یافت که آثار یکی از زنان نام‌آور نگارگری ایران را به تماشا گذاشته بود. هنرمندی به نام استاد **کلارا آبکار** که خانه‌ی مسکونی و همه‌ی آثارش را به سازمان میراث فرهنگی هدیه کرده است.

کلارا آبکار در سال ۱۲۹۴ شمسی در تهران متولد شد. پس از گذراندن دوره‌ی اول دبیرستان به‌دلیل علاقه‌ی فراوانی که به هنر نقاشی داشت، به هنرستان نسوان (هنرستان بانوان) وابسته به مدرسه‌ی صنایع قدیمه - که **طاهرزاده بهزاد** در سال ۱۳۰۹ تأسیس کرده بود - رفت و رشته‌ی مینیاتور را انتخاب کرد. وی نگارگری و تذهیب را از استادان بنامی مانند **هادی تجویدی** و **علی درودی** فراگرفت و بعد در هنرستان عالی مینیاتور دوره‌ی عالی نگارگری را گذراند و نزد استاد **حسین کاشی تراش اصفهانی** رسم گره را آموخت.



کلارا آبکار در سال ۱۳۳۴ به‌عنوان هنرمند نگارگر در اداره‌ی هنرهای زیبای کشور استخدام شد و در سال ۱۳۳۷ لیسانس مینیاتور گرفت. او بعد از ۲۲ سال خدمت دولتی و آموزش و تربیت ده‌ها هنرمند در سال ۱۳۵۶ بازنشسته شد. در سال ۱۳۶۸ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ستایش از نیم قرن خلق آثار هنری، به کلارا آبکار درجه‌ی استادی در رشته‌ی مینیاتور یا نگارگری ایرانی (معادل دکتری هنری) اعطا کرد.

این استاد فرزانه در سال ۱۳۷۰ خانه‌ی مسکونی خود و همه‌ی آثاری را که بیش از ۵۰ سال در خلق آن‌ها تلاش کرده بود و هرگز قصد فروش آن‌ها را نداشت، به سازمان میراث فرهنگی هدیه کرد.

خانه‌ی استاد آبکار به‌صورت محل آموزش و کلاس‌های هنر نگارگری درآمده و آثار موجود در آن و سایر مکان‌ها (متعلق به استاد) به ساختمان کاخ سعدآباد منتقل شده است. اکنون موزه‌ی کلارا آبکار مکانی الهام‌بخش برای جوانانی است که عشق و علاقه‌ای به خلق آثار هنری دارند.

در موزه‌ی استاد آبکار آثار فاخر و ارزشمندی مانند تابلوهای نگارگری، تذهیب، نقش گره و مجموعه‌ای از تابلوهای آبرنگ از انواع نقوش روی پارچه‌ی ترمه و طراحی زیورآلات سنتی ایران به نمایش گذاشته شده است.

رنگ‌های به کار رفته در آثار تذهیب آبکار بسیار زیبا و عالی است. استفاده از این رنگ‌ها پیش از وی سابقه نداشت و این رخداد، راهنمای مؤثری برای تذهیب‌کاران جوان و هنرمند است.

استاد کلارا آبکار در نخستین روز بهار سال ۱۳۷۵ درگذشت. روحش شاد.

# خشت‌های پایه

## تحلیل و تبیین مبانی پژوهش‌های دانش‌آموزی

ابراهیم اصلانی

### اشاره

بعد از طرح سه موضوع مقدماتی، در این قسمت نویسنده به بحث درباره‌ی مبانی پژوهش‌های دانش‌آموزی پرداخته است. با مطالعه‌ی این بحث علاوه بر پی‌بردن به ضرورت و چرایی موضوع، می‌توان درباره‌ی چه‌گونگی آن نیز به نگرش تازه‌ای رسید. اگر مدارس با آگاهی و اشراف بیشتری به سراغ مبانی پژوهش‌های دانش‌آموزی بروند با دقتی افزون‌تر عمل خواهند کرد.

شواهد را بیان می‌کند و هم نقد مربوط به هر کدام را توضیح می‌دهد. از این مباحث، دو نکته به کار ما می‌آید که به اختصار بیان می‌شود.

۱. اگر از زاویه‌ی تربیت طبیعی به موضوع بنگریم، پژوهش‌های دانش‌آموزی می‌تواند به بروز و رشد استعدادها بینجامد و اعتمادبه‌نفس و احساس ارزشمندی دانش‌آموزان را افزایش دهد.

۲. از بعد تربیت اجتماعی، پژوهش‌های دانش‌آموزی روحیه‌ی همکاری و مشارکت را تقویت می‌کند و توانایی‌های اجتماعی مانند نوع‌دوستی، سازگاری و مدیریت را بارور می‌سازد.

بنابراین، پژوهش‌های دانش‌آموزی کارکردهای فردی و اجتماعی دارد. معلمان و مربیان با توجه و تمرکز به تلفیق این دو کارکرد، می‌توانند از اقداماتی که به نام پژوهش‌های دانش‌آموزی انجام می‌شود، به نتایج تربیتی مطلوبی نیز برسند.

### دوم: روش‌شناسی (متدولوژی) علمی

«علم» تلاشی از طرف بشر برای کشف مجهولات و پاسخ‌گویی به مسائل بی‌شمار هستی است. نگاه نظام‌مند (سیستماتیک) و

را با این مبانی پیش می‌بریم: «مبانی علمی»، «مبانی فلسفی» و «مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی».

### مبانی علمی پژوهش‌های مدرسه‌ای

مبانی علمی پژوهش‌های مدرسه‌ای را از سه بعد مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم؛  
**اول:** تربیت طبیعی و تربیت اجتماعی؛  
**دوم:** روش‌شناسی (متدولوژی) علمی؛  
**سوم:** علم‌باوری.

### اول: تربیت طبیعی و تربیت اجتماعی

تربیت و مسائل آن با بسیاری از حوزه‌های علمی ارتباط می‌یابد. تربیت برای رمزگشایی بسیاری از مسائل، سراغ رشته‌های گوناگون علمی می‌رود. از طرف دیگر، مباحث بسیاری از رشته‌های علمی مانند: زیست‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی با موضوع تربیت گره می‌خورد.

**شکوهی (۱۳۸۵)** در کتاب «مبانی و اصول آموزش و پرورش» در بحث از مبانی علمی تربیت، با مبنا قرار دادن دو رشته‌ی علمی زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی، به مقایسه‌ی تربیت طبیعی و تربیت اجتماعی می‌پردازد. او درباره‌ی این دو دیدگاه، هم

هر فعالیت هدفمند و منطقی در مدرسه که به اندیشه‌ورزی منجر شود، یک اقدام تربیتی است. استفاده از پژوهش و روش علمی به‌عنوان یک روش تفکر که از آن با عنوان **تفکر پژوهشی** یاد کردیم، فقط کارکردی علمی ندارد، بلکه به توسعه‌ی مهارت‌های زندگی و از جمله مهارت مدیریت بر خود نیز کمک می‌کند. پژوهش‌های دانش‌آموزی را می‌توان به اندکی پرسه‌زدن در دنیای کتاب و اینترنت، که محصول آن تعدادی کاغذ و جزوه است، خلاصه کرد اما آن نیز به‌عنوان تفکر پژوهشی، اقدامی تربیتی با کارکردی چندبعدی است.

بنابراین، وقتی می‌خواهیم از مبانی پژوهش‌های دانش‌آموزی یا تفکر پژوهشی سخن بگوییم، در واقع موضوع بحث ما مبانی تربیت است.

طرح این مبانی توانایی تحلیل و تبیین مدیران و معلمان را افزایش می‌دهد تا بتوانند روش‌های درست و مؤثری را انتخاب کنند. وقتی صحبت از مبانی پیش می‌آید، طبقه‌بندی‌های متعددی مطرح می‌شود که هر طبقه‌بندی نیز متأثر از عوامل گوناگون است. با پذیرش این فرضیه که بیشتر طبقه‌بندی‌ها قراردادی هستند و برای درک چرایی یک موضوع تنظیم شده‌اند، ما بحث



این بحث شامل همه‌ی مردم جامعه می‌شود، به‌طور حتم، می‌توان مدرسه را نقطه‌ی شروع علم‌باوری دانست. پژوهش‌های دانش‌آموزی اقدامی عملی برای شکل‌گیری این باور است.

### مبانی فلسفی پژوهش‌های دانش‌آموزی

فعالیت‌های تربیتی باید بر فلسفه‌ای روشن مبتنی باشد. در فلسفه‌ی تربیت، چرایی و اهداف تربیت تحلیل و تبیین می‌شود.

#### شعاری نژاد (۱۳۸۸) مسئله‌ی اصلی

آموزش‌وپرورش را داشتن یک فلسفه‌ی روشن در یک چارچوب اجتماعی معین می‌داند تا مشکلات را به‌صورت تحلیلی و انتقادی بررسی کند و به مسائل پاسخ دهد. فلسفه‌ی تربیت، دیگر یک موضوع لفظی نظری یا علمی نیست که به عده‌ی معینی اختصاص یابد بلکه عبارت است از عمل بررسی تجربه‌های تربیتی انسان از ابعاد گوناگون و ارزش‌ها و گرایش‌هایی که این تربیت در بردارد. وظایف مهم فلسفه‌ی جدید آموزش‌وپرورش عبارت‌اند از شناخت بهتر فرایند تربیت، مشاهده‌ی روابط، رفع تناقض‌ها، پیشنهاد خطوط تازه و طرح پرسش‌ها.

شکوهی (۱۳۸۵) معتقد است که فلسفه‌ی تربیت وظیفه‌ی خاص دیگری هم

کاربست مراحل روش علمی در مسائل زندگی، موجب تقویت نگرش هدفمند، منظم و منسجم در حل مسائل خواهد شد.

ورود مفاهیم علم و پژوهش به مدرسه، از زاویه‌ی روش علمی یا تفکر پژوهشی سودمند است. با چنین نگاهی، نه‌تنها علم به زندگی پیوند می‌خورد، بلکه روشی عقلانی برای اندیشیدن، جای‌گزین روش‌های احساسی و هیجانی خواهد شد.

### سوم: علم‌باوری

بیشتر مردم، علم را با دستاوردها و پدیده‌هایش می‌شناسند. علم برای مردم خوب است؛ چون باعث پیشرفت بشر شده و دستاوردهای شگفت‌آوری به ارمغان آورده است.

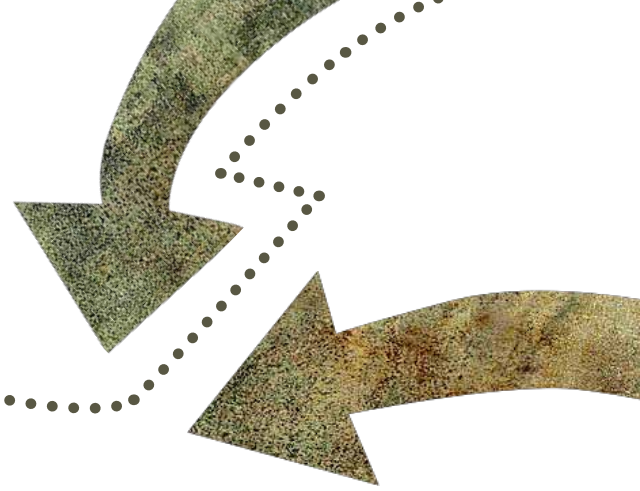
علم به مفهوم قدیم و سنتی آن، با علم به معنای روش علمی متفاوت است. تصور عمومی از علم، به مفهوم سنتی آن کسب دانش است و در نهایت به دستاوردهای علمی محدود می‌شود اما علم جدید، که مبتنی بر روش اندیشیدن است، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که «علم‌باوری» که به‌معنای شناخت علم نوین و روش تفکر آن است، به بهبود زندگی و پیشرفت‌ها کمک خواهد کرد. اگرچه دامنه‌ی

منسجم علم به مسائل، نه‌تنها باعث سرعت گرفتن پیشرفت بشر شده، بلکه مهم‌تر از آن، علم روش نوینی از اندیشیدن را به انسان عرضه کرده است. به تعبیر **هلزی هال**، روش نوینی که در خلال سده‌ی ۱۷ تحول یافت و با **نیوتن** به کمال رسید، در خدمت هدف تازه‌ای قرار گرفت و با آن هدف، از علم به تفکر سرایت کرده معمولاً کشفیات علمی از تجزیه و تحلیل انبوه عظیم داده‌های واقعی ناشی نمی‌شوند.

در «روش علمی» ترکیب دقیق مشاهده، فرضیه و روش منظم جمع‌آوری اطلاعات، امکان موفقیت را فراهم می‌آورد (آذرنگ، ۱۳۶۳).

«علم»، روشی متفاوت برای اندیشیدن است. روش علمی علاوه بر آن‌که در فعالیت‌های علمی کاربرد دارد، به‌عنوان روشی برای اندیشیدن، در زندگی روزمره و برای عموم مردم قابل استفاده است. روش علمی را می‌توان از کهکشان علم به پایین کشید و نور آن را بر مسائل جاری در خانه، مدرسه، کوچه و خیابان تاباند. زندگی سراسر حل مسئله است و روش علمی می‌تواند ابزار مناسبی در این مسیر باشد.

ما استفاده از روش علمی به‌عنوان ابزاری برای اندیشیدن راه «تفکر پژوهشی» نامیدیم.



دارد و آن اظهار نظر درباره‌ی غایات و اهداف تربیت است. وی درباره‌ی تعیین غایات و اهداف، تأکید می‌کند که تربیت فرایندی پیچیده، به هم پیوسته و درازمدت است و در این جریان، نباید از رابطه‌ی نظر و عمل غفلت کرد. بنابراین در کنار مقاصد تحلیلی و نظریه‌پردازانه، باید به ضرورت‌های عملی هم توجه شود و گرنه حاصل همه‌ی زحمات بر باد می‌رود.

به نظر می‌رسد اگر موضوع پژوهش‌های دانش‌آموزی به درستی درک و اجرا شود، می‌تواند یکی از نقاط تلاقی نظر و عمل باشد. اگر پژوهش‌های دانش‌آموزی مبتنی بر مبانی و اصول مستحکم باشد، گره‌گشای بسیاری از معضلات و مشکلات جریان تربیت خواهد بود.

از جمله انتظارات فلسفه‌ی جدید تربیت این است که:

- فعالیت تربیتی راهی برای کشف، تحلیل و تبیین حقایق و افکار تازه باشد؛  
- تربیت وسیله‌ای برای ایجاد هماهنگی میان فرد و محیط باشد؛  
- به مسائل تربیتی، مرتبط با هم و شبکه‌ای نگریسته شود؛  
- تربیت به وحدت تجارب انسان کمک کند؛

- از روش علمی به عنوان وسیله‌ای برای کسب تجارب معتبر استفاده شود؛

- ایجاد و گسترش تفکر خلاقانه و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد؛  
پژوهش‌های دانش‌آموزی، به همه‌ی این انتظارات و بیشتر از آن پاسخ می‌دهد.

## نگاه از درون

در اسنادی که در سال‌های اخیر وزارت آموزش و پرورش تهیه و تدوین کرده، موضوعاتی چون تعقل، تفکر، علم و عمل بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این اسناد بالادستی عبارت‌اند از:

• فلسفه‌ی تربیت (چارچوب نظری راهنمای سامان‌دهی و هدایت انواع تربیت در جمهوری اسلامی ایران)؛

• فلسفه‌ی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران؛

• سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛

• برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران؛

در ادامه به نکاتی از این اسناد اشاره می‌شود.

- ساحت‌های تعلیم و تربیت براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عبارت‌اند از: اعتقادی - عبادی و اخلاقی / اجتماعی و سیاسی / زیستی و بدنی / زیبایی‌شناختی و هنری / اقتصادی و حرفه‌ای / علمی و فناورانه.

- در تبیین اهداف ساحت تربیت علمی و فناورانه آمده است: درک و اصلاح خود از طریق شناخت، بهره‌گیری و توسعه‌ی تجارب متراکم بشری در حوزه‌ی علم و فناوری (فهم و درک دانش‌های پایه، کسب مهارت دانش‌افزایی، کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی، به‌کارگیری شیوه‌ی تفکر علمی و منطقی و داشتن تفکر انتقادی).

- در راهبردهای کلان، به گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و ارزش‌یابی، خلاقیت

و نوآوری، نظریه‌پردازی و مستندسازی تجربیات علمی - تربیتی بومی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی اشاره شده است.

- در راهکارهای مربوط به تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت آمده است: «ایجاد شبکه‌ای از محیط‌های یادگیری مانند پژوهش‌سراها، اردوگاه‌ها، خانه‌های فرهنگ، کتاب‌خانه‌های عمومی، نمایشگاه‌ها و موزه‌های تخصصی علوم و فناوری، مراکز کارآفرینی، ورزشگاه‌ها و سایر مراکز مشابه و برقراری تعامل اثربخش مدارس با این محیط‌ها».

- در مبحث رویکرد برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، الگوی هدف‌گذاری، چارچوب مفهومی منسجم و یک‌پارچه‌ای تعریف شده است که در تدوین اهداف در سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه‌ریزان قرار می‌گیرد. اهداف این مدل شامل پنج عنصر: «تعقل»، «ایمان»، «علم»، «عمل» و «اخلاق» و چهار عرصه‌ی ارتباط‌متری با خود، خدا، خلق و خلقت است.

## مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی پژوهش‌های دانش‌آموزی

در هرگونه فعالیت تربیتی هم موجودیت فردی و هم موجودیت اجتماعی انسان مورد توجه است. تربیت در صورتی مؤثر خواهد بود که فرد به درستی شناخته شود و عوامل اجتماعی مؤثر بر او هم شناسایی شود.

در مبانی روان‌شناختی تربیت، با سؤال‌های گوناگونی درباره‌ی فرد روبه‌رو هستیم؛ از جمله «چه‌گونه یاد می‌گیرد؟»، «چه چیزهایی باید

# یک جرعه آفتاب

سعیده اصلاحی

آموزگار دبستان شهیدمحراب مدنی، منطقه ۱۵ تهران

ماه که از نردبان شب بالا می‌آید و در آسمان غلت می‌زند، من از پشت پنجره برای خورشید پشت کوه لالایی می‌خوانم تا خوب بخوابد و خواب روزهای آفتابی را ببیند. وقتی شب با تمام ستاره‌هایش کش می‌آید، من فکر می‌کنم این ستاره‌ها، روزنه‌هایی به سمت هفت آسمان‌اند و از هر کدامشان می‌توان به بهشت رسید... دلم می‌خواست باد مرا مثل برگی به دوش می‌گرفت، به آسمان می‌برد و روی یکی از ستاره‌ها می‌گذاشت. آن وقت می‌شد دست یکی از فرشته‌ها را بگیرم و پر بکشم به سمت دنیایی که از این پایین هرگز نمی‌توان دید. راستی اگر روزی خورشید خواب بماند و ماه، حوصله‌اش در تاریکی سر برود یا اگر زمین از چرخیدن به دور خورشید سرگیجه بگیرد و در گوشه‌ای از آسمان بی‌حرکت بماند، چه به روز زمینیان خواهد آمد؟... شاید زمان از دست ساعت‌های دنیا در برود، همه چیز وارونه شود و زندگی بالاتکلیف بماند... آن وقت، همه، همه چیز را فراموش خواهند کرد؛ گل‌های شب‌بو، ساعات عطرافشانی‌شان را... خروس‌های دهکده، آواز صبحگاهی‌شان را و کودکان، لبخند و شادمانی‌شان را.

اما آفریدگار مهربان و مقتدر روز و شب، امکان قهر و آشتی را از ماه و خورشید گرفته است تا با نظمی بی‌نظیر و گردش در مدار معین خود، نشانه‌ای باشند بر اقتدار پروردگار یکتای خویش.

...خیالم را ورق می‌زنم و به صورت ماه که تمام پنجره را پر کرده است، خیره می‌شوم...

انگار فرشته‌ای با لپچه‌های کودکانه در گوشم زمزمه می‌کند:

«لَا الشَّمْسُ تَبْنَعِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»

نه خورشید را شاید که به ماه رسد و نه شب به روز سبقت گیرد و هر یک بر مدار معینی شناورند.

سوره‌ی یاسین، آیه‌ی ۴۰



تصویرگر: ر. شامکتبی

یاد بگیرد؟» و «با چه روش‌هایی می‌توان در او انگیزه ایجاد کرد؟»

پژوهش‌های دانش‌آموزی از مبانی روان‌شناختی مستحکمی برخوردار است؛ چراکه یادگیری مبتنی بر آن با نیازها، انتظارات و علایق فرد؛ هم‌جهت و سازگار است. دانش‌آموز یاد می‌گیرد که منسجم و منظم ببیند، چیزهایی را یاد بگیرد که خودش انتخاب کرده است و به دنبال علایق شخصی‌اش برود.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای پژوهش‌های دانش‌آموزی، بعد انگیزشی آن است. معلمان و مربیان همیشه به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که: «چرا دانش‌آموزان یادگیری مطالبی را دوست دارند و مطالبی را دوست ندارند؟»

پژوهش‌های دانش‌آموزی به‌ویژه وقتی که با مواد درسی تلفیق شوند، بیشتر به علایق دانش‌آموزان نزدیک می‌شود و انگیزه‌ی آنان به یادگیری را افزایش می‌دهد.

در بحث از مبانی جامعه‌شناختی می‌توان روی پژوهش‌های گروهی و مشارکتی انگشت گذاشت که منجر به تقویت حس همکاری بین دانش‌آموزان می‌شود. از طرف دیگر، تقویت مهارت اندیشه‌ی عقلانی و منطقی، روابط اجتماعی فرد را بهبود می‌بخشد و موقعیت مناسبی برای او در جامعه فراهم می‌کند.

## منابع

۱. شکوهی، غلام‌حسین؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد؛ به‌نشر، چاپ بیست‌وهفتم، ۱۳۸۵.
۲. هازی‌هال، لوئیس ویلیام؛ تاریخ و فلسفه‌ی علم. مترجم: عبدالحسین آذرنگ، تهران؛ سروش، ۱۳۶۳.
۳. شسعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ فلسفه‌ی جدید تربیت، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸.



ابراهیم اصلانی

تکنه‌هایی  
که خوب است  
درباره‌ی پارک  
فناوری بدانید

گزارش

# هم علم؛ هم ثروت!

گشت‌و‌گذاری در پارک فناوری پردیس

اشاره

«علم بهتر است یا ثروت»؛ موضوعی که در ایام مدرسه باید برای آن انشای نوشتیم و البته باید علم را مدح و ثروت را ذم می‌کردیم! نمی‌دانیم تقابل علم و ثروت از کجا شروع شده، ولی در دنیای امروز این نوع اندیشه تغییر کرده است. از علم هم می‌توان به ثروت رسید، به شرطی که راه و رسم آن را بلد باشی! یکی از ایده‌های تجاری‌سازی علم، راه‌اندازی مراکز رشد و پارک‌های فناوری است. چندی پیش گروهی از سردبیران و نویسندگان مجلات رشد فرصتی یافتند تا از پارک فناوری پردیس بازدید کنند. گزارشی مختصر از این گشت و گذار علمی و تجاری را می‌خوانید.

## بهشت فناوری

در ۲۰ کیلومتری شمال شرق تهران به مکانی می‌رسیم که در آن ۱۲۸ شرکت فنی و مهندسی فعالیت دارند، شرکت‌های بزرگ و کوچکی که پارک فناوری پردیس را جایی مناسب برای بروز خلاقیت و کارآفرینی می‌دانند.

این پارک شامل چند فاز است که در حال حاضر فاز یک آن به مساحت ۲۰ هکتار با نام «پردیس نوآوری» دایر و فاز دوم در مساحت ۱۸ هکتار با نام «پردیس دانش» در حال ساخت و آماده‌سازی است.

افق توسعه‌ی پارک ۱۰۰۰ هکتار بوده و امکانات بیشتری برای جذب شرکت‌های دانش‌بنیان فراهم خواهد کرد.

سابقه‌ی شکل‌گیری پارک به سال ۱۳۷۹ بازمی‌گردد و از سال ۱۳۸۴ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرده است.

پارک فناوری پردیس مأموریت دارد با تشویق و حمایت مراکز فناور، آن‌ها را در توسعه‌ی فناوری و رقابت مؤثر در بازار جهانی یاری کند. اهداف عمده‌ی پارک عبارت‌اند از: - تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌ها و تحقق ارتباط صنعت و دانشگاه؛

- کمک به ایجاد و حمایت از مؤسسات و

شرکت‌های پژوهشی و مهندسی نوپا؛

- ایجاد محیطی برای شناسایی و ارائه‌ی توانمندی‌های تکنولوژی کشور.

## پارک فناوری چیست؟

در تجاری‌سازی علم، در یک سر زنجیره، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و در سر دیگر صنعت قرار دارد.

→ مرکز رشد → دانشگاه و مراکز علمی

شهرک صنعتی (تولید انبوه) → پارک فناوری

مراکز رشد با هدف جبران خطر ایجاد

شرکت‌های نوپا ایجاد می‌شوند. این مراکز برای تبدیل ایده‌ی اولیه طراحی شده و از امکانات محدودتری برخوردارند.

پارک فناوری مکانی با کارکرد اقتصادی است که فعالیت اصلی بیشتر سازمان‌های موجود در آن پژوهش و توسعه‌ی صنعتی است. وظیفه‌ی عمده‌ی این پارک‌ها، کاهش هزینه‌ها و کاغذبازی اداری، توانمندسازی شرکت‌های دانش‌بنیان و آمادگی برای ورود به بازارهای ملی و جهانی است.

بیش از ۲۰۰۰ پارک فناوری و ۵۰۰۰ مرکز رشد در جهان وجود دارد. اولین پارک فناوری در سال ۱۹۵۲ م و اولین مرکز رشد در

سال ۱۹۵۹ در امریکا تأسیس شده‌اند.

به شرکت‌های تجاری که مبنای آن‌ها پژوهش و توسعه است، شرکت‌های دانش‌بنیان گفته می‌شود. مراکز رشد و پارک‌های فناوری، هر کدام در حد خود از شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت می‌کنند. پارک‌های فناوری در فضایی بیشتر و با خدمات تخصصی مانند مشاوره، انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری این حمایت را انجام می‌دهند.

در پارک فناوری پردیس، ۳ نوع شرکت حضور دارند:

- شرکت‌های نوپا (مرکز رشد فناوری خبگان)؛
- شرکت‌های کوچک و متوسط نوع اول (مرکز فناوری سراج)؛
- شرکت‌های کوچک و متوسط نوع دوم (اراضی پارک).

## از فقه تا صنعت

ما از ۵ شرکت با کارکردهای متفاوت بازدید کردیم؛

### • مؤسسه‌ی صدای بهار

این مؤسسه از طریق چند پایگاه اینترنتی، فعالیت‌هایی را در زمینه‌ی آموزش‌های حوزوی انجام می‌دهد. مؤسسه تولیدکننده‌ی



به وسیله‌ی کاربران، جست‌وجو براساس کلیدواژه‌ها و استفاده از تصویر و فیلم وجود دارد. آموزش‌های سایت از سال سوم دبستان شروع می‌شود.

چپستا در متون باستان به معنای دانش است.

نشانی سایت: [www.chistaa.com](http://www.chistaa.com)

### • شرکت سراج

این شرکت تولیدکننده‌ی محصولات آموزشی با عنوان «فن‌آموز» است و تاکنون ۴۰ وسیله عرضه کرده است. این محصولات فضایی شاداب و جذاب در جریان آموزش فراهم می‌سازند.

این شرکت ۱۸ مرکز در کشور دارد و پارک فن‌آموز را در ایستگاه متروی شهیدبهبشتی تهران مستقر کرده است. تعدادی از وسایل مجموعه‌ی فن‌آموز در نمایشگاه پارک فناوری پردیس قابل مشاهده بود.

### • نمایشگاه پارک

میلاد توصیفیان، مسئول روابط عمومی پارک با آن‌که کارشناس ارشد متالوژی است، اما درباره‌ی همه‌ی محصولات

در دسترس است و می‌توان از طریق آن به پرسش و پاسخ دینی به‌صورت زنده (گفت‌وگوی اینترنتی) یا با استفاده از تلفن همراه پرداخت.

### • مؤسسه‌ی همکاران رایا

#### • ویراندیش

این مؤسسه با شعار پیش به سوی آگاهی، یک بانک اطلاع‌رسانی آموزشی به‌عنوان حلقه‌ای رابط میان ارائه‌کنندگان خدمات آموزشی، راه‌اندازی کرده است.

در پایگاه اطلاع‌رسانی این مؤسسه ۱۶ نوع خدمات آموزشی در زمینه‌هایی مانند رایانه و اینترنت، مدیریت، علوم، دین و مذهب، زبان‌های خارجی، کودک و نوجوان، ورزش و سرگرمی و غیره دیده می‌شود. مؤسسه از ۲ سال پیش کار پژوهش و توسعه را انجام می‌دهد و نسخه‌ی تجاری بانک اطلاع‌رسانی از پاییز ۹۱ در اختیار همگان قرار گرفته است.

به نشانی: [www.boobe.com](http://www.boobe.com) (بوبه، به معنای هدهد یا پوپک)

### • شرکت صنعت کاران الکترونیک

احسان بهروزی مخترع جوانی است که برای تبدیل علم به عمل، پارک فناوری پردیس را انتخاب کرده است. او تولیدکننده‌ی انواع دستگاه‌های الکترونیکی در زمینه‌ی نفت و گاز است و تنوع کارهایش چشم‌گیر است.

### • شرکت رافع

شرکت رافع (رشد آموزش فناوران علوم) عضو مرکز توسعه‌ی فناوری نخبگان پارک پردیس است که سایتی با نام «چپستا» برای آموزش علوم پایه دارد. در حال حاضر، فعالیت این سایت بر رشته‌ی فیزیک متمرکز است و رویکردی تعاملی را در آموزش دنبال می‌کند. در سایت امکاناتی چون دستیابی به محتوای آموزشی براساس سال تحصیلی، امکان به اشتراک گذاشتن محتوای آموزشی

نرم‌افزارهای انتقال گفتار از طریق اینترنت به‌صورت زنده (VOIP) است و از سال ۸۵ کارش را شروع کرده است.

به گفته‌ی جواد جوادی‌مقدم، مدیرعامل مؤسسه صدای بهار، علاوه بر تیم ۸ نفره در پارک فناوری پردیس، نزدیک به ۵۰ نفر نیز در حوزه‌های علمی با مؤسسه همکاری می‌کنند.

### • مدرسه‌ی فقاقت

با هدف ارتباط عالمان با عالمان، دروس حوزه‌های نجف، قم، مشهد، لبنان و افغانستان را به‌صورت زنده پخش صوتی می‌کند. متن دروس نیز حداکثر تا ۲۴ ساعت بعد روی اینترنت قرار می‌گیرد. سایت با نشانی [www.eshia.ir](http://www.eshia.ir) دارای آرشیو صوت و متن و امکان جست‌وجو است.

در سایت می‌توان از دروس بزرگان معاصر چون: امام خمینی (ره)، آیت‌الله خویی و آیت‌الله بهجت استفاده کرد. استادان حوزه‌ی علمی قم مانند حضرات آیات: مکارم‌شیرازی، سبحانی، جوادی‌آملی، نوری‌همدانی و شبیری‌زنجانی به‌همراه اساتید شاخص در این حوزه و حوزه‌های علمی معروف دیگر، حضوری فعال در سایت دارند.

### • ویکی‌فقه

دانشنامه‌ای حوزوی است که به‌صورت دیجیتالی امکان دسترسی به دروس و پیوند میان مطالب را فراهم می‌سازد.

نشانی ویکی‌فقه: [www.wikifegh.ir](http://www.wikifegh.ir)

### • کتاب‌خانه‌ی مدرسه‌ی فقاقت

کتاب‌خانه‌ای رایگان برای مستند کردن مقاله‌هاست و امکانات متنوعی مانند جست‌وجو براساس نام کتاب و نویسنده، نمایش صفحه به صفحه و جست‌وجوی پیشرفته دارد. نشانی آن عبارت است از: [lib.ishia.ir](http://lib.ishia.ir)

### • ارتباط شیعی

امکانی برای ارتباط مردم با عالمان است. این امکان از طریق سایت مدرسه‌ی فقاقت

نقش واسطه‌های برای رساندن اطلاعات فناوری به عرضه‌کنندگان، متقاضیان، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران را دارند. فن‌بازار ملی ایران، تنها مرجع اطلاعات فناوری کشور که به تجاری‌سازی دانش فنی و مبادله‌ی آن کمک می‌کند، بخشی از پارک فناوری پردیس است. این فن‌بازار مشتمل بر ۳ بخش مجازی، فیزیکی و پشتیبانی است.

### مهندسان خوش اخلاق!

رفتار صمیمانه و دوستانه‌ی مسئولان پارک و مدیران شرکت‌ها موجب ماندگاری بیشتر خاطره‌ی بازدید با پارک فناوری پردیس شد.

بازدید با جلسه‌ی پایانی و توضیحاتی درباره‌ی موقعیت، امکانات و خدمات پارک به پایان رسید. در این فضای گرم، امکان همکاری‌های متقابل میان پارک فناوری پردیس و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به گفت‌وگو و تبادل نظر گذاشته شد.

از همراهی و تلاش‌های مسئولان پارک تشکر می‌کنیم، به‌ویژه از:

- مهدی صفاری‌نیاز / رییس پارک؛

- علیرضا سبحانی / مشاور رییس؛

امین‌رضا خالقیان / مدیر ارتباطات و

بین‌الملل.

### برای اطلاعات بیشتر

پایگاه‌های اینترنتی پارک

[www.techpark.ir](http://www.techpark.ir)

[www.techmart.ir](http://www.techmart.ir)

[www.techforum.ir](http://www.techforum.ir)

[www.techlab.ir](http://www.techlab.ir)

[www.techfund.ir](http://www.techfund.ir)

[www.techVC.ir](http://www.techVC.ir)

پارک، توضیحات مبسوطی ارائه می‌دهد. در نمایشگاه محصولات متنوعی در زمینه‌های خدمات آموزشی، صنایع پزشکی، الکترونیکی، بیوتکنولوژی، نانو، فیزیک و غیره به نمایش درآمده است.

در قسمت خدمات آموزشی، بیشتر محصولات متعلق به مجموعه‌ی فن‌آموز است که قصد دارند مفاهیم علمی را به‌صورت ساده و جذاب نشان دهند، از جمله «چنگ لیزری»، «مولد برق دستی» (برای نشان دادن تفاوت لامپ رشته‌ای با لامپ کم‌مصرف)، «آینه‌های مقعر و محدب»، «تفنگ لیزری»، «مولد برق فشار قوی» و ...

در قسمت بیوتکنولوژی، نوعی کود گیاهی به نمایش گذاشته شده است که یک بسته‌ی ۱۵۰ گرمی آن برای ۱۰۰ درخت کافی است. انسیتو پاستور هم کیت تشخیص بیماری ایدز را عرضه کرده است. از محصولات قسمت الکترونیکی، نسل جدید دستگاه کنترل سرعت و دستگاه اسکن اثر انگشت و سایر اعضای بدن جلب نظر می‌کند. در قسمت نانو هم فیلتر یخچال نانوایی عرضه شده که تا چند هفته به حفظ کیفیت و تازگی مواد غذایی کمک می‌کند.

### فن‌بازار

همان‌طور که بازار مسکن، محل مبادله‌ی مسکن است، در بازار فناوری نیز فن‌بازارها





# دو داستان فلسفی

زری آقاجانی

## اشاره

در شماره‌ی سوم مجله درباره‌ی داستان‌های فلسفی سخن گفتیم و قول دادیم نمونه‌هایی از این گونه داستان‌ها، را برای آگاهی خوانندگان گرامی عرضه کنیم. در این شماره دو داستان و در شماره‌ی بعد - که آخرین سری از این مجموعه است - با درج یک داستان فلسفی دیگر، چه‌گونه‌ی تحلیل داستان‌ها را پی خواهیم گرفت.

## داستان اول: شیر و موش

روزی یک موش از روی شیری که خوابیده بود، رد شد. شیر با عصبانیت بیدار شد و موش را در پنجه‌ی خود گرفت و می‌خواست که او را بکشد. موش با التماس به شیر گفت: «اگر به من رحم کنی، مهربانی تو را جبران می‌کنم.» شیر خندید و موش را آزاد کرد. چندین روز گذشت تا این که یک روز، شیر در دام شکارچیان افتاد. او که با ریسمان به زمین بسته شده بود، فریاد می‌زد و کمک می‌خواست. موش صدای غرش شیر را شنید. خود را به او رساند، با دندان‌هایش ریسمان‌ها را پاره کرد و شیر را نجات داد. بعد به شیر گفت: «وقتی که گفتم مهربانی تو را جبران خواهم کرد به من خندیدی؛ چون فکر نمی‌کردی بتوانم روزی به تو کمک کنم. اکنون دیدی که یک موش هم می‌تواند به شیر یاری برساند!»

(برگرفته از کتاب **فلسفه در کلاس درس**، مترجم: حسن سالاری، نشر ایماژ، ۱۳۸۸).



تصویرگر: لیدامعتمد

## فکر کنید و بحث کنید

در این جا پرسش‌های دیگری درباره‌ی محبت کردن طرح می‌کنیم.

- معنی محبت چیست؟
- چرا آدم‌ها به یکدیگر محبت می‌کنند؟
- هنگامی که به کسی محبت می‌کنیم، آیا انتظار جبران داریم؟
- به چه کسانی باید محبت بکنیم؟
- آیا همان‌طور که به دوستانمان محبت می‌کنیم، به غریبه‌ها نیز باید محبت کنیم؟
- آیا یک نفر می‌تواند به همه‌ی مردم محبت کند؟
- آیا محبت کردن، برای محبت‌کننده فایده‌ای هم دارد؟
- آیا محبت‌ها را همیشه باید جبران کرد؟
- آیا فقط انسان‌ها به یکدیگر محبت می‌کنند یا جانوران نیز چنین هستند؟
- آیا فقط به کسانی که از ما بخواهند، محبت می‌کنیم؟
- آیا کسانی هستند که نمی‌خواهند به آن‌ها محبت شود؟

۱. به نظر شما چرا شیر به موش خندید؟
  ۲. آیا شیر خودش را از موش برتر می‌دانست؟ چرا چنین فکر می‌کرد؟
  ۳. به نظر شما شیر مهربان بود یا خودپسند؟
  ۴. چرا موش به قول خودش عمل کرد؟
  ۵. چرا موش جان شیر را نجات داد؟
  ۶. آیا تا به حال شنیده‌اید که حیوانی کوچک جان حیوان بزرگ‌تری را نجات داده باشد؟
  ۷. آیا در دنیای ما آدم‌ها هم بچه‌ها می‌توانند برای بزرگ‌ترها دوستان مناسبی باشند؟
  ۸. آیا جانوران می‌توانند با آدم‌ها دوست شوند؟
  ۹. آیا می‌دانید که چه‌طور می‌شود کمک آدم‌ها را جبران کرد؟
- در داستان شیر و موش، موش گذشت و محبت شیر را جبران کرد.

# داستان فلسفی

## داستان دوم: خورشید توی آسمان و خورشید توی دل من است

مادر گفت: «هر وقت اذان بگویند. حالا برو بازی کن! بیا! این کلوچه را هم بگیر و بخور شاید صبرت زیاد بشود.»  
غزاله کلوچه را گرفت و گفت: «پس من تلویزیون را روشن می‌گذارم تا صدای اذان را بشنوم.»



غزاله به طرف آشپزخانه دوید و به مادرش گفت: «مادر! من گرسنه‌ام.»

مادر گفت: «هنوز که ظهر نشده!»

غزاله گفت: «چرا! شده.»

مادر گفت: «به! کو تا ظهر! الان هنوز ظهر نیست،

مادر جان!»

غزاله گفت: «پس چرا من گرسنه شده‌ام؟»

مادر گفت: «هر وقت تو گرسنه بشوی که ظهر

نمی‌شود!»

غزاله پرسید: «پس کی ظهر می‌شود؟»

مادر جواب داد: «هر وقت بابا بیاید.»

غزاله گفت: «بابا کی می‌آید؟»

مادر گفت: «گفتم هر وقت ظهر بشود! تو هم

حالا برو دنبال بازی‌ات، هر وقت ظهر شد، خبرت

می‌کنم.»

غزاله آمد و دست کمند را گرفت و با هم رفتند

خرید. از میوه‌فروشی انگور و سیب خریدند. از فروشگاه

مواد غذایی پنیر و کره و مربا و از نانوايي نان خریدند.

از سبزی‌فروشی کاهو و تربچه خریدند و می‌خواستند

بروند و یک جفت جوراب هم برای کمند بخرند که

زنگ در خانه به صدا درآمد.

غزاله بازی را رها کرد و به طرف در دوید. پدرش بود. غزاله با

شادی فریاد زد: «سلام بابا!»

پدر لبخندی زد و گفت: «سلام عزیزم!»

غزاله دست پدر را گرفت و کشید: «می‌آیی داستان عمونوروز را

برایم بگویی؟»

پدر دوباره لبخندی زد و گفت: «فعالاً که حالم خوب نیست؛ باید

بخوابم بابا جان. الان وقت عمونوروز نیست.»

مادر، پدر را که دید با تعجب پرسید: «چه زود آمدی!»

پدر گفت: «حالم خوب نبود، آدمم استراحت کنم.»

پدر رفت که استراحت کند. غزاله به مادر گفت: «حالا ناهارم را

می‌دهی؟»

مادر گفت: «مادر جان! گفتم که، هنوز ظهر نشده.»

غزاله گفت: «مگر نگفتمی بابا که بیاید ظهر می‌شود؟»

مادر گفت: «آخه بابا امروز زود آمد. دیدی که حالش خوب نبود.»

غزاله گفت: «خودت گفتی بابا که بیاید...»

مادر گفت: «بله خانم، اما می‌بینی که بابا حالش خوب نیست، برای

همین هم آمده. هر وقت بابا وارد خانه شد که ظهر نمی‌شود!»

غزاله با ناراحتی گفت: «آخ...! پس کی ظهر می‌شود؟»

مادر گفت: «اما صدایش را کم کن که بابا بیدار نشود.»

غزاله شد معلم و کمند شد شاگرد. کمند «یک توپ دارم قل‌قلیه»

را خواند: «پایزه، پایزه» را خواند: «عروسک قشنگ من قرمز پوشیده»

را خواند: «بارون میاد جرجر» را داشت می‌خواند که صدای اذان بلند

شد. غزاله دوید و اول به تلویزیون نگاه کرد. بعد دوید طرف مادرش:

«مادر! اذان! دارند اذان می‌گویند!»

مادر با تعجب نگاهی به ساعت انداخت و گفت: «اذان! حالا؟»

غزاله گفت: «بله! ظهر شد...»

مادر آمد و به تلویزیون نگاه کرد و خندید. خم شد و غزاله را بوسید

و گفت: «دختر گلم! ببین! این یک نمایش است. یک داستان است.

توی این داستان دارند اذان می‌گویند. توی این داستان ظهر شده، نه

این‌جا!»

غزاله با ناراحتی گفت: «وای...! خودت گفتی هر وقت اذان بگویند

ظهر است.»

مادر گفت: «بله خودم گفتم. اما توی زندگی واقعی، نه توی

داستان.»

غزاله گفت: «کاش ما هم توی داستان بودیم!»

مادر دست غزاله را گرفت و او را برد جلوی ساعت و گفت: «به

این ساعت نگاه کن! هر وقت این دو تا عقربه همین طور بچرخند و بچرخند تا برسند به دوازده، یعنی هر دو برسند این جا، روی هم، آن وقت ظهر است. درست شد؟... حالا بیا یک کم میوه ببر و بخور شاید دلت آرام بگیرد.»

مهمان بازی شروع شد. غزاله رفت خانه‌ی کمند و آن جا میوه خوردند. کمند آمد خانه‌ی غزاله و آن جا هم میوه خوردند. کمند شد بچه و غزاله مادر. با هم رفتند خانه‌ی خاله‌ی کمند. آن جا هم میوه خوردند... اما عقربه‌های ساعت به دوازده نرسیدند. میوه‌ها تمام شد اما ظهر نشد. غزاله گفت: «کمند! مگر عقربه‌های ساعت نباید هر دو به دوازده برسند تا ظهر شود؟»

کمند گفت: «چرا.»  
غزاله گفت: «پس چرا این قدر آرام آرام راه می‌روند؟»  
کمند گفت: «آخه آن‌ها که گرسنه نیستند.»  
غزاله گفت: «خب ما که گرسنه‌ایم.»  
کمند گفت: «پس باید عقربه‌ها را هل بدهیم که تندتر بچرخند!»  
چه فکر خوبی!... و این طوری شد که عقربه‌های ساعت به سرعت حرکت کردند و هر دو روی دوازده قرار گرفتند. غزاله باز هم مادر را صدا کرد: «مادر! ظهر شد!»

مادر به ساعت روی میز نگاه کرد: «راست می‌گویی؟»  
و بعد به ساعت دیواری چشم دوخت و گفت: «صبر کن ببینم!... خودت عقربه‌ها را چرخاندی؟»

غزاله گفت: «من نه! کمند چرخاند. حالا مگر فرقی می‌کند؟ مگر خودت نگفتی هر وقت عقربه‌ها برسند این جا ظهر است؟ خب حالا رسیده‌اند!»

مادر اول لبخند زد. بعد کمی فکر کرد. بعد دست غزاله را گرفت و آورد کنار پنجره؛ خورشید را نشان داد و گفت: «ببین! الان خورشید کجاست؟»

غزاله خورشید را نشان داد و گفت: «این جا.»  
مادر گفت: «آفرین! حالا بگو ببینم وسط آسمان کجاست؟»  
غزاله وسط آسمان را نشان داد و گفت: «این جا.»  
مادر گفت: «هر وقت آمدی و نگاه کردی و دیدی خورشید وسط آسمان است، ظهر شده؛ خوب؟»

و بعد مادر رفت و مشغول کارهایش شد. همه چیز داشت آماده می‌شد. پدر آرام چشم‌هایش را باز کرد. حالش بهتر شده بود. از اتاقی که غزاله در آن بازی می‌کرد، هیچ صدایی نمی‌آمد. پدر برخاست و آرام به طرف اتاق رفت. غزاله خوابش برده بود. در حال نقاشی کشیدن، خوابش برده بود. کمند توی بغلش بود و مدادش هم توی دستش. پدر به نقاشی او نگاه کرد و آرام لبخند زد. آمد و کنار دخترش نشست. دستی به موهایش کشید.

یک گل همیشه‌بهار را که غزاله چیده بود، برداشت و به موهای سیاه غزاله زد. سبب سرخی را که آن جا بود برداشت؛ آن را دو نیمه کرد.

یک نیمه‌ی آن را خورد و یک نیمه را باقی گذاشت. بعد گونه‌ی غزاله را بوسید. برخاست و آرام از اتاق بیرون آمد و به مادر گفت: «این دختر، گرسنه خوابش برده.»

مادر برگشت و با اندوه و پشیمانی به پدر نگاه کرد و گفت: «از این به بعد باید ساعت ده که شد یک چیزی بدهم بخورد... پس کی می‌شود به این بچه‌ها نظم را یاد داد؟»

مادر آمد و به غزاله نگاه کرد. نقاشی او را دید. اشک توی چشم‌هایش جمع شد. برگشت و به سرعت سفره را چید. همه چیز آماده شد. غزاله را صدا زد. پدر، مادر و غزاله دور سفره نشستند و غذایشان را خوردند. وقتی غذا تمام شد، مادر گفت: «حالا دل دختر من پر شد؟»

غزاله خندید. آمد توی بغل مادرش نشست و توی گوش او گفت: «اگر چیزی بگویم، دعوایم نمی‌کنی؟»

مادر با تعجب نگاهش کرد و گفت: «چی؟»  
غزاله گفت: «تو بگو دعوایم نمی‌کنی.»  
مادر گفت: «حالا بگو ببینم چی هست؟»

غزاله گفت: «من خودم را به خواب زده بودم. واقعاً خواب نبودم...»  
مادر لبخندی زد و گفت: «عجب!»

غزاله گفت: «خب خورشید را که به زور نمی‌شد بیاورم وسط آسمان.»

مادر باز هم لبخندی زد و گفت: «گرسنگی را هم که نمی‌شود کاریش کرد...!»

و بعد او را بوسید و گفت: «از این به بعد وقتی گرسنه شدی، حتماً یک چیزی می‌دهم بخوری، اما یادت باشد که ظهر واقعی...»

غزاله گفت: «همان وقتی است که خورشید وسط آسمان است.»  
مادر گفت: «اما چه کار کنم با خورشید توی دل تو که خیلی زودتر می‌رسد وسط آسمان...!»

غزاله گفت: «خورشید توی آسمان خیلی دیر می‌رسد وسط آسمان.»

پدر گفت: «پس اگر تو جای پیرزن داستان عمونوروز بودی، چه کار می‌کردی؟»

غزاله گفت: «برای چی چه کار می‌کردم؟»  
پدر گفت: «پیرزنه این همه سال صبر کرده تا موفق به دیدن عمونوروز بشود، حالا تو یک ساعت نمی‌توانی صبر کنی تا ظهر از راه برسد؟ اگر جای او بودی...»

غزاله گفت: «اگر پیرزن و عمونوروز به هم برسند، دنیا تمام می‌شود اما اگر من زودتر ناهار بخورم که دنیا تمام نمی‌شود!»

پدر خندید و گفت: «امان از آن خورشید توی دل تو...!»  
غزاله هم خندید و با دست به پنجره اشاره کرد و گفت: «تخیر! امان از خورشید توی آسمان!»

(برگرفته از سری کتاب‌های **داستان‌های فکری** نوشته‌ی دکتر مرتضی خسروزاده، به‌نشر، ۱۳۸۳).

# یادگیری سریع

مترجم: نسرین امامی زاده

مشاور آموزشگاه فرزنانگان، مشکین شهر

تمرین سبک‌های یادگیری ترجیحی‌شان داده شود.

به جای تمرکز روی یک برنامه‌ی یادگیری و نتیجه‌مدار بودن، آموزش یادگیری سریع، به سبک‌های گوناگون توجه دارد، یادگیرنده‌محور است و با فراهم ساختن فرصت‌های یادگیری جدید، تغییر راهبردهای آموزشی، حمایت از فرایند یادگیری، شرایط یادگیری را مساعد می‌کند.

## \* یادگیری زمینه‌ای

مطالعه‌ی فرایند یادگیری نشان می‌دهد که حرکت از کل به جزء، روند یادگیری را بهتر و فهم مطالب را آسان‌تر می‌کند. مطالعه از کل به جزء با مشخص کردن روابط جزء با کل، باعث افزایش قدرت تحلیل فراگیرندگان و یادگیری معنی‌دار می‌شود.

در واقع اجزا به تنهایی معنا و مفهوم ندارند و وقتی در یک طرح و زمینه قرار گیرند، معنا پیدا می‌کنند. حقایق و مهارت‌های آموخته شده به تنهایی، سخت جذب می‌شوند و به سرعت از بین می‌روند. بهترین یادگیری با عمل در فرایندی مداوم از «جهان واقعی»، غوطه‌ور شدن در آن، بازخورد، انعکاس، ارزیابی و دوباره غوطه‌ور شدن است.

## \* یادگیری سریع هدفمند است

از آن‌جا که کلیه‌ی افعال، رفتار و کنش‌های انسان هدفمند است، محیط یادگیری سریع باید فعالانه فرایند درک و دریافت شفاف و روشن از هدف‌های یادگیری

خود ایجاد می‌کند و این امر منجر به افزایش ظرفیت یادگیری می‌شود.

## \* درگیری همه‌ی فراگیرندگان در آموزش

افراد زمانی بهتر یاد می‌گیرند که کامل و به‌طور فعال، درگیر در یادگیری باشند و مسئولیت کامل یادگیری خود را برعهده گیرند. یادگیری یک ورزش پر تماشاچی نیست بلکه مشارکت است. دانش چیزی نیست که یادگیرنده منفعلانه آن را جذب کند بلکه چیزی است که او در صورت فعال بودن خلق می‌کند. بنابراین، یادگیری سریع به جای موضوع‌مدار بودن، بیشتر گرایش به فعالیت‌های فراگیرنده دارد و مبتنی بر اوست.

## \* تشریک مساعی در میان فراگیرندگان

افراد به‌طور کلی در محیطی که آن‌جا همکاری و مشارکت باشد، بهتر یاد می‌گیرند. همه‌ی یادگیری‌های خوب گرایش به سوی اجتماعی بودن دارند. در حالی که یادگیری سنتی بر رقابت بین افراد تأکید دارد، یادگیری سریع بر همکاری و مشارکت میان فراگیرندگان در دنیای یادگیری تأکید دارد.

## \* تنوع در بهره‌گیری از تمام سبک‌های یادگیری

افراد زمانی بهتر یاد می‌گیرند که غنی از گزینه‌های متنوع یادگیری باشند؛ به این ترتیب که به آن‌ها فرصت استفاده از تمام حواس و

یادگیری سریع، پیشرفته‌ترین روش تدریس و یادگیری در دنیای امروز است. این کل یک سیستم، برای تسریع و ارتقای فرایند طراحی و یادگیری است. طبق آخرین تحقیقات از مغز، اثربخشی این نوع یادگیری، بارها ثابت شده است؛ ضمن این‌که این فرایند از نظر وقت و هزینه مقرون به‌صرفه است.

بسیاری از سازمان‌های پیش‌رو و مؤسسات آموزشی با بهره‌گیری از قدرت یادگیری سریع، پیش می‌روند. آن‌چه باعث تأثیر زیاد یادگیری سریع می‌شود، این است که در موقعیت‌های طبیعی زندگی اتفاق می‌افتد.

یادگیری سریع، ظرفیت‌هایی را در ما برای یادگیری سریع فعال می‌سازد که اغلب با روش‌های سنتی و مرسوم یادگیری، غیرفعال مانده‌اند. یادگیری سریع با درگیر کردن همه‌ی افراد و با استفاده از فعالیت بدنی، خلاقیت، موسیقی، تصاویر، رنگ و دیگر روش‌های طراحی شده، همه را در یادگیری درگیر می‌سازد.

مطابق یادگیری سریع، افراد برای برخورداری از یادگیری درست، به یک محیط آموزشی مطلوب به این شرح نیاز دارند.

## \* محیط مثبت یادگیری

افراد در یک محیط مثبت فیزیکی، عاطفی و اجتماعی، که از آرامش و انگیزش کافی برخوردار است، بهتر یاد می‌گیرند. حس یک پارچگی، ایمنی، علاقه و لذت‌بردن برای بهینه‌سازی یادگیری انسان ضروری است. در چنین محیطی مغز، ارتباطات جدیدی در



به‌وسیله‌ی فراگیرندگان را در نظر بگیرد.

### اصول راهبردی آموزش سریع ۱. یادگیری تمام ذهن و بدن را درگیر می‌کند.

یادگیری سریع فقط یادگیری مرسوم (توالی نظام اندیشه، منطق، یادگیری «چپ مغز»، قدرت تکلم) نیست، بلکه کل بدن - ذهن را با تمام احساسات، حواس و گیرنده‌ها شامل می‌شود.

۲. یادگیری آفریدن است نه مصرف. دانش چیزی نیست که یادگیرنده جذب می‌کند، بلکه چیزی است که او خلق و بنا می‌کند. یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که یادگیرنده دانش و مهارت جدید را با ساختار موجود درون خود ادغام می‌کند. آموزش به معنای واقعی کلمه موضوع ایجاد معانی جدید، شبکه‌های عصبی جدید و الگوهای جدیدی از فعل و انفعالات الکتروشیمیایی مواد درون کل مغز (سیستم بدن) است.

۳. یادگیری همکارانه است. یادگیری از لحاظ ماهیت، فرایندی اجتماعی است. ما اغلب از طریق تعامل با هم‌سالان، بیشتر و بهتر یاد می‌گیریم. رقابت میان فراگیرندگان، یادگیری را کند می‌کند؛ در حالی که همکاری و تعامل بین آن‌ها یادگیری را سرعت می‌بخشد. یادگیری سریع، موهبت کار و تفکر گروهی و مشارکتی را فراهم می‌آورد.

### ۴. یادگیری به‌طور هم‌زمان سطوح گوناگونی را دربرمی‌گیرد.

یادگیری جذب چیز کوچک و اندک در یک زمان نیست، بلکه جذب بسیاری از چیزها در یک زمان است. یادگیری خوب به‌طور هم‌زمان افراد را در سطوح گوناگون (هوشیاری و فرا هوشیاری، ذهنی و جسمی) برمی‌انگیزد و با استفاده از تمام گیرنده‌ها، حس‌ها و مسیرهای آن، می‌تواند به کل سیستم مغز- بدن فرد بپردازد.

یادگیری باید فرصت‌هایی فراهم آورد تا فراگیرندگان محتوایی را بیاموزند که علاقه‌ها و مهارت‌های چندگانه‌ی مورد نیاز و استعدادهایشان را برانگیزاند.

### ۵. یادگیری عملی همراه با بازخوردهای به‌موقع

یادگیری هر چیزی همان اندازه میسر است که برپایه‌ی فعالیت‌های عملی باشد. به‌خاطر داشته باشید که کار با دیگران (کار گروهی) بسیار خوب است؛ زیرا یادگیری گروهی بسیار موفق‌تر از یادگیری عده‌ای از افراد است که امور را به صورت فردی و مستقل فرامی‌گیرند. ما شنا را با شنا کردن یاد می‌گیریم؛ همان‌طور که مدیریت را با مدیریت کردن کارها، آواز را با آواز خواندن، فروشندگی را با فروختن و خرید را با خرید کردن. سپس با این مثال‌ها، این جمله برایمان معنی پیدا می‌کند که «یادگیری هر چیزی به همان اندازه میسر است که بر پایه‌ی فعالیت‌های عملی باشد.» جریان یادگیری باید یادگیرندگان را درگیر پردازش آگاهانه و فعال

اطلاعات کند و آنان در تبادل نتایج حاصل از این فعالیت‌ها، مسئول و پاسخ‌گو باشند.

### ۶. احساسات مثبت تا حد زیادی یادگیری را بهبود می‌بخشد.

احساس، کیفیت و کمیت یادگیری فرد را معین می‌سازد. احساسات منفی از یادگیری جلوگیری می‌کنند و احساسات مثبت آن را سرعت می‌بخشند. یادگیری استرس‌زا، دردناک و دل‌تنگ‌کننده می‌تواند یادگیری را از حالت نشاط، آرامش و تعامل بازدارد.

### ۷. مغز اطلاعات تصویری را به‌طور خودکار و سریع جذب می‌کند.

سیستم عصبی انسان، تصویر را بهتر و سریع‌تر از واژه‌ها پردازش می‌کند. تصویرهای متنی نسبت به کلمات انتزاعی، بسیار آسان‌تر درک و حفظ می‌شوند. با تبدیل شدن کلام انتزاعی به تصاویر، شما سریع‌تر یاد می‌گیرید و راحت‌تر به‌خاطر می‌سپارید. گویایی و ماندگاری یک تصویر، بیش از صدها کلمه است؛ زیرا تصویرها تا مدت‌ها در ذهن می‌مانند اما اسامی و کلمات، اثر کمتری در ذهن می‌گذارند. برای تصویرسازی باید به‌طور کامل مطالب را در ذهن تجسم کرد و یک تصویر ماندگار از آن به‌وجود آورد.

پی‌نوشت

1. Accelerated learning

منبع

<http://www.alcenter.com/whatisal.html>

با همراهان

# ما هستیم، چون شما هستید و مجله‌ی خودتان را می‌خوانید

اشاره

در صفحه‌ی با همراهان، با مخاطبان مجله همراه می‌شویم. در این شماره نیز به پاره‌ای از نامه‌ها و نوشته‌هایی که به طریق پستی یا به‌وسیله‌ی رایانامه از خوانندگان محترم دریافت داشته‌ایم، اشاره‌هایی کرده‌ایم. هم‌چنین در این شماره طبق رویه‌ی چند شماره‌ی قبل، چند وبلاگ آموزشی معرفی شده است. برای تماس با ما از راه‌های ارتباطی و گوناگونی که در شناسنامه‌ی مجله نوشته شده است، بهره بگیرید.

\*\*\*

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت شد. به‌دلیل بالا بودن تعداد آثار دریافت شده از همکاران و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ آثار این افراد در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست. منتظر آثار دیگر این همراهان گرامی هستیم:

**معصومه روستایی** (آموزگار دبستان شاهد، بروجرد)، **به‌نوش بحرانی** (آموزگار دبستان مهدیه، داراب فارس)، **خیراله میرزاپور** (دبستان شهید رجایی، شوط آذربایجان غربی)، **غلامحسین ظفری** (فرهنگی شاغل در ناحیه‌ی ۱ اهواز)، **طوبی دلارامی ثانی** (مدیر دبستان دخترانه کشتیرانی، چابهار)، **معصومه رجب‌پور** (آموزگار کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، همدان)، **محبوبه گلشن** (ناحیه‌ی ۲، یزد)، **علیرضا حسن‌زاده طلوعی** (آموزگار دبستان اقبال آشتیانی، بابل)، **شعبان جیریایی** (کارشناس آموزشی، استان مرکزی)، **فاطمه فرمانی** (آموزگار پایه‌ی اول، قروه کردستان)، **محسن غفوریان** (مدرس مرکز تربیت معلم شهید بهشتی، تهران)، **سکینه شیخ‌پور** (کارشناس ارشد آموزش ابتدایی)، **نغمه فتاحی** (کارشناس آموزشی، کرمانشاه)، **بهرام مرادی** (دانشجوی دکتری تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی تهران)، **محسن فرمهبین فراهانی** (استادیار دانشگاه شاهد تهران)، **علی صادقی سیاح** (مدیر و مربی مرکز اختلالات یادگیری شهید مجیدی، کبودرآهنگ همدان)، **محمدحسین زمانی‌پور** (بازنشسته فرهنگی، نجف‌آباد اصفهان)، **مینا آردی** (فوق دیپلم آموزش ابتدایی، تبریز)، **مهین دخت قربانی** (فوق دیپلم، اردبیل)، **مریم آقایی** (دبیر زبان انگلیسی، تهران)، **فاطمه جلال‌پور** (فوق دیپلم آموزش ابتدایی، فلاورجان اصفهان)، **زهرا گیلوری** (کارشناس آموزشی، گرمسار سمنان)، **مژده طباطبایی** (؟) و **حسن‌رضا ترابی** (آموزگار دبستان سلم‌آباد خوسف، خراسان جنوبی).



وزارت آموزش پرورش

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
- رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

### مجله‌های بزرگسال اختصاصی

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر تکنولوژی و انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

## پاسخ به سؤالات مخاطبان

● **مهتاب میره‌کی**، سنج: گفته‌اید: «یک سی‌دی آموزشی برای ریاضیات سوم دبستان تهیه کرده‌ام، باید آن را به کجا ارائه دهم؟» همان‌طور که می‌دانید ریاضیات سوم دبستان، از مهرماه ۹۲ تغییر می‌کند، لذا اکنون هیچ نهادی روی انتشار سی‌دی شما سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. ولی برای تولید سی‌دی کتاب جدید التالیف می‌توانید با واحد تولید نرم‌افزارهای آموزشی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در خیابان سمنان تهران ارتباط برقرار کنید.

● **جعفر شاه‌نوری**، پرسیده‌اند: «چرا با وجود آن‌که مسابقه‌های «لذت مطالعه» و «تلنگری برای تفکر» از هم جدا بودند، برندگان مشترک نداشته‌اند؟» و بعد چنین نتیجه گرفته‌اند که: «به‌نظر می‌رسد کسانی که در مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر برنده شده‌اند، حتی به‌رغم مناسب بودن پاسخ‌هایشان، در مسابقه‌ی لذت مطالعه برنده نشده‌اند.» این پرسش و اعلام نظر را از این‌رو آوردیم که به حضور شما مخاطبان مجله اعلام کنیم چنین روندی در تصحیح پاسخ‌های مسابقه مدنظر نبوده و برگزیدگان هر مسابقه، منتخبان اصلی همان مسابقه هستند.

## سپاسی

● از آقای **آرش محمدزاده**، آموزگار دبستان نصر سنندج، که با علاقه‌ای وصف‌ناپذیر جدول کلمات متقاطع ۱۱ × ۱۱ را با طرح رشد و براساس اسامی کارکنان اصلی و نویسندگان رشد آموزش ابتدایی طرح و به دفتر مجله ارسال کرده‌اند، سپاس‌گزاری می‌کنیم. از این جدول هم به‌دلیل آن‌که درج جدول فعلاً جزو سیاست‌های مجله نیست و هم به خاطر آن‌که چاپ این جدول به نوعی، مطرح کردن اسم عوامل و نویسندگان رشد ابتدایی را در پی دارد، معذوریم.

\*\*\*



## تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

### برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه‌ی اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه‌ی سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه‌ی اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد: .....

◆ میزان تحصیلات: .....

◆ تلفن: .....

◆ نشانی کامل پستی: .....

استان: .....

شهرستان: .....

خیابان: .....

شماره‌ی فیش: .....

مبلغ پرداختی: .....

پلاک: .....

شماره‌ی پستی: .....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- ◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ◆ وبگاه مجلات رشد: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- ◆ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ◆ هزینه‌ی اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ◆ هزینه‌ی اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال

## آشنایی با برخی از وب‌نوشته‌های فعال آموزگاران و مدارس ابتدایی

<http://hajjavadghedar.blogfa.com>

وب‌نوشت یا وبلاگ آموزشگاه حاج جواد قیدر- منطقه‌ی یک بهارستان (شهرستان‌های تهران) در این وبلاگ سید شهروز پیشوا، مطالب متنوعی از فعالیت‌های مدرسه را ارائه می‌دهد.

<http://najafluee37.blogfa.com>

وبلاگ مدیریت جایگاه فناوری آموزشی در مدرسه. در این وبلاگ با نوشته‌های فاطمه نجف‌لویی، آموزگار کلاس اول دبستان تلاش گرگان در اجرای مراحل هوشمندسازی آشنا می‌شویم.

<http://najmeddin51.Persianblog.ir>

وبلاگ ارزش‌یابی کیفی توصیفی. در این وبلاگ نوشته‌های سیدنج‌الدین حسینی آفتاب‌داری درباره‌ی ارزش‌یابی کیفی توصیفی را می‌خوانیم.

<http://teaching Learning.mihanblog.com>

وب‌نوشته‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی. در این وبلاگ با نوشته‌های دکتر محرم آقازاده، استاد دانشگاه و متخصص در برنامه‌ریزی درسی آشنا می‌شویم.

[http:// Zangensha89.blogfa.com](http://Zangensha89.blogfa.com)

وبلاگ زنگ انشا. در این وبلاگ نوشته‌های طیبه غلامی درباره‌ی درس انشا را می‌خوانیم.

<http://www.asemanekabod.blogfa.com>

وبلاگ آسمان آبی‌آبی. در این وبلاگ نوشته‌های خانم شجاعی اصل، آموزگار پایه‌ی اول دبستان پسرانه‌ی شاهد شهید فهمیده را به همراه تمرین‌های فراوان برای دانش‌آموزان مشاهده می‌کنیم.

<http://groh1.ebtedyi.blogfa.com>

وبلاگ پنجره‌ی کلاس اول. در این وبلاگ نوشته‌های مژگان افضلیان، معلم کلاس اول دبستان ملک و سرگروه آموزشی ناحیه‌ی دو استان اصفهان را می‌خوانیم.

<http://Qeshmteachers.blogfa.com>

وبلاگ گروه آموزشی پایه‌ی چهارم شهرستان قشم. در این وبلاگ نرم‌افزار، نمونه سؤال، روش تدریس، طرح درس، ترانه‌های تاریخ و جغرافی و فیلم‌های آموزشی گوناگونی قرار داده شده است.